

هلاکتستان (لرغونی هلاکت)



شماره دوم
سال اول «جمل جزا»
۱۳۵۹

وزارت اطلاعات و کلتور

ریاست کلتور و پروژه های کلتوری

پروژه بین المللی آبدات تا ریخی هرات

نشریه سه ماهه مدیریت ریسرچ

مدیرمسؤول: حبیب حق

مہتمم: مسعود رجایی

په پوهاند ډاکټر عبدالرشید خان:

محمدشاه رفعت، محمد رفیع سمیع زی
سید عظیم ربان، سید جواد، فریدواله

وجه اشتراک سالانه:

در داخل کشور ۵۰ افغانی

در خارج ۶ دالر

قیمت یک شماره ۱۱۵ افغانی

پرداخت وجه اشتراک:

حساب وار دات دو لک،

مستوفیت هرات، افغانستان

بانک .

آدرس:

هرات، پروژه بین المللی

آبدات تاریخی هرات.

قلعه اختیارالدین.

تلفون ۲۴۰۳

شرح پشته:

صاول- رواق آبداء شاه مشهد در جوند .

ص سوم - دروازه یکی از اتاق های معبد

ملا عا شور در هرات .

ص چارم- دو جای نماز کاشی کاری از دیوار

دا خلی سمت جنوب مسجد جامع هرات (از دوره تیموری ها)

درین شماره

صفحه

مضمون

۱ مدار س هرات

نگاهی به پسمنظر تاریخی

۱۲ هرات

۲۱ گازرگاه و آبدات تاریخی آن

۲۸ صنعت کاشی سازی...

۳۷ دملا عاشور معبد

۴۱ گزارش کار تر میم ...

۴۷ دیگ بزرگ مسجد جامع

۱ اسناد مشعل ... (انگلیسی)

صنعت ابریشم سازی ...

۶ (انگلیسی)

عکس ها از : امید

مطبعه دولتی کابل



نشان ملی د دولتي جمهوري دموکراتيک افغانستان



بیرق ملی د دولتي جمهوري دموکراتيک افغانستان



نشان حزب دموکراتیک خلق افغانستان



پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدرا عظم جمهوری دموکراتیک افغانستان.

متن بیانیه برک کارمل

مشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان
رئیس شو رای انقلابی و صدراعظم به مناسبت
برافراشتن بیرق ملی و دولتی
جمهوری دمو کراتیک افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

رفقا ، دوستان، مردم آزاده و قهرمان
افغانستان .

بیرق و نشان ، در سیر تاریخ
بشریت ، به عنوان علایم و سمبولهای
تشخیص هویت جمعیتها، جرگهها
و گروههای گوناگون مردم اعم از قبایل
اقوام و ملل طبقات و اقشار ، احزاب و
سازمانهای اجتماعی ، به عنوان سمبول
های پیشناز و وحدت و آزادی ، استقلال و
حاکمیت ، مبارزات عادلانه و جنبشهای
انقلابی، نهضت های آزادی بخش و قیام
های مسلحانه خلقها در جهت تامین
آرمان های والای شان، صرف نظر از
بیرق های ستمگران و مرتجعان
اشغالگران ، استعمارگران، فاشیستها،
امپریالیست ها و دیگر نیروهای ارتجاعی
جهان ، پیوسته و جود داشته است .
تاریخ کهنسال وطن ما که مشحون
از پیکار ها ، پایمردی ها، جانبازی ها و

قهرمانی های فرزندان دلیر آن است
مانند همه ملل و خلقهای جهان بیرق
های بر افراشته و نشان های پرافتخار
داشته است، در گنجینه های فولکلوریک
و کلتوری ، ادبیات و زبانهای پراز غنای
خلقهای ما، کلمات بیرق، بیرغ، درفش
پرچم ، رایت، علم، لوا، جنده، توغ و غیره
همیشه جایگاه های عالی ، مقدس
و سر بلند داشته است و انعکاس دهنده
آرمانهای شریف و انسانی هدف ها و
مبارزات رهایی بخش مردم زحمتکش،
مردم آزاده و قهرمان ما در تمام دوران
های پراز نشیب و فراز تاریخ ملی
کشور کهنسال ما بوده است .

بیرق های پرطراوس با نشان خورشید
در فسانه های تاریخی در ادبیات و کلتور
قدیم چار، پنج هزار سال سر زمین
نیاکان ما انعکاس درخشان دارند، درفش
های بلخ نامدار که بر فراز برج های
بلندآن در اهتزاز بودند نمایانگر عظمت

بخدی و بخدیها ست ، بند پرمین کاره
آهنگر که بنام درفش گاویانی شهرت
جهانی دارد بمنابه سمبول قیام دلیرانه
خلق کشور باستانی ماو پیکار عادلانه
طبقاتی بردگان، کسبه کاران و دهقانان
علیه بیداد گریها و ستمگریهای ضحاک
های سفاک چون قیام سپار تا کوس ثبت
تاریخ پیکار های عادلانه جهان است .
در طول تاریخ بارها ثابت گردیده
است که میلیونها انسان قهرمان سر
زمین ما اعم از کارگران، دهقانان،
کسبه کاران ، روحانیون شرافتمند و
آزادی خواه، غازیان و وطنپرستان در
برابر دشمنان آزادی و استقلال خویش
با داشتن توغهای انقلابی در دست
جانبازانه و فداکارانه پیکار نموده اند
جانبهای عزیز خود را قربان کرده و جام
شهادت نوشیده اند، در سر زمین
باستانی ما دهها جنبش توده ای و دهقانی
در تحت بیرغ مبارزه به خاطر رهایی از

قید اسارت و بردگی بوجود آمده است
از جمله نمونه درخشانی از این جنبش
های دفاعی، جنبش دهقانان معروف
پاروشانیان است که در تحت رهبری
مردی خردمند، شاعر توانا و صوفی پاک
بهاد و مسلمان دلیر افغان بیر روشن
انجام گرفت.

سه رنگ، سیاه، سرخ و
سبز بیرق که تا همین چند ی
قبل در افغانستان معمول
بود و اینک با در نظر داشت
تاریخ و عنعنات ملی و
مطابق به شرایط مشخص
کنونی به منظور انجام تحولات
اجتماعی در مرحله نوین
تاریخی کشور یعنی در مرحله
دوم انقلاب ظفر آفرین شور
افراشته میگردد در جامعه ما
دارای ریشه های عمیق
تاریخی است و با مرا حل
پر از مدو جزر مباد رزه مردم
ما پیوند ناگسستنی دارد.
رنگ سیاه، رنگ

بیرق جنبش قهرمانان
ابو مسلم خراسانی، این
وطن پرست پر شور و ر هبر
دلیر مسلمانان آزادی خواه
سرزمین مر دخیز خراسان
قدیم یعنی افغانستان کنونی
بوده است، این بیرق
همچنان بیرق عیاران رزم-
جوی خراسان بود که در جریان
پیکار های قهرمانان آنان
بر فراز نیزه دوسر بر

افراشته میشد، رنگ
سیاه بیرق انعکاس دهند
مبارزه آزادی طلبان و
مستضعفان مسلمان خراسان
زمین در دوران عباسی ها
بود که از قرن دوم هجری
به بعد طی تقریباً دو قرن
در کشور ما غرض تو فانی
داشت.

در دوران عظمت تمدن غزنه
طی سده های چارم و پنجم
هجری، رنگ بیرق دولت
غزنیان سرخ بود که در
تحت این لوا از جمله دین
مبین اسلام در پاکستان
کنونی پخش گردید، رنگ
سرخ بیانگر قیامهای خونین
غازیان وطن پرست و غیرتمند
وطن پر افتخار ما رنگ
شهبان راه آزادی و استقلال
به خصوص در نبرد های عادلانه
آنان علیه استعمارگران
انگلیس میباشد.

در میان غازیان و راد-
مردان رزمجوی ما قهرمانی-
های زنان شیردلی، چون
ملالی ها که در فتنه سرخ
مبارزه آزادی بخش را تا
اخیر در دست های خو نین
خود بر افراشته نگه داشتند
و در میدان میوند، انگلیس-
های اشغالگر را شکست
مرگبار دادند.

ثبت تاریخ سه جنگ

عادلانه مدار افغان های
مسلمان و قهرمانان علییه
انگلیس های امپریالیست،
است، علاوه تا سرخ جامگان
در قرن دوم هجری که
نهضت های معروف مسلمانان
را علیه استبداد آن زمان
سازمان بخشیدند بیرق سرخ
داشتند.

رنگ سبز نمایانگر ظفر
و پیروزی مردم ما بر مداخله-
گران و تجاوزکاران
استعمارگر انگلیس است،
این رنگ در تاریخ کشور ما
ریشه های کهن تر از آن نیز
دارد، زیرا رنگ بیرق
دوران تمدن نو بهار وطن
کهنسال ما در روزگاران
باستانی سبز بوده است،
همچنان رنگ سبز نشانه
سرسبزی، شادابی خرمی
خوشبختی و آبادی نیز به
شمار میرود و از گذشته ها تا
کنون، از رنگ های مورد
توجه در جهان اسلام میباشد
افغانستان بداند از ج
میگذارد

ترکیب هر سه رنگ بیرق
های کشور ما، طی دوران
های پر از پیچ و خم تاریخ
ملی ما در یک بیرق بعد از
استقلال کشور و طرد
امپریالیسم انگلیس از کشور
پس از مطالعه تاریخ بیرق

در افغانستان تو سطلویه
جرگه در زمان غازی امانا لله
تثبیت گردید و از جان و دل
مورد قبول و تایید خلقهای
افغانستان قرار گرفت .

مؤ جز اینکه . سه رنگ
سیاه ، سرخ و سبز بیرق
در کشور ما دارای ریشه -
ها و پس منظر طولانی
تاریخی است و هر یک آن
بیانگر نبرد های قهرمانانه
و حماسه آفرین مردم ما است .
بدین قرار ، بیرق سه رنگ
ملی ، دولتی ما آسان بدست
نیامده بلکه طی تاریخ چند
هزار ساله کشور ما باین
شکل و هویت در آمده است که
انعکاس دهند عنعنات
و افتخارات تاریخی پیکارهای
توده ای و ملی و مظهر
معتقدات اسلامی مردم ما و
ضرورت مرا حل معینی از
تکامل جامعه ما بوده است ،
ذوق و تمایل ذهنی امیران
شاهان و سلاطین هیچگاه
در آن نقش تعیین کننده
نداشته است .

نشان دولتی در افغانستان
در طول تاریخ اشکال گونا-
گون بخود گرفته است . در
دوران باستان نشان ها
بیشتر اشکال عقاب ها و
شیران را ارائه میدادند
تا اینکه در قرن سیزدهم

هجری ، نشان دولتی شکل
محراب و منبر را بر روی
بیرق سیاه رنگ اختیار کرد ،
بعد از استقلال کشور بر روی
بیرق سه رنگ سیاه ، سرخ
و سبز همان نشان کوه و آفتاب
حک شد که امروز در میدان
پشتونستان کابل در اهتزاز
است .

محراب ، منبر و خوشه
گندم به حیث نشان بر روی
بیرق سه رنگ افغانستان
بار دیگر قبول لویه جرگه
گردیده اسطوره ها ، حماسه
ها و تاریخ بیرق ها و نشان
های کهنسال کشورمان غنا
و تنوع کلتوری فراوان دارد .

نشان دولتی جمهوری
دموکراتیک افغانستان عبارت
است از تصویر محراب و
منبر بر روی متن سبز ، کتاب
مفتوح اشعه طلوع خورشید
در بین گرای که توسط
خوشه های گندم مزین
با فیته های سیاه ، سرخ
و سبز احاطه شده و ستاره
سرخ پنج گوشه که در قسمت
فوقانی در بین دو انجاء
خوشه های گندم قرار دارد .
بیرق دولتی جمهوری
دموکراتیک افغانستان دارای
سه رنگ میباشد که بشکل
نوار های سیاه ، سرخ و سبز

بالتریب از بالا به پایین
افقا به اندازه های مساوی
واقع شده است .

در ربع قسمت بالایی بیرق
از چو به آن نشان دولتی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان قرار دارد ، نسبت
عرض بیرق به طول آن ، یک
بر دو است .

هموطنان آزاد و مستقل افغانستان !

این بیرق سه رنگ و نشان
کنونی از هر جهت ناشی از
اراده مردم ما ست و بسا
تاریخ و عنعنات پسندیده
ملی و دینی ما با آرمان های
مترقی و انقلابی ما با شرایط
و مرحله کنونی تکامل جامعه
ما مطابقت کامل دارد .

از جمله در رنگ سیاه
بیرق بطور کلی پیکارهای
تاریخی ابو مسلم خراسانی
و یاران همرازش منعکس
است ، در رنگ سرخ بیرق
مبارزات شجاعانه مردم ما
شهادت را و آزادی و
استقلال و انقلاب آزادی
بخش ثور تداومی میشود که
قهرمانانه رزمیدند ، جان
از دست دادند و لی پرچم
مبارزه را از کف ندادند ،
رنگ سبز بیرق انعکاسی از
جامعه اسلامی افغانستان ،
انعکاسی از سرسبزی ، خوش

بختی، آبادی و شگوفائی کشور است.

در نشان محراب در جامعه اسلامی ما عبادتگاه مقدس مسلمانان زحمتکش و منبر جاهل یگانه هدایت مومنان در صراط المستقیم در راه حق و حقیقت در راه برابری و برادری، در راه مساوات و عدالت، در راه صلح و آزادی مستضعفان یعنی زحمتکشان از یوغ ظلم و ستم جباران سفاک است.

خورشید از خراسان نام کهن افغانستان است خراسان یعنی کشوری که خورشید تابان از آن طلوع میکند. باز هم باین معنی که خورشید آزادی بخش خلقهای مادی و وطن محبوب ما در افغانستان در تابش جاویدانی است. کتاب گشاده سمبول روشنگری و روشنفکران، سمبول انقلاب علمی و فرهنگی مردم زحمتکش ما ست، ستاره افغان با سوابق تاریخی و ملی آن علامت اقبال و پیروزی مردم ماست گرای یا چرخ ما شین نشان کار و طبقه کارگر دوران ساز و صنعتی شدن کشور ماست، خورشید گندم از کشور زراعتی و نقشی عمده دهقانان زحمتکش ما

ورشد پر ما به زراعت و برکت در وطن محبوب ما در افغانستان نمایندگی میکند. بدین قرار بیرق و نشان ملی، دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان بدون هیچگونه تنگ نظری، ذهنی-گری و تلاش عبث برای تحمیل اراده خود بر واقعیت های عینی جامعه بنا بر ازا ده مردم زحمتکش مسلمان و سایر هموطنان و در پیش نهاد پلینوم کمیته مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد تصویب قرار گرفت که اینجا نب به نمایندگی از شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به اینجا مشخصات آنها را به پیشگاه خلق صلح جو و شرافتمند افغانستان اعلام داشتیم. بیرق و نشان ملی دولتی ما که با در نظر داشت جدی واقعیت های عینی جامعه ما بوجود آمده است گام مهمی در جهت احیای حقوق و آزادی های وسیع مردم افغانستان بشمار میرود و راه برای جلب و تشکل کلیه نیروهای دموکراتیک و وطن پرست

در یک جنبه متحد ملی پدر وطن و تکامل این جنبه که ضرورت جدی مرحله کنونی جامعه ما ست بیش از پیش هموار میگردد.

با اطمینان و ایمان راسخ اعلام میگردد که به زودی بیرق و نشان ملی، دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به سمبول وحدت و همبستگی تمام خلق های کلیه قبایل، اقوام و ملیت های افغانستان بدون تمایز و تبعیض سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مبدل می-شود.

خلق رزمنده افغانستان در تحت درفش سه رنگ خویش اتحاد و همبستگی میان خویش را به خاطر دفاع از انقلاب شکوهمند ثور واز دست آورد های انقلابی خویش بیش از پیش تحکیم خواهند کرد، اینک بیرق سه رنگ جمهوری دموکراتیک افغانستان را به اهتزاز در می آوریم و دبستگی و صداقت انقلابی خویش را به تاریخ ملت و کشور بدین مقدس اسلام، به عنایت و فرهنگ ملی ما به پیشگاه مردم و وطن خود بار دیگر ابراز میداریم.

درین لحظات که بیرق ملی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان برافراشته میگردد یکبار دیگر اعلام میداریم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در راه دفاع از انقلاب شکوهمند ثور در راه حفظ آرمان ها ، هدف ها ، پیروزی ها و دست آورد های انقلابی خلق افغانستان ، در راه نوسازی کشور و ساختمان یک جامعه نوین فارغ از زهر گونه ستم و استثمار در راه ایجاد شرایط یک زندگی مصوون و دموکراتیک و تامین امنیت عام و تمام بر ای کار صلح آمیز و پیکار انقلابی بی هراس ، مصمم ، قاطع و دلیرانه به پیش میروند و ازین جهاد عظیم و مقدس رهایی بخش زحمتکشان

وطن خود یک قدم و یک وجب عقب نخواهیم رفت . ما نه تنها هرگز در برابر شانناژها توطئه ها ، تحریرات ، مداخلات ، تجاوزات و تخریبات جنایت کارانه نیروهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه ، شوونیست های عظمت طلب ، ارتجاع داخلی عناصر مزدور خود فروخته ضد انقلاب تسلیم نخواهیم شد ، بلکه بالعکس بر اساس اراده و احد و یک پارچه مردم آزاد و زحمتکش کشور خود تمام این فرومایگان و آدمکشان ، این دشمنان وطن و اجیران امپریالیست پرست را از بیخ و بن به زباله دان تاریخ خواهیم سپرد .

رفقا ، دوستان ، هموطنان دلیر و شرافتمند !
مردم زحمتکش مسلمان افغانستان !

همه در یک جبهه و سیع ملی پدر وطن بخاطر دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ، در راه ایجاد جامعه نوین در راه صلح و آزادی ، در راه ترقی و عدالت اجتماعی ، در راه برادری و برابری ، در راه خوشبختی مردم زحمتکش ما ، در راه افغانستان قهرمان و انقلابی به پیش !

-برافراشته باد بیرق ملی ، دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان !

-زنده باد انقلاب ظفر آفرین ثور .

-بیرق افغانستان آزاد و مستقل ، افغانستان بر غرور و سربلندی به توفیق و اتکالی خداوند بزرگ و به اراده مردم ما بر می افرازم .

متن بیانیۀ بمرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت برافراشتن درفش سرخ حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان.

بسم الله الرحمن الرحيم
رفقای برادر هم تن و هم رزم به
ادامۀ بیانیۀ اینجانب درباره برافراشتن
بیرق ملی دولتی جمهوری دموکراتیک
افغانستان، بگذار درفش سرخ حزب
دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه
کارگر و همه زحمتکشان افغانستان را
دوش بدوش بیرق ملی دولتی جمهوری
دموکراتیک افغانستان برافرازیم و بدین
شیوه خلاق آتش بجان دشمنان قسم
خورده وحدت شکست ناپذیر حزب ما
برافروزم.

بگذار درفش سرخ حزب خود را این
دست آوردخونهای پاک میلیونها کادگران
شهید جهان از جمله دست آورد
شهیدان انقلاب ظفر آفرین شود و داد
اهتزاز آوریم تا باشد که یکبار دیگر
کاخهای ارتجاع و امپریالیزم را چون
آتش فشان به لرزه مرگزا در آوریم.

بگذار درفش سرخ حزب
خود را که هم مظهر قیام

های توده های میلیونی
کشور ما است و هم بانسان
گرا ری و خوشه گندم
مظهر اتحاد کارگران و دهقانان
وطن ما است بلند نماییم و با
به پیروزی رساندن نهایی
انقلاب ملی و دموکراتیک
ضد فئودالی و ضد
امپریالیستی و ضد
کمپرا دوری باز هم به پیش
در راه به پیروزی رساندن
مرحله بعدی انقلاب اجتماعی
خود به سنگرهای دشمنان
طبقه کارگر به پیش یورش ببریم

بگذار با افراشتن درفش
گلگون حزب ما این حزب
قهر مانان، این حزب
شهیدان، شهید شاد روان
نورمحمد تره کی، خیبرها و
هزاران رفقای شهید
عزیز ما که دیگر در سنگر
بیکار عادلانه ما با مانیستند

ولی خاطرات پر افتخار
و پر شکوه خونین شان در
قلب و وجدان ما زنده
و جاویدان است یکبار
دیگر همبستگی خدشه ناپذیر
خود را با نیروهای صلح
جهان، آزادی خلقها،
استقلال ملل، دموکراسی،
ترقی و یا به عبارت صحیح
تر با سه نیروی عصر ما
سیستم جهانی سوسیالیزم
جنبش های جهانی طبقه
کارگر، نهضت آزادی بخش
ملی و اجتماعی در راست
همسایه بزرگ ما و دوست
صدیق زحمتکشان افغانستان
و جهان اتحاد شوروی ابراز
بداریم.

بگذار با برافراشتن
درفش سرخ حزب طر از
نوین ما دریک جنبه وسیع
ملی پدر وطن در راه خدمت

صادقانه مردم رنج کشیده
 وطن پرافتخار خودافغانستان
 محبوب، افغانستان انقلابی و
 فخرمان دوش بدوش دلیر
 وشجاع، فروتن و متواضع
 به پیش، باز هم به پیش
 برویم.

بگذار با برافراشتن
 درفش سرخ حزب ما، حزب
 پرولتاریای افغانستان در یک
 جبهه وسیع جهانی با عشق
 وطن پرستی و جوهر آتزر-
 ناسیونالیستی با رفقا و
 دوستان بین المللی خود
 فشرده و هم بسته بسادژ
 تسخیر ناپذیر اتحاد شوروی
 علیه تمام کاخ های استبداد
 و ارتجاع، استعمار کهن
 و نوین امپریالیزم جهانی و
 انحصارات خون خوار آن،
 صهیونیسم و فاشیسم
 ریسیم و اپارتاید با مارش

ظفر آفرین تاریخ به پیش
 برویم.

رفقا! خون جان و تنم:
 بیایید یکبار دیگر در تحت
 این درفش سرخ اتحاد
 کارگران و دهقانان قسم
 یاد کنیم که درفش و حدت
 اصول حزب پرافتخار خود
 حزب دموکراتیک خلق
 افغانستان را و حدت
 ایدیولوژیک، وحدت سازمانی
 وحدت سیاسی حزب خود را
 درفش تیوری انقلابی خود
 را باتمام از خود گذری و
 فداکاری جانبازانه باخون
 و جان خود برافراشته
 نگهداریم و چون برادران هم
 تن و هم جان آغشته با خون
 های یکدیگر با عشق سوزان
 به همدیگر برای اجر ای
 وظایف عظیم و سنگین
 انقلابی که به خصوص

بعد از مرحله نوین انقلاب
 ظفر آفرین ثور بدوش مسا
 سپرده شده است دست
 بدست هم همچون حلقه
 زنجیر زرین و فولادین شکست
 ناپذیر رنجبران جهان
 به پیش به سوی پیروزی
 ها، بسوی آینده درخشان
 نسل های آینده ما باز هم
 به پیش میرویم.

رفقا! مرگ، شرف
 زندگی پرولتاریا
 حزب واحد ما یکی است
 دو نیست. فقط این دشمنان
 پرولتاریای جهان است که
 دو می گویند مرگ بردشمنان.
 با این آرمان های والای
 نجیب پرولتاری درفش
 حزب محبوب خود را حزبی
 که شرف و عقل ماست،
 حزبی که قلب و وجدان ماست
 بر می افرازم زنده باد
 انقلاب ظفر آفرین ثور.

متن بیانیه بېرک کارمل

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند نور.

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز!

از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب خود به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ظفر آفرین نور بهترین شادباشها و تبریکات را بشما مردم زحمتکش و مسلمان وطن محبوب مان افغانستان انقلابی تقدیم میدارم:

درست دو سال قبل خلق نجیب و آزاده افغانستان صفحه جدیدی از تاریخ پرافتخار خویش را گشود، بدین معنی که نیروهای مرفی و انقلابی کشور ستمزده مان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان، دولت استثمارگران را سرنگون نموده و راه نجات از عقب ماندگی و ایجاد جامعه عادلانه و نوین را در افغانستان باستانی ما هموار ساختند، ما آگاهی کامل داریم که هنوز در آغاز راه تامین خوشبختی و سعادت مردم افغانستان قرار داریم و نخستین گام هارا بر میداریم حصول

آرمانهای والای انقلاب هم زمان لازم و هم زحمت و کار زیادی را ایجاب میکند، اما هم اکنون باطمینان کامل می توان گفت که عمده ترین گام برداشته شده است یعنی مایطور برگشت ناپذیر درین راه قرار گرفته ایم و مطمئنیم که افغانستان نوین، شکوفان و سعادتمند را اعمار میکنیم • دوستان عزیز!

چنانکه معلوم است هر انقلاب اجتماعی پاسخی است به نیازمندی های نفع یافته تکامل داخلی کشوری که در آن انقلاب بوقوع می پیوندد و همیشه معلول تأثیر عوامل عینی میباشد که بدرجه لازم پختگی رسیده است •

انقلاب نور که استثنایی ازین قاعده کلی نبوده است و خود انعکاسی از ضرورت رفع نیازمندی های عاجل و حاد رشد داخلی کشور ما میباشد، اما برای پیروزی انقلاب نور مانند پیروزی هر انقلاب دیگر موجو دیت شرایط بین المللی مساعد نیز ضرور بود •

شرط اساسی درین زمینه عبارت از تناسب جدید نیروها در جهان است که

در نتیجه آن امپریالیزم دیگر قادر نیست انقلاب را بوسیله مداخله مسلحانه و محاصره اقتصادی خفه کند شک نیست که موجودیت این عامل مثبت بین المللی به پیروزی انقلاب نور که جزء لاینفک پروسه انقلابی جهان کنونی می باشد نیز کمک کرد • ما که کمک های بی شایه دوست و همسایه کبیر شمالی خود اتحاد شوروی، سایر کشور های جامعه سوسیال

یستی و تمام احزاب، جنبشها و نیروهای انقلابی جهان را با سپاسگزاری و تشکر صمیمانه بدست آورده ایم و وظیفه خود میدانیم دست آورد های انقلاب نور را حفظ کنیم، بسط و تحکیم بخشیم و بدین ترتیب سهم خود را در امر مبارزه تمام خلقهای صلح جو آزادی دوست و انقلابی جهان اداء نماییم •

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به مسایل مربوط به سیاست خارجی کشور توجه دایمی داشته و همه

کوشش ها را انجام میدهند تا برای رشد و تکامل انقلاب ما و حصول اهداف و آرمان های آن بهترین شرایط و اوضاع مساعد بین المللی تامین گردد، ما یقین کامل داریم که بهبود اوضاع در جهان و منطقه با اهداف اساسی مردم افغانستان مطابقت دارد و شرط ضروری تحقق وظایف انقلاب ثور را تامین میکند. علاقمندی صمیمانه ما به صلح مستحکم در فعالیت ها و تدابیر پیگیر و فعال سیاست خارجی ما انعکاس می یابد، ما معتقدیم که حفظ صلح مطابق به منافع دول همسایه و تمام جهانیان نیز است، بدین ترتیب سیاست خارجی ما نه بر اساس ملحوظات گذار و خودخواهانه بلکه بر پایه کاملاً اصولی و تشخیص منافع مردمان منطقه و جهان استوار است این اساسات اصولی عبارتند از:

— اصل همزیستی مسالمت آمیز که همکاری و حسن همجواری در رابطه با کشورهای منطقه و تمام کشورهای جهان بر اساس تساوی حقوق، احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، تمامیت

ارضی و حق هر ملت در تعیین راه رشد خود را دربر می گیرد.

— اصل عدم انسلاک، اصل عنعنوی سیاست خارجی افغانستان را تشکیل میدهد زیرا افغانستان از همان آغاز جنبش عدم انسلاک عضو فعال آن بوده و نقشی مثبت و قابل ملاحظه ای را درین جنبش ایفا نموده است. ما با تأیید کامل و فاداری خویش به اصول جنبش عدم انسلاک بار دیگر قاطعانه اعلام میداریم که به هیچکس اجازه داده نخواهد شد تا از مناسبات دوستانه ذات — البینی که میان افغانستان و اتحاد شوروی در چارچوب و مطابق موافقت نامه همکاری وجود دارد بغرض تضعیف موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان در جنبش عدم انسلاک و ایجاد کشیدگی و تقابل بین افغانستان و دیگر کشورهای این جنبش استفاده نمایند، یگانه هدف موجودیت موقتی قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی که مطابق قرار داد و بر اساس تقاضای حکومت قانونی افغانستان به کشور ما اعزام شده است عبارت از کمک به افغانستان در دفع و طرد تجاوز خارجی

می باشد به مجرد اینکه تلاش دشمنان وطن ما برای مداخله در امور داخلی ما قطع و خطر تجاوز مسلحانه خارجی به خاک ما برطرف گردد قطعات نظامی شوروی مطابق موافقت نامه موجود بین دو کشور از افغانستان گشت.

— اصل همبستگی بین المللی که بیش از همه مهم ترین عرصه مناسبات افغانستان یعنی مناسبات برادرانه با اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی و همچنان عرصه مناسبات همه جانبه و پرتیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دیگر نیروهای انقلابی را دربر میگیرد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در فعالیت مربوط به سیاست خارجی خود متکی بر آنست که سعادت و خوشبختی مردم ما فقط بشرط بسط و تحکیم هر چه بیشتر دوستی برادرانه و همکاری ثمر بخش با کشور کبیر اتحاد شوروی تا مین شده میتواند، این دوستی و همکاری پایه اساسی تمام

سیاست اصولی افغانستان نوین را میسازد و عامل مهم حیات د ر امر دفاع از وطن محبوب مان و دگرگونی های انقلاب ثور بشمار میرود .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای توسعه و تعمیق روابط برادرانه با احزاب حاکم ، حکومت های سوسیالیستی ، اهمیت بسزایی قایل است و دست آورد ها و موفقیت های آنان را در امر اعمار جامعه نوین با قدر دانی و تحسین مینگرد .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که شرق میانه ، آسیای مرکزی و جنوبی ، جنوب شرق آسیا و تمام منطقه بحر هند نباید به منبع جنگ و خطر جنگی برای خلق های منطقه و تمام بشریت تبدیل گردند ، این اعتقاد راسخ مانه تنها بر تجربه عملی مناسبات بین المللی ، بلکه بر اصول و ارزش های دین مبین اسلام که دین مشترک بسیاری از

خلق های آسیا و افریقا میباشد و جنگ و برادر کشی و تفرقه اندازی میان مسلمانان را اکیدا تقبیح میکند نیز استوار است ، مو سسه کنفرانس اسلامی که افغانستان علی الر غم دسایس و توطئه های دشمنان یکی از بنیاد گذاران و یکی از اعضای فعال آنست نیز به همین عقیده میباشد .

در حال حاضر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به منظور بهبود اوضاع بین المللی در منطقه و ایجاد فضای حسن تفاهم و اعتماد که ضرورت آن برای حل اختلافات موجود بر اساس مذاکرات آرام و مفید شدیداً احساس میگردد ، به طرح یک سلسله ابتکارات جدید و مثبت دست زده اند .

این ابتکارات و پیشنهادات چند روز پیش ، در تظاهرات کمیته مرکزی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور نشر گردیده است و امیدواریم که این ابتکارات ما با عکس العمل مساعد و حسن استقبال مواجه شود ، ما معتقدیم که در بین افغانستان و دول همسایه چنان اختلافاتی

وجود ندارد که از راه مسالمت آمیز ، بر اساس ازاد نیک حسن نیت و خرد مندی رجل دولتی آنها به نفع مردمان ما نتواند حل گردد و برعکس برای همه روشنی است که تشدید و دام زدن به فعالیت های غیردوستانه آنها مات متقابل و بیشتر از آن و مخصوصاً تلاش بغرض مداخله در امور داخلی همدیگر بطور ناگزیر به وخامت بیشتر اوضاع منجر میشود و عواقب خطرناک را بوجود میآورد .

ما بارضایت خاطر گفته میتوانیم که افغانستان روابط و تماس های بین المللی خویش را اطمینان ، بسط و توسعه می دهد و اهداف نجیبانه انقلاب ثور ، گام های رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه سیاست خارجی با درک بیشتر و حسن استقبال روز افزون در جهان مواجه میشود .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عزم راسخ دارند که در آینده نیز برای کمک به پروسه دیتانت یا روند تشنج زدایی بین المللی و ایجاد فضاهمکاری و اعتماد در جهان

از همه امکانات در عرض صبه سیاست خارجی در مقیاسی منطقه و جهان از همه امکانات استفاده نموده و مساعی خستگی ناپذیری مبذول دارند .

انقلاب ثور نتیجه ناکامی گزیر و قانونمند تمام پروسه رشد تاریخی گذشته افغانستان بوده است و از لحاظ ماهیت خویش انقلاب ملی و دموکراتیک میباشد . عمده ترین وظایف عمومی دموکراتیک که انقلاب ثور بار عایت کامل عنعنات و خصوصیات ملی مردم کشور مادر برابر خویش قرار داده عبارت است از تحقق آن چنان دگرگونی های اجتماعی ، اقتصادی اداری ، دولتی و فرهنگی که اجرای پیگیر آنها موجب اعمار جامعه عادلانه و نوینی خواهد شد که در آن دیگر فقر ، گرسنگی ، بیکاری ، بیسوادی و استثمار برای همیشه محو و نابود شده باشد .

در نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب ثور مطابق به مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در سال ۱۳۴۵ نشر گردیده و براساس خطوط اساسی و ظایف انقلابی ، منتشره ۱۹ ثور ۱۳۵۷ ، اقدامات برای

تحقق و اجرای دگرگونی های مترقی و مهم اجتماعی اقتصادی و سیاسی آغاز شد که پاشخوی آرزوهای دیرینه مردم زحمتکش ، قهرمان و شجاع افغانستان بود ، جمهوری دموکراتیک افغانستان ، شورای انقلابی و حکومت که در رأس آن شادروان نور محمد تره کی منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار گرفت ، ایجاد گردید ، تدابیر عملی جهت کاهش قیمت کالا های مورد ضرورت اولیه و به منظور جذب فارغان بیکار مکاتب و لیسه ها بکار و اعاده حق تعلیم و تحصیل برای هزاران شاگرد یکبه رژیم مستبد داود ازین حق آنان را محروم ساخته بود اتخاذ گردید ، هلیو نهادهقان توسط فرمان شوری انقلابی از زیر بار گران سود ، سلم و گروهای رهایی یافته و طرح اصلاحات دموکراتیک ارضی ریخته شد ، اعمار مکاتب و مساجد جدید آغاز یافت ، همه این دگرگونی های مترقی با پشتیبانی و اشتراک مستقیم توده های وسیع زحمتکش و تمام وطنپرستان وطن محبوب ما مطابق به سنن

و عنعنات مذهبی و ملی تمام خلقها ، ملیتها و قبایل کشور ما عملی میگردد . در افغانستان که قبل از انقلاب ثور یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان بود ، طبقه کارگر کثیر مجرب و آبدیده در مبارزه طبقاتی وجود نداشت و بیشتر از نود فیصد نفوس خواندن و نوشتن نمی دانستند ، از جانب دیگر در کشور ماقالت شدید پرسونل رهبری و متخصصین فنی در سطوح مختلف که وفاداری به انقلاب را با آمادگی لازم حرفی و تیوریک تلفیق می کردند به مشاهده میرسید ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان سالهای متمادی قبل از انقلاب در شرایط غیر علنی و نیمه علنی کار نموده تحت فشار و تضییقات از جانب رژیمهای ارتجاعی قرار گرفته بود و تجربه لازم را در پیشبرد امور دولتی و رهبری رشد اقتصاد و کلتور نداشت علاوه بر آن وحدت حزب و متحد ساختن دیگر نیروهای مترقی و اصول رهبری جمعی و مرکزیت دموکراتیک که خصوصاً در شرایط بعد از انقلاب برای حزب بر سر اقتدار ضروری است نقض گردید .

اعمال خاینانه‌امین جنایت- کار و جا' سو'س سی.آی.ای که تو ا نیست با فریب توطئه و دسایس‌نا جوانمردانه بقدرت برسد لطمه شدیدی به امر انقلاب وارد نمود، او سنن ملی و معتقدات مذهبی مردم قهرمان و زحمتمکش‌مارا زیر پا گذاشته و از طرق و شیوه‌های غیر مجاز استفاده میکرد، علاوه بر آن درین زمان نقض فاحش قانونیت انقلابی صورت گرفته و بدون موجه قانونی و حکم محکمه به تعقیب کشتار و اعدام انسانهای بیگناه و منجمله اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که به امر انقلاب وفادار بودند و به تدابیر اخلاق عمومی اهالی کشور دست زده‌شد، استثمار گران و خائینی که در نتیجه انقلاب‌ثور از امتیازات و قدرت خویش محروم شده بودند نیز آزام نه‌نشستند و مشکلات جدی را در راه تحقق آرمانهای انقلابی مردم ما ایجاد کردند، محرك و مشوق اساسی عناصر مرتجع و خاین ضد انقلاب و اعمال جنایتکارانه آنها امپریالیزم بود و هست، امپریالیزم که با تمام قوا می‌کوشد حرکت بسوی استقلال و ترقی اجتماعی

خلقها را متوقف سازد از ارتکاب هیچ جنایتی اساء نمی‌ورزد و توأم با تشدید توطئه علیه خلقها از ارتجاع محلی به نفع خود استفاده میکند. افتراء تخدیر افکار عمومی محاصره اقتصادی خرابکاری ایجاد گر سنگی و ویرانی، تطمیع و تهدید، ارباب و ترور را هزنی و غارتگری شیوه‌ها نیست که از تجاع امپریالیستی بین‌المللی در اتحاد با ضد انقلاب بکار می‌بندد. امپریالیزم و بدرجه اول امپریالیزم امریکا، هژمونیت‌های پیکنگ و محافل ارتجاعی یک‌عده کشورهای دیگر فوراً بعد از انقلاب‌ثور در افغانستان به تشکیل گروپ‌های خرابکار و تروریستی و بوسیله آنها به انجام عملیات کارشکنی و خرابکاری، قتل و ارباب‌اهالی غیرنظامی دست زدند، امپریالیزم و ارتجاع جهانی در اتحاد با ارتجاع محلی و ضد انقلاب به وسیعترین کارزار تبلیغاتی آگنده از جعل دروغ و افتراء بیشتر ما نه علیه انقلاب‌ثور، علیه حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز نمودند که متأسفانه یک‌عده قابل ملاحظه افراد بی‌سواد و فاقد آبدیدگی و

آگاه‌های سیاسی قربانی‌واسیر این تبلیغات دروغین گشتند. اما خوشبختانه سرانجام تمام پلانی‌های شوم دشمنان بغرض تخریب، تحریس، انفجار و خفه ساختن انقلاب‌ثور به ناکامی کامل و شرم‌آور طراحان آن منجر گردید اکثریت وطن پرستان و سالم حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شو‌رای انقلابی و قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتکاء به عزم خلل‌ناپذیر مردمان کشور در جهت دفاع و نجات انقلاب پلان‌های شوم دشمنان را خنثی و محکوم به شکست قطعی نمودند در شش‌ج‌دی ۱۳۵۸ حاکمیت جنایت‌بار امین بر انداخته شد و مرحله نوین انقلاب‌ثور آغاز گردید.

با آغاز مرحله نوین انقلاب شرایط مساعد برای بسط و توسعه تغییرات انقلابی ایجاد شد و عواقب نامطلوب نقض جنایتکارانه قانونیت انقلابی بوسیله امین و امینی‌ها مرفوع گردید. تدابیر مؤثر به منظور تأمین حقوق اساسی و آزادی‌های دموکراتیک خلق ما، احترام واقعی به معتقدات و عنعنات مذهبی

شان ، بالا بردن سطح رفاه مردم و تأمین توده های وسیع زحمتکشان از لحاظ مواد مورد ضرورت اولیه ، و رفع نیازمندی دهقانان از لحاظ افزار کار تخم بذر و کود کیمیاوی انتخاب گردیده است ، در مرحله دوم یا نوین انقلاب ثور که مردم افغانستان آنرا به حق بنام مرحله نجات انقلاب ، خلق و وطن یاد میکنند کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ظایف داخلی ذیل را در ساحه اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در برابر خود قرار داده است .

دفاع و تحکیم همه جانبه دست آورد های انقلاب ثور حاکمیت دولتی و استقلال وطن محبوبان جمهوری دموکراتیک افغانستان .

تحکیم وحدت و دوستی برادرانه تمام قبایل ، اقوام و ملیت های افغانستان اعم از کوچک و بزرگ .

تقویت هر چه بیشتر قوای مسلح پر افتخار جمهوری دموکراتیک افغانستان به حیث مدافع وطن و انقلاب .

بسط و رشد دموکراسی بر اساس اصول رهبری دسته جمعی و مرکزیست

دموکراتیک و پیرونی از آن .

تحکیم وحدت صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان . جلب توده های هر چه وسیعتر زحمتکشان و سازمان های اجتماعی آن ها از طریق اتحاد در جبهه وسیع ملی پدر وطن برای شرکت در امور رهبری دولت .

محو و طرد کامل بقایای ناگوار گذشته از قبیل بی قانونی ، خود سری ، اختلاس ، کاغذ پرانی ، دست برد به بیت المال شوونیسم و ناسیونالیسم ملی و غیره که با عقاید دینی و رسوم مردم مغایرت دارند .

تکمیل و تحکیم دایمی ارگان های امنیت دولتی و ارگان های نظم عامه .

بهبود همه جانبه شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور .

تأمین زمینه های کار برای بیکاران و نیمه بیکاران مخصوصاً جوانان کشور .

بالا بردن سطح تعلیمات ، فرهنگ و تربیت فنی و حرفه ای توده های مردم .

حفظ و رشد بهتر یمن و ارزشمندترین گنجینه های فرهنگی خلقهای وطن محبوب

هموطنان عزیز !

نیازمندی های عینی دفاع از دست آورد های انقلاب ثور جداً ایجاب می کند که توجه دایمی به تقویت و تحکیم قوای مسلح و ارگان های خارتدوی و امنیتی کشور مبذول گردد .

نیروهای وطن پرست قوای مسلح نقش برجسته ای را در پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیمهای منفور ضد مردمی ایفا نموده اند ، نخستین و عمده ترین وظیفه قوای مسلح در مرحله کنونی دفاع مطمئن قاطع از انقلاب حراست استقلال ملی و حاکمیت افغانستان در برابر توطئه های دشمنان خارجی می باشد .

باید گفت که این وظیفه در اوضاع و احوال حاضر اهمیت به خصوصی را کسب نموده است ، زیرا امپریالیسم و ارتجاع از مداخله بیشتر مانه در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان دست بردار نیستند ، و وظیفه ثانی و مهم دیگر قوای مسلح در وضع فعلی سرکوب ضد انقلاب داخلی است که از

جانب امپریالیزم بین المللی
ما نو ییزم و متحدین آنان
پشتیبانی و حمایت وسیع
میشوند .

بدین ترتیب خصوصیت
لحظه جاری درینست که ما
مجبوریم در برابر نیروهای
متحد امپریالیزم بین المللی
و ارتجاع داخلی مبارزه کنیم
حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و حکومت جمهوری
دموکراتیک افغانستان برای
رشد و تحکیم قوای مسلح
کشور در رابطه مستقیم با دفاع
از دست آورد های انقلاب
ثور با دفاع از حیثیت و شرف
مردم وطن محبوب ما افغانستان
اهمیت بزرگ قایل است .

با صراحت اعلام میداریم
که افغانستان انقلابی منشأ
تهدید و یا خطر برای هیچکس
نبوده ، نیست و نخواهد
بود ولی ما در آینده نیز
شجاعانه و با قاطعیت
کامل از استقلال و حاکمیت
ملی خود از دست آورد های
انقلابی مردم آزاده و دلیر
افغانستان با سلاح دست
داشته خود دفاع خواهیم
کرد ، من درینجا میخواهم
بدون هیچگونه مبالغه یاد
آور شوم که کشور ما دارای
بهترین و عصری ترین اسلحه

و دیگر وسایل نظامی میباشد
که در نتیجه کمک های
برادرانه و بی شائبه اتحاد
شوروی در دسترس ما
گذاشته شده است و هنوز هم
گذاشته میشود .

باید اضافه کنم که اردوی
قهرمانان ما نه تنها بهترین اسلحه
بلکه دلیر ترین افراد خرد
ضابطان و افسران را نیز
در اختیار دارد که بارها
وفاداری خود را به آرمانهای
انقلاب ثور و آمادگی و تصمیم
تزلزل ناپذیر خود را برای
درهم شکستن تمام دسایس
دشمنان افغانستان به اثبات
رسانده اند .

باین ترتیب امر عادلانه
و برحق انقلاب ثور شکست
ناپذیر است .

حمایت و پشتیبانی
زحمتهای افغانستان و همه
نیروهای مترقی کشور از
سیاست و پلانیهای مترقی
حزب دموکراتیک خلق
افغانستان در جهت ایجاد
زندگی نوین ، وفاداری قوای
مسلح جمهوری ما به انقلاب
ثور و آمادگی شان در دفاع
از دست آورد های آن
پشتیبانی همه جانبه نیرو
های مترقی جهان و در درجه
اول کشور کبیر و نیرومند

اتحاد شوروی ضامن شکست
ناپذیری انقلاب ثور است .
نقش خارندوی پر افتخار
افغانستان نیز در امر دفاع
از انقلاب ثور بس مهم و با
ارزش است ، طی دو سال
گذشته خارندوی تحت رهبری
حزب دموکراتیک خلق
افغانستان به نیروی واقعی
مبدل گشت که از حیات ،
شرافت و حقوق مردم
جمهوری دموکراتیک
افغانستان بطور کاملاً مطمئن
دفاع مینماید افراد و
صاحبمنصبان خارندوی
مبارزه موفقانه را علیه
جنایتکاران حرفوی پیش
می برد و در مناطقی که باند
های تروریستی نفوذ مینمایند
با قهرمانی وظایف بزرگ
خویشرا اجراء میکنند .

کارکنان خارندوی همراه
با قوای مسلح پر افتخار و
وطنپرستان کشور در سر-
کوبی باند های ضد انقلاب
سهم فعال می گیرند ،
خارندوی در اجرای وظایف
خویش به کمک وسیع اهالی
اتکاء نموده و مواردی پیش
می آید که در آن زحمتهایشان
اطلاعات مهمی در باره محل
اختفای سرکردگان باند ها
در اختیار خارندوی میگذازد
و حتی در دستگیری مستقیم

و تسلیم دادن آنها به مقامات امنیتی کوشیده اند .

در بسیاری از شهر ها و قصبات افغانستان خود اهالی گروه های دفاع از انقلاب و حفظ نظم را ایجاد نموده اند، هزاران وطنپرست جوان بطور داوطلبانه شامل خارتدوی میگردند تا سلاح بدست با دشمنان انقلاب مبارزه کنند.

نقش بزرگ و قابل قدری
را در سرکوبی ضد انقلاب و حفظ و تامین نظم اجتماعی کشور از گانه های امنیتی ایفاء میکنند ، در حال حاضر در ارگانه های امنیتی افراد وفادار به حزب ، صادق ، باوجدان باشمهاست و از خود گذرکه آماده اند هر لحظه در راه امر مردم جان خود را فدا کنند، مشغول انجام وظیفه می باشند ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان تدابیر لازم را اتخاذ مینمایند تا ارگانه های امنیت دولتی به سپر مطمئن دفاع وطن محبوب مادر برابر نفوذ و فعالیت خصمانه اجنت های امپریالیزم ارتجاع و دیگر دشمنان انقلاب ثور مبدل گردد. و واقعاً خدمتگذار توده های عظیم مردم شرافتمند ما باشند.

حزب با محول ساختن مسوولیت های بزرگ به ارگان های امنیتی ، خود نیز با هوشیاری مراقب آن است که در کشور دایما قانون نیست انقلابی و حقوق و آزادیهای تضمین شده مردم تامین و رعایت گردد .

هموطنان عزیز !

بعد از پیروزی انقلاب ثور مسایل مربوط به تحقق عملی تغییرات اقتصادی اجتماعی به نفع رشد اقتصاد وسیع مردم افغانستان در مرکز توجه و فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار گرفت .

علی الرغم میراث سنگین گذشته یعنی عقب ماندگی شدید ، کشور ما به موفقیت های دررشد اقتصادی نایل شده است یک ماه و چند روز پیش سال ۱۳۵۸ هجری شمسی به پایان رسید که بنابر علل زیادی سال دشوار و پر از پیچیدگی ها برای اقتصاد ما بود ، اما باز هم زحمتکشی و قهرمانی مردم ما تولید حجم قابل ملاحظه محصولات صنعتی و زراعتی را تامین نمود ، بطور مثال تولید انرژی برق ، کاندسات گاز ، نفت ، کود کیمیاوی

و چینی باب افزایش یافت . در سال گذشته کشور ما مقدار بیشتر منسوجات پشمی و نخی چرم دباغی شده ، روغن نباتی ، آرد و بعضی دیگر از محصولات زراعتی را دریافت نمود ، افزایش محصولات مذکور امکان داد تا مسئله حاد تامین اهالی شهر ها ، اردو کوپراتیف ها و موسسات دولتی را از لحاظ مواد خوراکی حل نمائیم .

از جانب دیگر امکان دارد تا به دهقانان مقدار بیشتر کود کیمیاوی تحویل داده شود و در شرایط زمستان بسیار سرد اهالی شهر ها از جهت انرژی برق تامین شده باشند .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که راه درست اجرای وظایف اقتصادی مرحله نوین انقلاب ثور عبارت است از رشد هم آهنگ ، پلان شده و دینامیک سکتور های دولتی مختلط ، کوپراتیفی ، و خصوصی اقتصاد ملی که یکدیگر را تکمیل کنند.

حکومت تصمیم دارد با تنظیم استفاده معقول از منابع کشور بر اساس به کار

بستن وسیع دستاورد های علم ، تخنیک ، و پلان گذاری معاصر ، به رشد همه جانبه سکتور دولتی که پیدایش و انکشاف آن تنها در نتیجه کمک های وسیع و مساعدت های موثر اتحاد شوروی میسر گردیده است توجه دایمی مبذول کند .

پلان رشد اجتماعیه اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای سال ۱۳۵۹ با در نظر داشت رهنمود های اساسی پلان پنجساله جاری و اهدافی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای مرحله جدید انقلاب ثور تعیین کرده و با ملاحظه اوضاع موجود در کشور طرح و تکمیل گردیده است . در این پلان ، رشد بعدی اقتصاد بر پایه استفاده همه جانبه از منابع مالی داخلی و کمک های خارجی که با سخگوی منابع ملی می باشد و همچنان استفاده موثر از منابع مادی و بشری پیشبینی شده است .

بیش از هفتاد فیصد حجم عمومی کمکهای خارجی در پلان سال ۱۳۵۹ را سهم کشور های جامعه سوسیالیستی احتوا میکند که از جمله سهم اتحاد شوروی به

تنهایی در این کمک ها شصت و پنج فیصد می باشد . بر اساس پلان طرح شده برای سال ۱۳۵۹ حجم تولیدات غیر خالص ملی نسبت بسال ۱۳۵۸ بیش از (۹) میلیارد افغانی یا ۶۵ فیصد افزایش خواهد یافت . تطبیق پلان سال ۱۳۵۹ گام مهمی خواهد بود در جهت تحقق تحولات مترقی به نفع رشد اقتصاد و مردم افغانستان .

نا گفته نباید گذاشت که در پلان سال ۱۳۵۹ بمنظور تحکیم زیر بنای تولیدی سکتور دولتی انجام اقدامات مؤثری پیشبینی گردیده است هم اکنون در بخش دولتی اقتصاد ملی بیش از چهل فیصد کل محصولات صنعتی کشور تولید میگردد ، مهمترین و بزرگترین موسسات بخش دولتی آنها یکی است که به کمک اتحاد شوروی احداث گردیده است ، که قسمت عمده محصولات بخش دولتی در آنها تولید میگردد ، در اینجا کافی است که از صنایع گاز افغانستان که بطور کامل به کمک اتحاد شوروی احداث گردیده و توسعه داده شده است یادآوری کنیم ،

از گاز طبیعی افغانستان نه تنها به مثابه منبع مواد خام ارزان جهت تولید کود کیمیاوی که دهقانان کشور ما احتیاج مبرم بآن دارند ، استفاده بعمل می آید ، بلکه عایدات قابل ملاحظه ای نیز از ناحیه فروش آن بخارج بدست می آید ، این عایدات در سال جاری بالغ برده میلیارد افغانی و حتی بیشتر از آن خواهد بود .

بدین ترتیب این مثالها و تمام تجرب به همکاری بیش از شصت سال بین افغانستان و اتحاد شوروی نشان می دهند که همکاری بر منفعت دو کشور ماعامل مهم انکشاف اقتصادی افغانستان را تشکیل می دهد .

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان ، سهمگیری فعال

و ثمر بخش سرمایه های خصوصی ملی را در امر انکشاف اقتصادی کشور قابل قدر دانسته و تداوم بخش پشیمانی و حمایت دولتی از آن را طرح ریزی خواهد نمود ، تا بدین ترتیب نقش فعالیت های سرمایه داری ملی ارتقا داده شود ،

به منظور تأمین انکشاف اجتماعی و اقتصادی زارعین کشور ما و تحکیم اتحاد کارگران با دهقانان غرض حفظ و توسعه بیشتر دست آورد های انقلاب ثور، حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، پروگرام اصلاحات ارضی را رویدست گرفته اند. با در نظر داشت مطالب فوق حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از همان آغاز مرحله دوم انقلاب ثور به مسایل مربوط به رشد و انکشاف زراعت و کمک موثر به دهقانان کشور توجه دایمی مبذول داشته اند، امروز ما با رضایت کامل خاطر، گفته میتوانیم که دولت ما توانسته است تخم اصلاح شده گندم، پخته و لبلبو و کود کیمیاوی را در دسترس تقریباً تمام دهاقین مستحق قرار بدهد. جهت تسهیلات لازمه برای دهقانان و تأمین انکشاف تولید پخته و لبلبو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم گرفته اند تا قیمت خرید

این دو نبات صنعتی را از دهقانان با لستر تیب پیست و سی فیصد از دیاد بخشند، علاوه تا در قیمت کود کیمیاوی و بعضی از ماشین آلات زراعتی تنزیل وارد آمده و تسهیلاتی جهت دادن قرضه های دولتی به دهقانان فراهم گردیده است. در سال جاری چندین مرکز کرایه تراکتور ایجاد خواهد شد که با شرایط سهل در جهت انجام خدمات زراعتی مختلف به دهقانان بشمول قلمبه نمودن زمین های آنها فعالیت خواهد کرد. حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به کوپراتیف های مختلف زراعتی که تاکنون تشکیل شده و بعد از این نیز بصورت کاملاً دواطلبانه تشکیل خواهد شد، کمک های همه جانبه مادی و مالی مبذول خواهد داشت. **بنابر پیشنهاد شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بودجه دولتی سال ۱۳۵۹ جمهوری دموکراتیک افغانستان توسط بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تأیید و ذریعه شورای انقلابی تصویب نهایی رسیده است که در آن برای**

اولین بار در طی چند سال اخیر عواید و مصارف دولتی معادل همدیگر بوده و به سی و سه میلیارد و هفتصد و پنجاه و نه میلیون افغانی بالغ می گردد. علت عمده از دیاد عایدات در بودجه سال جاری افزایش قابل ملاحظه قیمت گاز طبیعی افغانستان است که به اتحاد شوروی صادر میگردد. از دیاد مصارفیکه در این بودجه پیشبینی شده است در درجه اول بحاضر بالا بردن سطح زندگی مردم و تأمین خدمات مختلف اجتماعی میباشد که عمدتاً به وزارت های تعلیم و تربیه، صحت عامه و مخاربات مربوط میباشد. بر اساس پلان انکشاف اجتماعی و اقتصادی سال ۱۳۵۹ جمهوری دموکراتیک افغانستان اولتر از همه رشته های مهم اقتصادی ملی از قبیل تولید برق و انرژی صنایع، زراعت و آبیاری، مخاربات، ترانسپورت و امثال آن رشد خواهند نمود. در سال جاری ده هزار جریب زمین جدیداً آبیاری میگردد و اقدامات جدی در بخش صنایع و زراعت رویدست گرفته خواهد شد که در نتیجه امکان کار برای تعداد بیشتری

از هموطنان ما ایجاد خواهد شد، عرضه کالاها از طریق موسسات دولتی و کوپرا تیمی افزایش فابل ملاحظه خواهد یافت.

با دید خاطر نشان ساخت که عایدات بودجه در سال جاری هم از منافع خارج می و هم از منافع داخلی تامین میگردد، منافع خارجی این بودجه را عمدتاً کمک های گوناگون کشور های سوسیالیستی و اولتر از همه کمک های اتحاد شوروی از قبیل قرضه ها، کرایدات ها، تحویل بلاعوض کالاها و غیره تشکیل میدهد.

در گذشته ها مردم نجیب افغانستان رنج ها، ظلم ها و مصایب بیشمار را از دست رژیم های ظالم و استثمارگر که میخواستند با مسخ و تحریف صریح اصول مقدس دین مبین اسلام منافع ناپاک و غرض آلود خود و با داران خارجی خود را تامین نمایند متحمل شده است و ای چنانچه به همه مسلمانان واقعی کشور ما بخوبی روشن است اصول دین مقدس اسلام با ظلم، استثمار، اختلاس، هتک حرمت و کرامت انسانی، نقض

قوانین و صلح و آرا مشی مردم مغایرت کامل دارند، ولی اگر رژیمهای کدشنه تلاش می و در یدد تا از نام مقدس اسلام به منظور پیشبرد سیاست غرض آلود و فریب مردم استفاده کنند، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در مرحله نو بن انقلاب ثور وظیفه خود میدانند، تا احترام کامل به اصول و الای اسلامی و آزادی و مصوونیت تمام مسلمانان را در ادای فرایض دینی شان تامین نمایند، هر کس بخواهد دیگران را به تخلف از اصول دین اسلام وادارد و یا بخواد از نام مقدس دین اسلام برای پرده پوشی، اعمال خود خوانه و غرض آلود شخصی و یا کدام گروه و یا قشری برخلاف منافع وطن و خلق شریف ما استفاده نماید، مورد جزای قانونی قرار خواهد گرفت. ما همچنین وظیفه خود میدانیم تا شرایط مساعدی را برای علمای وطن پرست دینی افغانستان جهت انجام وظایف شرافت مندانه و والای شان ایجاد نماییم.

هموطنان گرامی :

پیروزی انقلاب ثور و تأسیس جمهوری دموکراتیک افغانستان یک امر تصادفی نبوده است بلکه نتیجه و ثمره طبیعی مبارزات سرسخت و طولانی بهترین فرزندان تمام ملیت های ساکن افغانستان و تمام نیروهای مترقی، انقلابی و دموکراتیک وطن محبوب ما میباشد، بنا تعجب آور نیست که تمام وطن پرستان واقعی کشور ما اعم از پشتون تاجک، ازبک، هزاره، ترکمن بلوچ، نورستانی و غیره با شور و شعف زاید الوصفی از دو مین سالگرد پیروزی انقلاب ثور استقبال مینمایند.

اکنون در کشور ما تهاوی واقعی تمام ملیت ها و اقوام ساکن آن صرف نظر از نژاد، زبان، مذهب، محل، ساکن و یا کوچی بودن شان تامین شده است، برای اولین بار در تاریخ کشور ما تمام ملیت ها و اقوام آن از حقوق و امکانات مساوی در جهت انکشاف زبان، عنعنات فرهنگ، ادبیات و تحصیل بزبان مادری خود برخوردار بوده و همه نوع تبعیض نژادی، ملی، لسانی و غیره برای همیشه منع شده است،

و قانونا ، مجازات میگردد .
 در استخدام بکارشمولیت
 در موسسات تعلیمی ، تعیین
 اندازه دستمزد ، کاریسا
 تقاعد و ترفیع در کار اصل
 تساوی حقوق اکید رعایت
 میشود ، تدابیر مختلف
 اجتماعی و اقتصادی از قبیل
 بالابردن سطح زندگی
 مادی و فرهنگی و تالیف
 کتابهای درسی بربان
 های ملی از بکی ، ترکمنی
 و بلوچی نیز جهت تامین
 حقوق ملیت های ساکن
 افغانستان اتخاذ میگردد .
 کمیته مرکزی حزب
 دموکراتیک خلق افغانستان
 شورای انقلابی و حکومت
 جمهوری دموکراتیک
 افغانستان و وظیفه خود می
 دانند تا وحدت و دوستی
 تمام ملیت ها و اقوام
 افغانستان را اعم از کوچک
 و بزرگ ، اعم از پشتون ،
 تاجک ، هزاره ، ازبک ،
 ترکمن ، بلوچ ، نورستانی
 و غیره به صورت مداوم تحکیم
 بخشند و تساوی واقعی
 خوشبختی سعادت و ترقی
 آنها را تامین نمایند .
 قبایل پشتون ساکن در
 مناطق جنوب و جنوب غربی
 افغانستان همواره نقش
 بارزی را در امر دفاع از

آزادی و استقلال وطن ما ایفا
 نموده و مینمایند
 کمیته مرکزی حزب
 دموکراتیک خلق افغانستان
 شورای انقلابی و حکومت
 جمهوری دموکراتیک
 افغانستان با احترام کامل
 به عنعنات پسندیده و شیوه
 زندگی قبایل پشتون در
 مرحله دوم انقلاب شور
 سیاست حسن اعتماد ، صلح
 و همکاری را نسبت به آنها
 طرح و پیگیری نه تعقیب
 مینمایند .
 با اتکاء به اصول دین
 مبین اسلام و آرمان های
 ولای انقلاب ثور هدف
 این سیاست تامین صلح
 برابری و آرامش در منطقه قبایل
 پشتون کشور و مصوونیت
 حیات ، شرف ، دارایی و
 مسکن آنها می باشد .
 کمیته مرکزی حزب
 دموکراتیک خلق افغانستان
 شورای انقلابی و حکومت
 جمهوری دموکراتیک
 افغانستان عزم را سخ دارند
 تا در آینده نیز این سیاست
 حسن اعتماد ، صلح و
 همکاری نسبت به قبایل
 پشتون را تعقیب و به حفظ
 و تحکیم عنعنات و رسوم
 پسندیده و دموکراتیک
 آنها مساعدت میکند و رفاه

و بهبود شرایط زندگی شان را
 تامین خواهند کرد .
 کمیته مرکزی حزب
 دموکراتیک خلق افغانستان
 شورای انقلابی و حکومت
 جمهوری دموکراتیک
 افغانستان از آن پشتون
 های منطقه قبایل نشین
 افغانستان و هموطنان
 دیگری که بنابر بی عدالتی
 و ستم های مختلف
 جباران گذشته
 از وطن محبوب خود مهاجرت
 نموده اند یکبار دیگر دعوت
 مینمایند تا به وطن عزیز
 خود بخانه ها ، دهات و شهر
 های خود نزد فرزندان و
 خانواده های شرافتمند خویش
 برای ادا مه کار صلح
 امیز و زندگی عادی برگردند
 و به آنها رسماً تعهد و تضمین
 می سپارند که هیچ یک
 از آنها به خاطر اعمالیکه
 در زمان مهاجرت جباران
 انجام داده اند تحت
 هیچگونه تعقیب و مجازات قرار
 نخواهند گرفت .
 اجرای موفقانه و ظیمه
 اعمار جامعه نوین و بهبود
 زندگی مردم بدون کار جدی
 و پیگیری در جهت تکمیل
 و بهبود فعالیت دستکاه
 دولتی ممکن نیست ، بنابراین
 حزب دموکراتیک خلق

افغانستان از اعادۀ فعالیت خود به مناسبت حزب حاکم این امر را یکی از مهمترین وظایف خود دانسته است، بعد از پیروزی انقلاب نور و مسرّحۀ نوین آن بعوض آن عهد و امر ما موریس مدلی و بطامی که در بر حور با مردم بیعتی و ستم روا میداشتند و یا با استقرار نظام مردمی دشمنی می ورزیدند عنا صر صا د ق و وطن پرست تعیین و تقریر یافتند، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که طرز فعالیت و سازمان دستگاه دولتی باید به موازات پیشرفت انقلاب نور تکامل یابد و ما موریس دستگاه دولتی به صورت مداوم به احتیاجات و نیازمندی های زحمتکشان متوجه باشند خود را با تمام وجدان انقلابی در خدمت مردم در وطن قرار دهند.

هریک از افراد جامعه موظفند که با تمام بقایای ناگوار و بوروکراسی، بی نظمی اداری، خودسری قانون شکنی، بی انضباطی اختلاس، دستبرد به بیت المال و غیره با قاطعیت

مبارزه نمایند، همه ماموظف هستیم تا دستگاه دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را هم در مرکز و هم در ولایات در مجری مقرر ابلاغی و آگاهانه اطاعت کامل ازاراده و دستایر حزب و دولت قرار دهیم.

تأمین پیروز ماندانۀ نقش رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تمام شئون زندگی جامعه تنها به داشتن پرسونل و کادر های مجرب، بلکه با این امر نیز بستگی دارد که چگونگی و در کجا آنانرا بکار انداخت.

حزب برای تحقق آرمان ها و سیاست خود باید دارای پرسونل و کادر های باشد که علاوه بر تجربه و تخصص از آگاهی سیاسی کافی و وفاداری به امر حزب و انقلاب نور نیز برخوردار باشند، به خاطر نیل باین هدف خود حزب دموکراتیک خلق افغانستان خود به پیروز و انتخاب درست کادر و پرسونل اهمیت زیادی قایل میباشد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان میسازد که در امر تشخیص، پیشنهاد و تقریر مسوولین در هر رتبه

و مقامی باید صریحاً و قاطعاً، اهمیت سیاسی و تخصصی و دیگر خصایص پسندیده و نیک شخصی آنها را در نظر گرفته شود نه ملاحظات عرص السود شخصی و جانبداری های محلی و غیره.

میخواهم عهد و ترسین معیار ها را در انتخاب کادر و پرسونل یاد آور شوم، اولتر از همه باید خصایل سیاسی کارکنان یعنی آگاهی و ایمان داری آید و لوی و زیاده پایداری در راه تحقق آرمان های انقلاب نور و سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نظر گرفته شود البته آگاهی و دیگر خصایص سیاسی مسوولین نه بر اساس گفتار آنها بلکه بر اساس اعمال شان منجمله فعالیت سیاسی آنها سنجیده میشود.

از سوی دیگر امر مسلمی است که تنها کسانی در اجرای کار و انجام وظایف محوله خود کاملاً موفق بوده میتوانند که دارای تجربه عملی و معلومات تخصصی کافی باشند، بنا بر این در انتخاب و تقریر پرسونل جدید تجربیه و معلومات

مسئله‌ی ، تخصصی و فنی آنها باید جدا مورد توجه قرار گیرد .

در شرایط کنونی بنا بر قلت متخصصین بعضا اتفاق می افتد که این یا آن رفیق به وظیفه ای تقرر می یابد که در زمینه آن تجربه کافی ندارد و اکثرا در ضمن کار باید بیاموزند بناء چنین رفقا مکلف اند که معلومات لازم در زمینه و وظیفه جدید خود را هر چه زود تر فرا گرفته و بکار ببرند .

نا گفته نباید گذشت که در تشخیص و ترفیع پرسونل باید صداقت و خصایل نیک اخلاقی و انسانی در نظر گرفته شود و به اشخاص صادق ، متواضع با مسوولیت و اصولی که قدرت تشخیص در سبب نیازمندی های مردم را دارا هستند باید حق اولیت داده شود ، تمام ما موربین دولتی باید بر رسوم ، عنعنات و عقاید مذهبی زحمتکشان و تمام مردم کشور احترام داشته باشند .

مایقین کامل داریم که کادرها و پرسونل رهبری که در سازمان های حزب، دوایر و موسسات دولتی ، ذرا عتی

صنعتی ، علمی ، فرهنگی تعلیمی ، اجتماعی و نظامی کار مینمایند با افتخار تمام از عهد و وظایفی که حزب ودولت به آنها سپرده است برخوردار خواهند آمد .

ضمن تجلیل از دو میهن سالگرد پیروزی انقلاب ثور با اطمینان کامل گفته میتوانیم که تمام تغییرات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی که درین دو سال اخیر در کشور به وقوع پیوسته است و همچنین پیروزی خود انقلاب ثور مرهون نقش و فعالیت رهبری و سازماندهی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشد حزب ما به مثابه حزب طراز نوین به مثابه حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما از روزهای اول موجودیت خود لزوم دگرگونی بنیادی سیستم سیاسی جامعه و ضرورت تامین خواسته ها و آرمان های ملی و دموکراتیک عمومیت توده های مردم را با در نظر داشت کامل رسوم و عنعنات آنها در مراعات خود اعلام داشته است .

همچنین حزب ما اعلام نموده بود که هدف نهایی آن عبارت از اعمار جامعه نوین

مبتنی بر عدالت اجتماعی و عاری از استثمار فرد از فرد میباشد .

حزب ما با اتکاء به پشتیبانی مردم ، علی الرغم اشتباهات تیکه ر خداداد ، توانست افتخار در هم شکستن تمام دسایس و توطئه های دشمنان داخلی و خارجی را کمایی نمود و بانجاست انقلاب ثور آنرا در مسیر اصولی آن قرار بدهد .

این پیروزی ها نشان دادند که حزب ما بر خوردار از پختگی و پایداری لازم سیاسی میباشد وقادر است با اتکاء به نیروهای سالم خود بر تمام مشکلات و حتی ناکامی های موقتی فایز آید .

حزب ما علی الرغم انشعاب در صفوف آن که سخت متضرر گردیده بودند نه با بر جاباقی ماند ، بلکه آبدیده تر نیز گردید .

اکنون درین مرحله نوین انقلاب ثور تمام شرایط لازم جهت تحکیم کامل وحدت سازمانی ، سیاسی و ایدئولوژیک حزب ایجاد روحیه حسن اعتماد و اصولیت انقلابی در آن و همبستگی تمام اعضای آن به دور کمیته

مرکزی ایجاد گردیده است. ملاک واقعی و حدت و قدرت حزب صرف گفتار و اعلامیه نمیباشد بلکه اشتراک در فعالیت عملی بخاطر اهدا فوآرمان های حزب و موافقت های ناشی از آن میباشد.

چندی قبل پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اساسنامه تعدیل شده حزب را تصویب نمود و یک سلسله تصامیم مهم دیگر نیز اتخاذ نمود که اجرای موثر و موافقانه این تصامیم توسط همه سازمان های حزبی و هر یک از اعضای حزب اهمیت به سزایی را در امر تحکیم و حدت اصولی حزب خواهد داشت.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به فعالیت های تبلیغاتی و سیاسی وسیع در بین توده های مردم همواره اهمیت به خصوصی را قایل بوده و معتقد است که این فعالیت ها باید همیشه مطابق با شرایط و وظایف مبهم روز و با در نظر داشت سطح آگاهی توده های مردم انجام گیرد، هدف عمده از این فعالیت های تبلیغاتی در بین توده های مردم عبارتست از تنویر سیاسی

و بسیج آنها در جهت فعالیت های اجتماعی، تصاویر سیاسی و اخیر بیرونی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب ما حاوی رهنمودهای ارزشمندی در زمینه تنظیم و توسعه امور تبلیغاتی و سیاسی حزب میباشد، هر یک از اعضای حزب موظفند که ماهیت مترقی سیاسی حزب و تصامیم و اقدامات کمیته مرکزی آن و شوروی انقلابی را به فرد فرد از اعضای جامعه ما توضیح بدهند بخاطر این منظور باید هم از تبلیغات شفاهی و هم از تمام امکانات نشراتی از قبیل روزنامه ها، تلویزیون، رادیو و غیره استفاده وسیع و همه جانبه بعمل آید، اکنون بعد از گذشت دو سال از پیروزی انقلاب ثور ما با رضائیت کامل خاطر گفته میتوانیم که حزب ما از عهده آزمائش تاریخی خود پیروز ماندانه بدرآمده و به مبارزه خود در راه تأمین خوشبختی و سعادت خلق نجیب و زحمت کش افغانستان موفقانه ادامه میدهد.

هموطنان گرامی!

تصویب اصول اساسی جمهوری دموکراتیک

افغانستان توسط شوروی انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان یکی از موافقت های عظیم مرحله دوم انقلاب ثور میباشد، در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان پایه ها و اصول سیاسی اجتماعی، اقتصادی نظم اجتماعی، ساختمان دستگاه دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان و حقوق اساسی و آزادی های دموکراتیک اتباع افغانستان انعکاس یافته است.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان با در نظر داشت مندرجات و آرمان های مترقی و دموکراتیک مرامنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سیاست و فعالیت عملی حزب و مطابق به خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و ملی افغانستان ترتیب و تدوین گردیده است.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن تعریف ماهیت اجتماعی دولت ما اعلام میدارد که جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت مستقل و دموکراتیک تمام مردم زحمتکش مسلمان افغانستان اعم از کارگران

دهقانان، کسبه کاران، کوچیان، روشنفکران و سایر زحمتکشان، تمام نیروهای دموکراتیک و وطنپرست و تمام ملیت‌ها و اقوام کشور است، به عبارت دیگر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در راه تأمین خوشبختی، سعادت و آرامی مردم، مصوونیت، شرف و ملکیت همه افراد جامعه در راه رشد همه جانبه انسان، دفاع از حقوق عنعنات و رسوم پسندیده مردم خدمت میکند.

در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش رهبری کننده حزب دموکراتیک خلق افغانستان بجهت حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور تأیید و اساسات حقوقی جبهه وسیع ملی بدروطن که حزب دموکراتیک خلق افغانستان شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در صدد تشکیل آیند معین میگردد.

در اصول اساسی گفته میشود که در جمهوری دموکراتیک افغانستان اشکال مختلف ملکیت اعم از مالکیت دولتی (دارایی عامه) کوپراتیفی،

خصوصی و شخصی وجود دارد که دولت از آنها حمایت میکند، همچنین خاطر نشان میگردد که در جمهوری دموکراتیک افغانستان حق ملکیت دهقانان و دیگر مالکین بر زمین از طرف دولت احترام و تضمین میگردد و دولت در جهت انکشاف همه جانبه زراعت کشور مساعدت های لازم را فراهم خواهد ساخت، به همین منوال تصریح گردیده است که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از کسبه کاران حمایت نموده و شرایط لازم را جهت تأمین اتحاد داوطلبانه آنها در اتحادیه ها و کواپراتیف های تولیدی فراهم خواهد ساخت، تجارت و سرمایه داران ملی از پشتیبانی و مساعدت دولت بشمول حمایت از آنها در برابر رقابت انحصارات امپریالیستی برخوردار خواهند بود.

اعلام میگردد که در جمهوری دموکراتیک افغانستان در پرتو آرمانها و وظایف انقلاب ثور سیاست تساوی و همکاری برادرانه بین خلقها و اقوام ساکن افغانستان و انکشاف همه جانبه آنها عملی میشود و حقوق و ارزشهای ملی و فرهنگی

آنها حفظ و تضمین میگردد، همچنان در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان آزادیهای دموکراتیک و حقوق وسیع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اتباع افغانستان تضمین و تمام اتباع افغانستان بدون هیچگونه تبعیض نژادی، ملی، قومی، لسانی، مذهبی، اجتماعی و غیره دارای حقوق مساوی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میباشد.

در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف عمده اتباع افغانستان از قبیل احترام به قوانین موجود و حقوق و منافع قانونی دولت و افراد زحمتکش خدمت صادقانه در راه شگوفائی وطن، دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب ثور، انجام خدمت مقدس عسکری و غیره نیز تصریح گردیده است.

بدین ترتیب به حقوق میتوان گفت که تدوین اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گام بزرگی را در راه تدوین قانون اساسی واقعاً دموکراتیک و مترقی کشور ما تشکیل میدهد، منبعث تا تدوین و تصویب

قانون اساسی که شرایط مساعد لازمه را ایجاد میکند فعالیت های تمام مؤسسات دولتی، وضع قوانین جدید و دیگر فعالیت های دولتی و حقوقی باید مطابق پرنسپ های اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت بگیرد.

هموطنان گرامی !

تحقق آرمانهای و لای انقلاب ثور مستلزم اتحاد، همبستگی و همکاری متمرکز و دایمی تمام نیروهای مترقی و وطنپرست کشور است، بهترین شکل این اتحاد تشکیل جبهه وسیع ملی پدروطن است که از خواسته ها و منافع حیاتی توده های هر چه وسیعتر وطن ما نمایندگی میکند و اساس سیاسی آنرا اتحاد و یگانگی واقعی طبقه کارگر، دهقانان و روشنفکران مترقی تشکیل میدهد.

جبهه ملی پدروطن عبارت است از ائتلاف سازمانهای مختلف سیاسی، اجتماعی، صنفی، کلتوری و غیره که نماینده و ممثل منافع عام و خاص کارگران، دهقانان، علماء،

کوچیان، روشنفکران، نظامیان، کسبه کاران، تجار و سرمایه داران ملی، جوانان و زنان تمام ملیت ها و اقوام افغانستان میباشند.

هسته سیاسی و رهبری سیاسی جبهه ملی پدر و وطن را حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان وطن ما این مدافع واقعی و خودشبهتی و آزادی خلقهای افغانستان تشکیل میدهد.

هموطنان شرافتمند :

رشد افغانستان کنونی و تبدیل آن به دولت شگوفان عصری اعمار جامعه مبتنی بر آزادی و عدالت واقعی اجتماعی حقیقتاً یک وظیفه بزرگ تاریخی است، به انجام رسانیدن کامل این وظیفه عظیم تنها مربوط به پیروزی مرحله ملی و دموکراتیک انقلاب

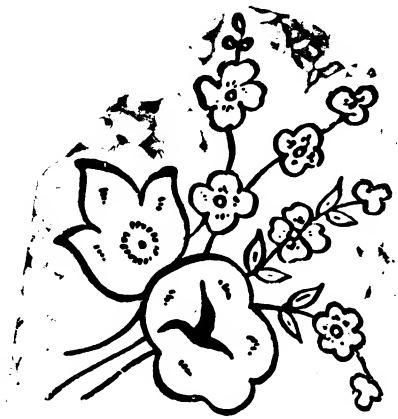
نیست، اما پیروزی این مرحله اساسات لازم را برای انجام این وظیفه تاریخی مهیا میسازد، خصوصیت وطن پرستان و انقلابیون واقعی درین است که هر قدر وظایف آنها عظیمتر و مسؤولیت شان سنگین تر باشد به همان

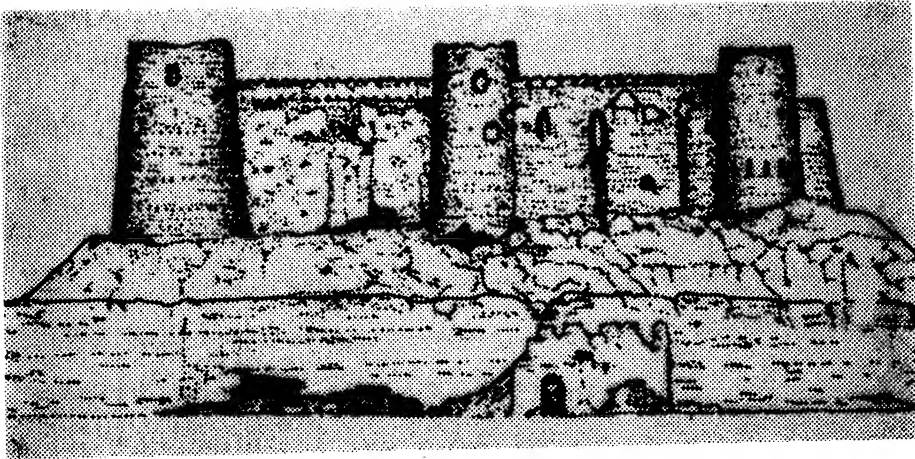
اندازه با خودشبهینی انقلابی و شور و شغف بیشتر در راه اجرای وظایف خود مبارزه میکنند و دشواری ها آنرا مغلوب نمیسازد، ما نیز با خودشبهینی انقلابی از روی مشکلات و دشواری های بیشمار امروز، فردای تابناک و درخشان کشور خود را می بینیم. سوال درینجاست که خودشبهینی و اطمینان کامل به پیروزی نهایی در چه چیزی نهفته است.

خودشبهینی ما در درجه اول از اطمینان و ایمان کامل به شهادت و دلیری مردم و اراده آهنین آنها در مبارزه بخاطر ایجاد زندگی بهتر و شایسته قربانی های بیشمار آنان ناشی از اعتقاد به توانایی حزب ما و رهبری جمعی آن در حل علمی مسایل پیچیده جامعه است.

این توانایی حزب امکان حل همه مسایل و مشکلات موجوده را به نحو شایسته و بر اساس آرمان های دیرینه تمام وطن پرستان واقعی کشور ما مبتنی بر تساوی حقوق و عدالت اجتماعی تأمین مینماید و بالاخره کمک

<p>زنده باد حـزب دموکرا تیک خلق افغانستان نیروی الهام بخش و رهبری کننده انقلاب نور و مرحله دوم آن نیروی رهنما و رهبری کننده جامعه ما . زنده و شگوفان باد وطن محبوب ما افغانستان انقلابی و قهرمان .</p>	<p>بناء به پیش بنون هراس و خستگی . پیروز ، فرخنده و زنده باد انقلاب نور این نقطه چرخش تاریخی مردم افغانستان ، بسوی ایجا د جامعه نوین فاقد استثمار فرد از فرد .</p>	<p>های شرافتمندانه و بی شایبه دوستان واقعی افغانستان مترقی و اولتر از همه کمک های کشور بزرگ و نیرومند اتحاد شوروی و دیگر کشور های جامعه سوسیالیستی، منبع الهام بخش خوشبینی ما می باشد .</p>
--	--	---





هرات باستان

(حمل - جوزا) ۱۳۵۹

شماره دوم ، سال اول

حبیب رحیق

مدارس هرات

سخن از مدارس هرات است ، هرات این زادگاه پیر انصاری و در سگاه امام رازی و آرامگاه مولانا جامی هروی ، هرات در زمان زندگی این ابر مردان دانش و تصوف و عرفان جایگاه مدارس شکوهمند و حلقه های درس پیر و زمند بوده است که این مراکز دانش (مدرسه ها) برخی به تعلیم و تعلم دانشهای اسلامی مثل فقه و حدیث و صرف و نحو ، لغت و ادبیات همت می گماشتند و گروهی دیگر به آموزش منطق و فلسفه و طب و ریاضیات و فلکیات مصروف بودند. هرات در طی چهار قرن اول بعد از هجرت بداشتن عده زیادی از شخصیت های علمی

و دینی خود ممتاز بوده و پرواضح است که این گروه هم آیینی گرو و همی از شخصیت های علمی در زمانی واحد در یک محیط فرهنگی و بدون وجود مدارس و مراکز علمی ناممکن می باشد. با تحقیق و بررسی در این باره مشکل است که قدیمتر این مدارس را در هرات نام ببریم ولی با مراجعه به مآخذ و مراجع موجود مدارس را میتوان چنین دسته بندی نمود.

حوزه های درس اسلام و علوم دیگر که از چگونگی و کیفیت تشکیلات آنها اطلاع معتبری در دست نیست. مثل مجلس درس حضرت ابوالوئید احمد بن ابی الرجا عبدالله بن انوب آزادانی شاگرد امام احمد بن حنبل و امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری که در سال ۲۳۲ هجری در هرات وفات یافته و در قریه آزادان مدفون گشته است. (۱)

و مجلس اسلامی فیاضی ابو منصور محمد بن محمد بن عبدالله هروی که در سال ۳۱۶ هجری وفات یافته و شیخ الاسلام پیر هرات عبدالله انصاری در سن نه سالگی به مجلس درس او حضور می یافته و استماع حدیث و کتابت میکرد است.

و مجلس درس املا حافظ ابو الفضل محمد بن احمد بن محمد جارودی که در باره وی گفته اند: «هو اول سنن بهرات تخریج الفوائد و شرح الترجال و انتصیح» که این مرد دانش و عرفان در سال ۴۱۳ وفات یافته و پیر هرات خواجه عبدالله انصاری در رخ دسالی و حضر درس او را در یافته و استماع کتابت و حدیث میکرد است. (۲)

نویسنده کتاب آثار هرات، تاریخها و آثارها و رجالها از مدرسه بی نام میبرد که ابو عبیدنا سم بن سلام هروی نویسنده و ادیب معروف، معاصر داهریان و صاحب غریب المصنفی متوفی سال ۵۲۲ هجری در آن تحصیل دانش میکرد است.

در طی قرون اولیه مدارس موجود بود که دارای تشکیلاتی وسیع و معین بوده و از چگونگی تشکیلات آنها اطلاعاتی در دست هست مثلاً مدارس نظامیه، اخلاصیه، عائیه و... که میردازیم به تشریح تاریخچه مختصر آنها.

(۱) آثار هرات ج ۱ ص ۶۶

(۲) ایضاً ص ۶۷ و ۷۲

مدرسۀ نظامیه :

بنیانگذار مدارس نظامیه که با تشکیلات وسیع برای گسترش دانشهای دیند اول همان عصر فعالیت میکرد دند خواجه نظام الملک قوام الدین ابو علی حسن بن علی بن اسحاق بلوخی است که در جمعه پانزده ذیقعده سال ۸۰۰ هجری تولد یافته او وزیر آلپارسلان و ملکشاه سلجوقی است که در سال ۹۵۵ در بغداد مدرسۀ باشکوهی تاسیس و دایر نمود که این مدرسه بخاطر لقب نظام الملک مسمی بمدرسۀ نظامیه گردید و بهمین نام معروف گشت. (۳)

از خلاصه تحقیقات و تتبعات چنین بر می آید که پیش از مدرسۀ نظامیه مدارس سی و جو داشته که همانند مدرسۀ نظامیه دارای تشکیلات گسترده بی بوده است.

در جوامع الحکایات و اواسع الروایات عوفی آمده که: «ابو العباس فضل بن احمد اسفر اینی که تا سال ۱۰۰۰ هجری وزیر سلطان محمود غزنوی بود در بلخ مدرسه بی بنا کرد».

هنکامیکه سلطان محمود (متوفی بسال ۴۲۱ هجری) از فتح قنوج (۹۰۰ هجری) بازگشت

مسجد جامعی در غزنین بنا کرد و در جوار این مسجد مدرسه بی بنانها دوان راه نفایس کتب و غرایب تصانیف ائمه مشحون کرد و ائمه فقه و طلبه رو بدان نهادند و به تحصیل علم مشغول شدند و از اوقات مدرسه وجود رواتب و مواجب ایشان موظف می گشت (۴).

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده از وجود مدرسه بی در غزنین بعهد سلطان محمود خبر داده است. از شرح بالا چنین نتیجه گرفته میشود که شماره مدارس در قرن چهارم قابل توجه بوده و اینکه بعضی از محققان قدیم نظام الملک را بانی مدارس باچنان تشکیلات وسیع میدانند شاید متوجه وجود این مدارس نبوده اند.

مقارن با افتتاح مدرسۀ خواجه نظام الملک قوام الدین ابو علی حسن که بنام مدرسۀ نظامیه بغداد شهرت یافت مدارس بهمان شیوه و بهمان تشکیلات در بلخ، مرو، هرات، فوشنج

(۳) آثار هرات، ص ۹ و ۷۰.

(۴) ترجمه تاریخ یمنی، ص ۱۰۰.

نیشابور، اصفهان، بصره، آمل، طبرستان و موصل بنا گردید که همه آنها نظامیه گفته شد. (۵)
در هر یک از مدارس نظامیه علاوه بر مدرسان و طالبان متوالی و معیدان و خازنان
دارالکتاب و بواب و خادمان نیز مقرر بودند در مدرسه بغداد شش هزار طالب درس میخواندند
و برای هر مدرسه اوقاف جداگانه از قبیل گرمابه، سرایها و دکانها تعیین کرده و از عواید
آن آسایش طلاب و مدرسان فراهم می شد و در این مدارس علوم فقه و تفسیر و حدیث و
نحو و صرف و لغت و ادب تدریس می گشت. (۶)

نظام الملک بدو نظامیه بغداد و نیشابور بنده نکرد و در شهرهای دیگر مانند بصره و
اصفهان و بلخ و هرات مدارس هم به همین نام ساخت. در نظامیه بلخ رشیدالدین محمد بن
عبدالجلیل بلخی معروف بدواطو اشاعر و نویسنده بزنگ و مؤلف حدایق السحر و مداح
التسز و ارسلان و تکش از آخرین سلسله خوارزم شاهیان پیش از مغول که در سال ۷۳۵ ه
وفات یافته خدمت آدم بن اسدالهروی متوفی بسال ۵۳۶ ه ادیب و محدث بزنگ
تحصیل میکرد. (۷)

در دایرة المعارف اسلامی آمده است: «در موصل و هرات هم نظام الملک مدارس بنام
نظامیه ایجاد کرد (۸).

از مدرسه نظامیه هرات تا قرن نهم اطلاع داریم زیرا مولانا جامی هر وی عارف و شاعر
بزنگ این عصر تحصیلات اولیه در سمرقانی و معانی و بیان را در این مدرسه آموخت. (۹)
یکی از جمله مدرسان نظامیه هرات ابو بکر محمد بن علی بن حامد الشاشی دانشمند شافعی است

(۵) آثار هرات، . . . ج ۱ ص ۶۹

(۶) تاریخ ادبیات دکتور صفا ج ۲ ص ۲۳۷

(۷) معجم الادبا ج ۱ ص ۳۳ و ۳۴

(۸) دایرة المعارف اسلامی ج ۳ ص ۳۰۴

(۹) آثار هرات . . . بحواله طبقات الشافعیه یکی

که در غزنه میزیست و تصانیف بسیاری در آن دیار نوشت و بنا به خواهش خواجه نظام الملک به هرات آمد و تدریس نظامیه باو واگذار شد و سرانجام بسال ۵۹۸ هـ در هرات وفات یافت (۱۰) و دو دیگر امام محمد بن یحیی ملقب به محی الدین نیشابوری فقیه معروف که هنگام غلبه طایفه غز بر خراسان بعلت فتوایی که علیه آنان نوشته بود بدست آنها شهید گشت و خاقانی را در رثای او اشعاری در دنیا ک است. (۱۱)

و سه دیگر مولانا جنید بود که در قرن نهم نور الدین عبدالرحمان جامی هر وی تحصیلات ابتدایی خود را در نزد وی آموخت. (۱۲)

مدرسۀ نظامیه هرات در حاشیۀ شمال بازار عراق (در محلی که اکنون منازل نشیمن قرار دارد) واقع بود و در عصر تمیوریان بر اثر سقوط منار رفیع آن بنای مدرسۀ شکست یافت که امیر علی شیر نوایی به ترمیم آن همت گماشت و بقول مؤلف خلاصۀ الاخبار «به تجدید عمارتش پرداخت و دو نفر از علمای دانشور را به منصب تدریس آن سرافراز ساخت (۱۳) مدرسۀ غیاثیه :

بعد از واقعه حریتی که سبب ویرانی مسجد جامع هرات گردید در حدود سال ۵۹۷ هـ بنای جدید مسجد جامع هرات بدست سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری آغاز گشت و مدرسۀ بی برای و عطا و تدریس امام فخر رازی هر وی در جوار مسجد ساخته شد. (۱۴)

عده کثیری از محضر درس امام رازی هر وی در این مدرسۀ فیض میبردند و استفاده می نمودند بقول جرجی زیدان: «هر موقع که امام المتکلمین فخر الدین ابو عبد الله محمد بن حسین رازی سوار می شد سیصد شاگرد پای کتاب او راه می افتادند. (۱۵)

(۱۰) شمارۀ اول سال چهارم مجله مقاله بی قلم دو کتور صفا

(۱۱) هدیه الاجاب ص ۳۷ (۱۲) تکمله حواشی تفهعات الانس، ص ۳۵

(۱۳) خلاصۀ الاخبار، ص ۵

(۱۴) آثار هرات . . . ج ۱ ص ۶۶

(۱۵) تمدن اسلام ترجمه علی جواهر کلام ص ۶۹

در مجلس و عطا امام فخر رازی سه هزار کس اشتراک می نمودند و این عدد سه صد ده
 هزار کتاب امام فخر رازی هر وی بودند میرساند که شماره شاگردانش به مراتب زیاد تر
 بودند و هم بنقل از طبقات الاطباء ابن اصبیعه: « و قتیکه امام فخر رازی هر وی تدریس
 میکرد ده است شاگردان مخصوص او زین الدین کشی، قطب الدین مصری و شهاب الدین
 نیشابوری با او همراه بودند و اگر از دادن جواب بمشکلات شاگردانش عاجز می آمدند
 آنگاه خود فخر رازی هر وی به رفع مشکل آنها میپرداخت. (۱۶)

یکصد و اندی سال بعد از بنای این مدرسه در جوار مسجد جامع هرات که بنام مدرسه غیاثیه
 مسمی گردیده بود ملک غیاث الدین کُرت (۷۰۷ - ۷۲۹) ه به ترمیم و توسعه مسجد
 جامع هرات همت گماشت و مدرسه بی دیگر در جانب شمالی مسجد جامع بنا کرد که به پندار
 نویسنده کتاب شاید مدرسه اخیر در جوار مدرسه اولی بنا شده باشد. (۱۷)
 مدرسه میرزا:

بنیانگذار مدرسه میرزا سلطان حسین میرزا بایقرا بود و بخاطر همینست که این مدرسه
 یاد عصر زندگی خود سلطان حسین میرزا بایقرا و یا بعد از آن بنام مدرسه میرزا شهرت یافته است.
 شیخ بهاء الدین عاملی که زمانی در هرات زندگی میکرد دهو از طالبان مدرسه میرزا بود و در
 وصف مدرسه میرزا ایاتی دارد که آن ایات در مجده عباد داستهایش بنام کشکول ثبت است (۱۸).
 شادروان استاد فکری سلجوقی از قول مرحوم مفتی سراج الدین روایت نموده است که
 مدرسه سلطان حسین میرزا معظمترین بنایی داشته و وضع بنای آن تاحدی بمانند مدرسه
 مهدعلیا (گوهر شاد) است با این تفاوت که مدرسه میرزا از مدرسه گوهر شاد بزرگتر
 و دوصف شمالی و جنوبی آن از ایوان مقصوره مدرسه گوهر شاد کلا نر و بلند بالا
 تر بود در جانب مغرب رواقی بزرگ و در نهایت ارتفاع و در عقب رواق گنبدی بزرگ

(۱۶) زندگی امام فخر رازی هر وی ص ۱۵ بنقل از نهال قلوب

(۱۷) آثار هرات . . . ج ۱ ص ۶ بنقل از کشکول

(۱۸) خیابان ص ۲۰

ساختمه و قبر سلطان حسین و قیوری دیگر... در آن بقعه دیده می شد.

از جانب شرقی نیز رواقی عالی و متوسط بصحن مدرسه مشرف و از بن رواق مانند مدرسه گوهرشاد دری به کرباسی مدرسه باز بود و از کرباس دری به مشرق گشوده که درگاه مدرسه بود و در دیگر بشمال و جنوب بسوی دوشبستان بزرگ باز می شد که درگاه مدرسه بود و دیگر دید ما نزد مدرسه گوهرشاد در زمین و بسار رواق درگاه دوغرفه تهنانی در نهایت نفاست جلوه میکرد.

در دو پایه رواق درونی یعنی پایه های رواق درگاه و راهرو و دیگانه دو قطعه سنگ رخام بطول ذخیره دوگز قایم بدیوار نصب بود این دو قطعه سنگ مانند بلور شفاف و صیقلی بوده و روی آن بنقوش زیبا کنده کاری شده و بکاشیهای هفت رنگ بصورت خاتم پرکاری و بهار ترقص و نگین نشانی شده بود که پنداشتی قطعه ایست که ماهرترین هنران آن را مینا کاری و ترنم نمودند در وسط سنگ اولی به کاشی لاجوردی این مصرع بر کاری گشته بود:

در عهد شهنشاه سکندر او رنگ.

و در وسط قطعه دومی:

شده صاب و صفا میانه شیشه و سنگ

نهر انجیل از زیر صفا شمالی و از وسط مدرسه میگذشت و از زیر صفا جنوبی بیرون می رفت و چهار منار پرکار و رفیع که در چهار گوشه این مدرسه واقع بود از همه منارها بلند بالاتر بود. (۱۹)

در مدرسه و خانه هشت نفر از مشاهیر علمای دانشور به منصب تدریس مفتخر و سرافرازند و از آفاق همایون به وظایف گرامند محفوظ و بهره ورمیگردند. (۲۰)

از این بنای رفیع امروز تنها چهار منار در چهار زاویه آن باقی مانده است.

(۱۹) خلاصه الاخبار، ص ۱۷

(۲۰) خیابان ص ۲۲

مدرسه اخلاصیه :

در سال ۵۸۶۹ بهمت امیر علیشیر نوایی در جوار مدرسه گوهر شاد مدرسه میرزا بنیاد گذاشته شد و خانقاهی در کنار آن بپا گشت امیر علیشیر نوایی قبلاً مسجد و دار الخفاظ و دار الشفای در همان نزدیکی تعمیر کرده بود و موقوفاتی برای مصارف آینده ابنیه مذکور و ساکنان آنها تعیین کرده بود. وضع ساختمان مدرسه اخلاصیه چنان مدرسه گوهر شاد بود با این تفاوت که دروازه مدرسه میرعلیشیر بجانب جنوب باز می شد. (۲۱)

صاحب خلاصه الاخبار مینگارد که: «در دو بقعه شرقیه (اخلاصیه و خانقاه) هفت نفر از فضلاء واجب الاحترام و علمای اعلام به تحقیق مسائل دینی و تدقیق علوم تعنیه (یقینیه) مصروف بودند و طلبه آنجا به فراغ بال به مطالعه و استفاده قیام و اقدام می نمایند و از برکات این بقاع آنکه از زمان بنا الی یومنا هذا چندین هزار کس از اطراف عالم این جا آمده اند و باندک زمانی دانشمند شده و بوطن خویش مراجعت نمودند و بسیاری از طلبه این دو بقعه به منصب تدریس سرافراز گردیده اند. (۲۲)

از رساله و قفیه امیر علیشیر بر می آید که برای تدریس اصول فقه و حدیث دو تن از دانشمندان وظیفه داشتند که در حلقه درس هر یک یازده طالب علم حضور و پنج تن دانشمند دیگر به تحقیق و تألیف مشغول بودند. (۲۳)

مدرسه مخدوم :

این مدرسه به صفت صفا و لطافت هوا و موصوف و معروف بود (۲۴) و محل آن در حاشیه جنوبی بازار عراق مقابل مدرسه نظامیه هرات قرار داشت و بجای هروی تعلق می گرفت و هنوز هم بنام مدرسه مخدوم یاد میشود.

(۲۱) خلاصه الاخبار ص ۱۹

(۲۲) زر زر زر

(۲۳) زر زر ۲۱ (۲۴) متدبیه دیوان امیر علیشیر

مدرسه فصیحیه :

مدرسه فصیحیه از بناهای فصیح الدین محمد نظامی بود که او از جمله دانشمندان ریاضی و حکمت بوده است و امیر علیشیرا کثر بتداولات رادر شاگردی او فر گرفته و از وی به آق خوند تعبیر میکرده و تدریس مدارس اخلاصیه، غیاثیه و بدیعیه را به او و اگذار شده بود. (۲۵)

مدرسه بدیعیه :

بدیع الزمان پسر سلطان حسین بایقرا بنیادگذار مدرسه بدیعیه بود که این مدرسه رادر زمان حیات پدر ساخت و در هنگام تألیف خلاصه الاخبار امیر صدر الدین یونس وظیفه تدریس آن را بعهد داشت. (۲۶)

مدرسه امیر فیروز شاه :

امیر جلال فیروز شاه وزیر شاهرخ مدرسه و خانقاهی بانهایت تکلف ساخت که مدرسان آن دو نفر بودند و مدرسه اش بنام مدرسه امیر فیروز شاه مسمی گردید. (۲۷)

مدرسه شاهرخ :

شاهرخ در اوایل فرمانروایی اش مدرسه بی بنانهاد و در کنار آن خانقاهی ساخت و موقوفاتی بآنها تعیین نمود.

مدرسه شاهرخ در شمال شهر بنا شده بود و صحن وسیع و صفه و طاق رفیع باد و ستاره بلند منقش به طلا و لاجورد و کتابخانه مشتمل بر نفایس کتب معقول و منقول از خصوصیات آن بود و چهار تن از مجرب ترین دانشمندان عصر وظیفه تدریس را عهده دار بودند و به سرپرستی خانقاه پارسای مقبول شیخ الاسلام خواجه علاء الدین چشتی برگزیده شده بود و در سال ۸۶۷

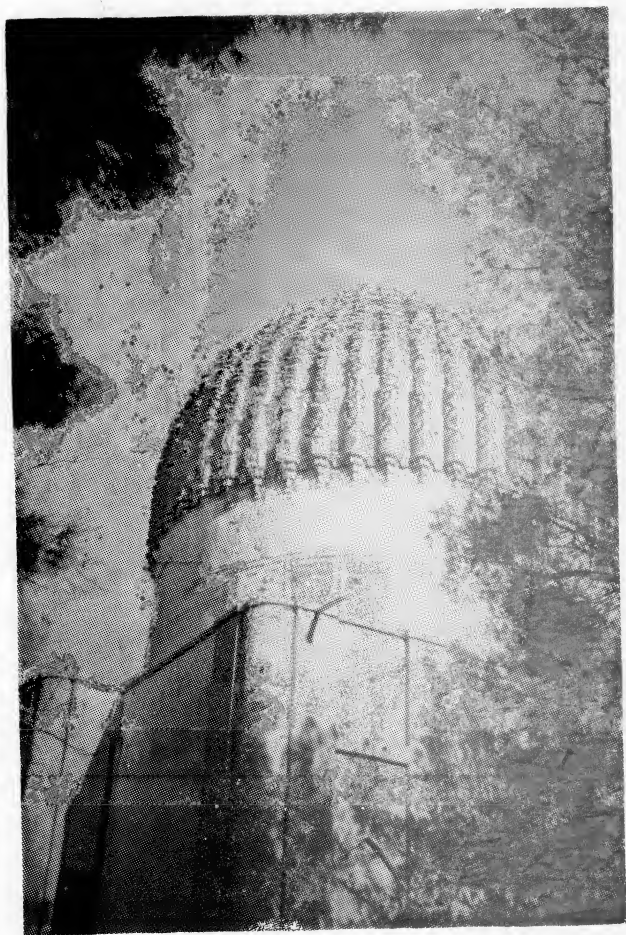
(۲۵) خلاصه الاخبار، ص ۱۹-۲۰

(۲۶) = = ۱۶

(۲۷) خلاصه الاخبار

دور نه‌ای چهار منار از بقایای مدرسه سلطان حسین بایقرا





گنبد مدرسه گوهر شاد با کلاه‌درویشی آن (گنبدسبز)

عبدالرزاق سمرقندی صاحب مطلع السعدین شیخ خانقاه بود. (۲۸)

مدرسۀ گوهرشاد :

قرار و ایات بوسی گوهر شاد بیگم دختر ملک غیاث الدین آخر بن شاه خاندان کرت است او همسر شاه رخ میرزا بود تاریخ تولدش معلوم نیست اما تاریخ شهادتش نهم رمضان ۱۲۸ هجری ثبت شده است.

گوهر شاد بیگم زنی فاضل، دانشمند و هنر پرور بود و در آن سلطنت شوهر دانش پرورش شاه رخ بتأسیس مدرسۀ باشکوهی در هرات پرداخت که بنام مدرسۀ گوهرشاد (مهدعلیا) مسمی گردید.

در قلموس جغرافیایی افغانستان آمده که گوهر شاد مدرسۀ بی بزرگ بنا نهاد و مدرسین عمده هرات را در آن جمع نمود و در توسعۀ علم و کثرت علمای آن خطه بهترین خدمات را انجام داد و ما هرترین معماران، حجاران، کاشی کاران و خطاطان و نقاشان را از نوادگی مختلف طلسمیده و از مال خود مبلغی را صرف این مدرسۀ نمود تا بنای مدرسۀ بکمال زیبایی انجام یافت.

مدرسۀ گوهرشاد و مقبرۀ آن تا زمان سلطنت حسین میرزا (۱۳۶۸-۱۵۰۵ م) نیز آباد و با رونق و شکوه مند بود.

خواند میر صاحب خلاصه الاخبار در بارۀ این مدرسۀ نوشته است: «به حلیۀ تکلف و زیور و زینت و وسعت و رفعت سزین و از اکثر بقاع این بلده جنت صفات ممتاز و مستثنی و در این اوقات چهار نفر از علمای پستندیده صفات در آن بقعۀ فایض البرکات بدروس و افاده قیام و اقدام می نمایند و از موقوفاتش به خط و افر محظوظ و بهره ور میگردند».

همچنین بابر در ۹۰۹ هجری مدرسۀ و مقبره را بحال رونق و شکوه خاص دیده و در کتاب خاطرات خود از آن یاد کرده است.

(۲۸) خلاصه الاخبار، بنقل از مطلع السعدین ص ۷۵-۷۶

کمرستی و یلسن در تاریخ صنایع ایران در باره این گنبد نوشته است: «مقبره گوهر شاد هنوز در هرات باقیست و آن بنائیسست مربع شکل که گنبدش سه مرتبه دارد اوئی برای تزئین فضایی زیر گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که بدنه آن مدور بوده و با کاشی های آبی رنگ پوشیده شده است این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت مناره بسیار بزرگ و بلند در نزدیکی آن قرار دارد دو تائی آن بمصلای معروف تعلق داشته که گوهر شاد آن را ساخته و چهار مناره دیگر به مقبره سلطان حسین بایقرا که بعداً ساخته شده تعلق دارد این گنبد دارای سه پوشش بوده و پوشش آن بدون راه بوده و از سوراخ سقف دوم گنبد سوم بنظر می آید قسمت زیادی ازین بنا و مدرسه سلطان حسین میرزا بامناره های آن تا شروع سالهای ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ آباد و معمور بود (۲۹)

کاشی کاری این مدرسه رنگین بوده و برسم الخط میرک هراتی نگاشته شده بود. یک قطعه سنگ سر مر قشنگی که تاریخ تعمیر مدرسه در آن ذکر رفته بخط ثلث جلی بقلم خطاط شهیر جعفر جلال هروی نگاشته شده که اکنون در موزیم هرات موجود است (۳۰)

در قاسوس جغر افیایی افغانستان آمده که معمار این مدرسه شریف و این بنای عالی استاد عمادالدین هروی بود که در سال ۸۴۲ وفات یافته و در هرات نزدیک مقبره سادات مدفون گشته است.

بدون این مدارس، مدارس دیگری در داخل و خارج شهر هرات دایر بود مانند مدرسه چهار منار که مولانا غیاث الدین طیب مدرس آن بود و مدرسه سلطان آغا و مدرسه کوکلتاش و مدرسه امیر غیاث بخشی و مدرسه سید غیاث الدین محمد ناغیان (۳۱)

(۲۹) گویای اعتمادی، آبدات نفیسه هرات.

(۳۰) قاسوس جغر افیایی افغانستان ، ج ۴ ، ص ۱۸۵

(۳۱) خلاصه الاخبار -

نگاهی به پسمنظر

تاریخی هرات

هرات که یکی از شهرهای پهناور، عظیم و آباد خراسان دوره اسلامی و آریانی کهن بشمار می رود در شمال غرب افغانستان واقع است. ارتفاع شهر هرات از سطح بحر به حدود (۲۷۰۰) فوت می رسد (۱) و در بین ۳۵ درجه ۳۰ دقیقه . ۴ ثانیه و ۵۵ درجه . ۵ دقیقه ۴۴ ثانیه طول البلد شرقی و ۱۵ درجه ۴۵ دقیقه ۳۱ ثانیه و ۳۸ درجه ۳ دقیقه ۳۴ ثانیه عرض البلد شمالی قرار دارد. (۲)

هرات دارای موقعیت تجاری مهمی است. چه نقطه اتصال با ممالک آسیایی بوده و توسط راه اسلام قلعه به ایران، از طریق راه چمن قندهار به هندو بوسیله راه مار و چاق (سرو کوچک) و گلران به اتحاد جماهیر شوروی وصل می شود و یک مرکز مهم تجارتی را میسازد. هرات از موقعیت جغرافیایی مطلوب و سرشوی نیز برخوردار است آب و هوایی معتدل و فراخشی دارد، بحدی که این موقعیت مطلوب و این حسن اعتدال اقلیم هرات، همواره در طول تاریخ، توجه آزمندانده اسرا و شاهان را بخود جلب کرده و از طرف مؤرخین و

-
- (۱) راهنمای هرات، محمد ابراهیم رجایی (هرات: مطبعه دولتی اسد ۱۳۴۷) ص ۱۰.
 - (۲) قاسوس جنر افغانی افغانستان، جلد چهارم، به اهتمام محمد حکیم ناهض (کابل: مطبعه دولتی، از نشرات انجمن آریانادایر المعارف، اسد ۱۳۳۹) ص ۱۷۲.

تذکره نویسان بابهترین عبارات و زیبا ترین تشبیهات تعریف و توصیف شده است.
در مورد چگونگی تاسیس و بنای شهر باستانی هرات، روایاتی فراوان است و مؤرخین و تذکره نویسان گفته ها و عقایدی گوناگون و در عین حال ناهمگون ابراز نموده اند.
از جمله، سیف بن محمد بن یعقوب هروی (متولد ۹۷۱ هـ) در «تاریخنامه هرات» هشت فسانه در باب تاسیس و بنای شهر هرات ذکر نموده است که البته نمیتوان به حیث روایات موثق و درست تاریخی روی آن حساب کرد.

به موجب این افسانه ها، بعضی تاریخ بنای هرات را به زمان طهمورث بن هوشنگ بن فرسب بن کیوسرت مربوط میداند و عده بی چنین عقیده دارند که هرات توسط (هری) دختر ضحاک ساخته شده است و برخی هم ابراز میدارند که اصلاً اسکندر مقدونی زمانیکه به افغانستان آمده هرات را بنا کرده است.

و اما روایات و نظریاتی هم هست که بیشتر شکل تاریخی دارد تا افسانوی، مثلاً: ر یعنی فوشنجهی در «کرتنامه» که اثر مشهور حماسی اوست، ذکر میکند که گوشه بی از از شهر هرات یعنی فوشنجه را اردشیر بابکان بنا نمود و آراسته گردانیده است.

صاحبان «حبيب السیر» و «روضات الجنات» و «روضۃ الصفا» از این گفته ر یعنی فوشنجهی چنین نتیجه میگیرند که گویا هرات را اردشیر بابکان ساخته است، در حالیکه اسناد و روایاتی نیز هست که تاریخ بنای هرات را پیشتر از ساسانیان نشان میدهد و حتی موجودیت و آبادی هرات را در زمان زردشت نیز ثابت می نماید، چنانچه در فقره (۱۱) در بخش و ندیداد از کتاب اوستا، در وصف هرات چنین خوانده میشود: «من که اهورامزدا هستم در بهترین جای ها و شهرهای که آفریده ام او راوی (هری - هرات) را از سبزه است (۳) بهمین ترتیب در کتاب اوستا در فرگردنهم، در باره هرات چنین ذکر شده است:

(۳) اوستا بخش و ندیداد، چاپ حیدرآباد دکن ص ۱۱، نقل از مقدمه روضات الجنات بقلم

سید محمد کاظم امام، ص ۱۰.

«سن که اهوراسن داهستم در بهترین مکانها و شهرهایی که آفریده ام ششم هرات دارای بسیار رو دخانه است.» (م)

پس، معلوم است که هرات در زمان تدوین اوستانیز معمور و آباد بوده، و شاید در شیر بابکان ضمن اعمار فوشنج - که گوشه یی از هرات است - ویرانی های این شهر را نیز آباد و ترمیم نموده باشد. بنیدبرین، در کتیبه های داریوش هخامنشی نیز نام هرات آمده است که اینها همه مؤید سابقه و آبادی هرات در زمانه های قبل از اسلام میتواند باشد. از سویی، در دوره های بعد از اسلام نیز هرات از طرف بزگان، سؤرخان و جغرافیه نگاران زیادی توصیف و تعریف شده است.

در اینجا از آنهمه تعریف ها و توصیف ها، چند قولی را نقل میکنیم.
مقدمه نوی مؤلف کتاب «احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم» تالیف ۳۷۵ هـ چنین مینگار د:
«هرات بوستان خراسان است. عمارات آن بهم پیوسته است. سردمش زیرک و شوخ و شنگ و دارای ذوق ادبی می باشد، از هرات انواع شیرینی و پارچه های اعلایه کشور های مختلفه دیگر فرستاده میشود.» (ه)

در سال ۴۰۷ هـ که باقوت حموی در هرات بوده، وضع هرات را چنین دیده است:
«هرات شهر بز رگی است از امهات بلاد خراسان، سن در سال ۴۰۷ هـ که در خراسان بودم در آنجا هیچ شهری سهمتر، بز رگتر، زیباتر، پاکیزه تر و پر جمعیت تر از هرات در خراسان ندیدم، باغها و آبهای جاری بسیار و نعمت فراوان دارد، شهر هرات سملو از علما و دانشمندان و توانگران است» (و)

م - اوستا: بخش و ندیداد، ص. ۱، نقل از همان مقدمه.

(ه) احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم، شمس الدین ابی عبدالله احمد بن ابی بکر الشافعی المقدسی چلیدن، ص ۳۰۷ و ۲۹۸، نقل از قول سید محمد کاظم اسام در مقدمه کتاب رو ضات الجنات، ص ۶-۷.

(و) معجم البلدان، باقوت حموی، جلد ۵، ص ۶۵۸-۶۵۹ لیمپریک، نقل از قول سید محمد کاظم امام در مقدمه همان کتاب، ص ۸-۹

حمدالله مستوفی در کتاب «نزهة القلوب» در حدود سال ۷۳۰ زیر عنوان «ذکر خراسان» می نویسد: «هرات از اقلیم چهارم است. طولش از جزایر خالدات «صدک» ۱۱۴ و عرض از خط استوا «لدک» ۳۵ هرات نام امیری از توابع جهان پهلوان نریمان ساخت (?) اینکندروسی بعد از خرابی تجدید عمارتش کرد. دور باروش نه هزار گام است و هوایی در غایت نیکویی و درستی دارد و پیوسته در تابستان شمال و زرد و در خوشی آن گفته اند (لوجمع تراب الاصفهان و شمال هرات و بالخروارزم فی بقعه قل الناس یموت فیها ابدًا) ... و آبشار نهر چه هریرود است باغستانش بسیارست و همجده پاره دیده است متصل آن شهر. از میوه هایش انگور، بخری و خربزه نیکوست و مردم آنجا سلاح و رزو جنگی و عیار پیشه باشند ... و در آنجا قلعه محکم است، آنرا شمیرم (?) خوانند و برده فرستگي هرات بر کوه آتشفشان بوده است آنرا ارشک گفته اند و این زمان قلعه امکنجه میگویند و بین آتشفشان شهر کنیه نصاری بوده است. و از سزار کبار اولیا و علمای ربی شیخ عبدالله انصاری معروف به پیر هری و خواجه محمد ابوالولید امام فخرالدین رازی است و در حق خوشی هرات گفته اند :

گر کسی پرسد ترا کز شهرها خوشتر کدام

ار جواب راست خواهی گفتن اورا گو، هری

این جهان راهمچو دریادان خراسان راصدی

در بیان این صدف شهر هری چون گوهر، (۷)

هرات کهن از حیث وسعت و آبادی خود نیز با هرات امروزی فرق دارد.

بطوریکه در چند قرن پیشتر از بزرگترین شهرهای خراسان بشمار می رفت.

حمدالله مستوفی در «نزهة القلوب» در مورد بزرگی، آبادی و مدنیت هرات عهد سلجوقیان چنین نگاشته است :

(۷) نزهة القلوب، حمدالله مستوفی تصحیح محمد دبیرسیاقی (تهران: ۱۳۳۶)

«در حین حکومت سلکان غور دوازده هزار دوکان آبادان بوده و شش هزار حمام و کاروانسرا و طاحونه و میصد و پنجاه و نه مدرسه و خانقاه و آتش خانه داشته و چارصد و چهل و چهار هزار خانه مردم نشین بوده است.» (۸)

لیکن بقول رفوفرنمای هرات، تألیف سال (۱۳۴۷) شهر هرات امروز دارای (۳۸۳۷) دکان (۲۱) حمام، (۹۰) کاروانسرا، (۱۷۵) مسجد، (۶۵۷۸) در بند و ویلی مسکونی و (۱۷) تیمچه میباشد. از مقایسه این ارقام با ارقام کتاب «نزهت القلوب» بزرگی هرات کهن نسبت به هرات امروز بخوبی نمودار میشود.

البته از بین رفتن این همه آبادی و مدنیت در درازنای چند قرن، از خود عللی دارد و علل سیکانیکی آن همانا حمله‌ها، تخریب‌ها، غارت‌ها، و قتل‌عام‌هایی است که توسط بیگانگان و شاهان ستمگر غارتگر درین پر شکوه شهر باستانی صورت گرفته است.

در پهلوی این علل سیکانیکی علل اقتصادی نیز نقش دارد و آن از بین رفتن راه‌های تجارتی هرات است که به این شهر موقعیت تجارتی خوبی بخشیده و اقتصاد آنرا غنی ساخته بود. از آغاز فتوحات اسلام تا امروز در عین حال که این شهر باستانی به تحولات و تغییرات فراوانی روبرو شده، چندین بار نیز با مدنیت پر شکوهش جولانگاه سم ستوران اعراب مهاجم کشتار گاه مغولان غارتگر و تخریبگاه سپاهیان تیمورو ازبیک گردیده است. حمله‌ها و غارت‌های اعراب در سالیان خلافت، بر خراسان آغاز میابد که در همین سال در نتیجه این حملات هرات با سر و و نیستا و ویرانست اعراب تسخیر میگردد.

پیاپی مدت تسلط اعراب بر هرات خرابی‌ها و ویرانی‌هایی بی‌شمار بود که در نتیجه بر پیکر فرهنگ غنی و دست نخورده این سرزمین نیز صدماتی فراوان رسید. در قرن هفتم هجری آنگاه که سرزمین هرات از نظر تمدن، فرهنگ، آبادی و زیبای خود چون فروزانده اختری در آسمان شهرهای خراسان میدرخشید به حملات و غارتگری‌های وحشیانه مغول مبتلا گشت.

در سال ۵۶۱۸ «۱۲۲۱ م» بود که تولی پسر کوچک چنگیز در جریان حملاتش به شهرهای مختلف خراسان، به هرات حمله کرد، به قول مؤلف تاریخنامه هرات درینوقت به تعداد (۱۹۰) هزار نفر از مردم دلیر و آزاده این سرزوبوم سردخیز، به چنان مقابله و دفاعی پرداختند که تا آن زمان مغولها در هیچ شهری به چنین شجاعتی برخورد نکرده بودند. در روز اول جنگ سی هزار نفر از طرفین کشته بر جای ماند. و از بزرگان لشکر شهزاده تولی (۱۷۰۰) نامدار مقتول گشت (۹) بعد از آنکه مدت هفت شبانه روز بدین نهج جنگ دوام کرد، در روز هشتم بنا بر افزایش قوا و لشکر مغول، بگفته عده ایی از مورخین، برخی از هراتیان به فکر تسلیم شدن افتادند و بعضی هم مصمم به ادامه جنگ بودند تا اینکه تولی با حمله های که بکاربرد مردم هرات را به صلح و تسلیم واداشت. مگر برخلاف وعده ها و سوگند هایش، فرمان قتل عام مردم را صادر نمود.

و اما آفت عظیمتر مغولها بر هرات، حمله و غارت و تخریب دومی شان بود درین نوبت که سران سپاه مغول از شجاعت، دلیری و قیام مردانه هراتیان برای بار دوم به خشم آمده بودند، در هرات به چنان تخریبات و قتل عامی پرداختند که به قول صاحب تاریخنامه هرات هیچ آبادی در هرات باقی نماند و از تمام خلق آن فقط (۱۶) نفر جان به سلامت بردند که در رأس شان مولانا شرف الدین خطیب جغتو بود. این ۱۶ نفر در قلعه کوهی صعب العبور مخفی شده بودند که بعد از رفتن مغولها از هرات به شهر آمده و در جوار درب خوش، در حمام شرفالزمان مسکن گزیدند. بالاخره با پیوست چند تنی دیگر به آنها، تعداد شان به (۳۰) نفر رسید و آنگاه گنبد سلطان غیاث الحق و الدین رادر مسجد جامع مسکن خود ساختند و با ماجر اها و سختی هائی زیاده تهیه خوراک پرداختند.

سرانجام پس از آنکه مدت پانزده سال، هرات معمور و آبادان به شکل ویرانهائی جغد نشین بود، در زمان قان پسر دوم چنگیز که برخلاف دیگر برادرانش به مسلمانان و خراسان زیبا نظری خصمانه نداشت مردم زحمتکش هرات فرصت اعمار و ترمیم شهر هرات را بدست آوردند.

مستاسفانه این تخریب و تعمیر مجدد هرات آخرین بار نیست. چه با نگاهی بر پسمنظر تار یخی هرات خواهیم دید که این شهر با شکوه و زیبا، چند بار دیگر نیز به چنین واقعات و سانهاتی جانگزا درچار میگردد و پر شکوه داشته هائی زیاد از دست میدهد که تاریخ همتای شان را در جای ندیده است.

مثلاً حملات تیمور گورگان بر هرات، در قرن هشتم هـ یکی از آن واقعاتی است که بر پیکر مدنیت، فرهنگ، ادبیات و اقتصاد این سرزمین صدماتی فراموش ناشدنی وارد کرده است؛ بگونه‌یی که در مدت نیم قرن خونریزی و کشمکش که به خاطر حملات تیمور دامنگیر این سرزمین گشته بود، هرات بخشی عظیم از ثروت معنوی خود را از دست داد و هزارها تعمیر و بنا و مدرسه و کتابخانه شکوهمندش در زیر سم ستوران سپاه تیمور با خاک و خون یکسان گشت. اما باز هم به همانگونه‌یی که بحر بی‌پایان فرهنگ هرات، اعراب جاهل را در زمان فتوحات اسلامی و اقوام مغول را در هنگام حمله چنگیز چون قطره‌یی در خود حل نمود و مردم هرات، آداب و اخلاق صحرائی و وحشیانه‌اندو قوم مهاجم و مسلط را با رسم و رواجها و اعتقادات عصری و علمی خود کاملاً متأثر و حتی نابود کردند؛ اینبار نیز بادر خشننگی فرهنگ اصیل و عالی خود چشم او را در تیمور را خیره کردند و این قوم را به شکوه دانش و فرهنگ خود آشنا ساختند.

با آراسی اوضاع و ختم لشکرکشی‌های او لاد تیمور سر دمان با فرهنگ، ادب پرور و هنرجوی هرات به همان مشاغل و کارهای فرهنگی، ادبی و هنری خود در روی آوردند و در مدتی کوتاهی با خلق آثار ادبی و هنری خود و با تعمیر و تاسیس مدارس، خانقاه‌ها و کتابخانه‌ها افتخارات از دست رفته سرزمینشان را احیا و تجدید نمودند و هرات با شکوه را بهارستان ادبیات، نگارستان هنر و بوستان دانش و فرهنگ ساختند.

باید یادآور شد که این جبران و ترمیم صدمات و خسارات و این بازسازی فرهنگ و ادب و هنر، بعد از آنهمه صدمات و خسارات معنوی و مادی در تاریخ پرماجرای هرات بی‌سابقه نمی‌باشد و در دوره بعد از خرابیهای مغول نیز دیده شده است، یعنی با وجود آنکه حملات

و غارت‌های چنگیز مغول به خراسان، هزارها کتابخانه و مدرسه علمی و خانقاه و اباسلیونها کتاب و رساله از بین برد و صدها نویسنده و هنرمند و عالم را بجا کشت و خون کشاند. باغنا، عظمت و دانسته گسترده فرهنگ و ادب و هنر هرات بعدی بود که بعد از گذشت چند قرن از حمله چنگیز باز هم هرات از حیث آبادی و زیبایی خود دیر و سی شهرهای خراسان و از لحاظ فرهنگ و ادب و هنر پیرایه خود دیر کز فرهنگ خراسان بشمار میرفت.

امادو ره تیموریها از نظر انکشاف فرهنگ، دانش، ادب و هنر خود از پیشرفته ترین ادوار تاریخ خراسان محسوب میشد، که دوره مغول نمیتوانست به پایه آن برسد اینبار هرات بجهت مرکز علمی، فرهنگی، هنری و ادبی مشرق زمین تعیین شده بود، بگوئیم که جویندگان دانش و آموختگان هنر، از گوشه و کنار جهان به این مرکز تمدن روی می آوردند و باشمول به حلقه ها و حوزه های علمی و هنری به کسب دانش و هنرمندی پرداختند.

بزرگترین دانشمندان، نویسندگان، خطاطان، نقاشان، مذهبیان، صنعتگران، تاریخ نویسان و موسیقیدانهای جهان را در روزگار تیموریها در هرات میتوان یافت که بااستناد از عظیمترین کتابخانه ها و منابع علمی دنیا، در هرات به خلق آثار علمی، ادبی و هنری مصروف بودند و صدها خوشنویس، مذهب و جلد ساز در کتابخانه های این شهر به کار استنساخ، نذهیب و تجلید کتب اشتغال داشته اند.

دارالسلطنه هرات در روزگار تیموری ها یکی از پرشکوه ترین مراکز فرهنگی، علمی، ادبی و هنری آسیا نیز محسوب میشد و خسروانی تاجی بود بر فرق تمام شهرها و ممالک مشرق زمین. در بیان حوادث مهم تاریخ پر اوج و فروی هرات به اینها هم نیشود دبسنده کردو باید از سؤگنامه های تاریخ مدنیت قرن اخیر هرات بویژه از دوره سیاه حکمرانی شاهان اخیر نیز یاد آورد و خاطر نشان نمود که هرات باستان نیز درین دوره سیاه از ترک تا زنی غارتگرانه حکومت ستمگر و قتل، خساراتی فراوان دیده و بر اوراق تاریخ آن غنایمهای فراموش ناشدنی برجامانده است. در سال ۱۳۰۳ بود که بدستور استعمارگران بریتانوی مصلاهای هرات توسط امیر عبدالرحمان پادشاه افغانستان ناشیانه و ابلهانه به توپ بسته شدند

نکند روسیه تزاری به این پایگاه مستحکم فرهنگی دست یابد. پس از آنکه مرکز فرهنگی دوره تیموریان با این توپ بست خایانه و یران گشت از آن فقط ده منار خساره مند بر جای ماند که از آن جمله یکپایه منار مسجد جام گوهر شادوسه پایه منار دیگر باگذشت زمان و در اثر بی توجهی و بی مبالاتی حکومت آنوقت فرو غلطید و فعلاً شش منار بر پا است. سالهای سیاه سلطنت نادر و ظاهر همانطور یکده سالهای غارت ثروت های مادی و معنوی ما بود روزگار دشمنی بادست داشته های فرهنگی ما نیز به شمار می رود. تخریب چنگیز و ار قلعه اختیارالدین — هرات — در سال (۱۳۳۰) ه توسط جنرال حیات الدین جیره خوار خوان ظاهر شاه مثالی است از دشمنی های نظامی گذشته با میراث های فرهنگی مین ما و سوگنامه بی است بر اوراق تاریخ پرماجرای هرات.

سید عظیم رها

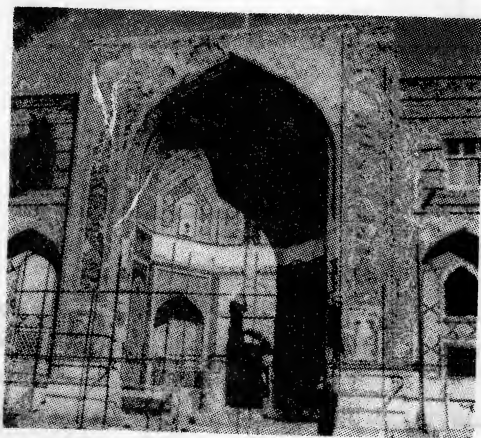
گازرگاه و آبادات تاریخی آن

گازرگاه قریه ایست مربوط بمرکز ولایت هرات که در دامنۀ کوههای شمال شهر «کوه زنجیرگاه هرات» بمفاصلۀ یک و نیم الی سه میلی واقع بوده و میان خطوط ۲۲-۳۴ و ۱۴-۶۲ موقعیت دارد. و ارتفاع آن از سطح بحر ۱۰۴۰ می باشد.

دربارۀ وجه تسمیۀ این دهکده روایاتی گوناگون است. گروهی این قریه را بخاطر اینکه مدفن پیر هرات خواجه عبدالله انصاری است گازرگاه می نامند و عقیده بر این دارند هر که بزیمارت آن جناب بزرگوار مشرف گردد گناهانش شستشو میشود پس بی مناسبت به لغت گازر نمیباشد.

و برخی را عقیده بر آنست که چون مردم از دور و نزدیک و از هر گوشه و کنار برای زیارت باین محل می آیند بنام گذرگاه معروف شده بوده است.

و عده پی را نظر بر آنست که این محل بنام (کارزارگاه) بوده و این بخادر آست که بر اساس قصه‌های اساطیری در هنگام ورود مسلمین باین سرزمین بر فراز تپه این کوه آتشکده بزرگی وجود داشته و در اطراف این آتشکده بین سپاه مسلمین و آتش پرستان نبردی سخت بوقوع پیوسته و این محل بنام کارزارگاه (میدان نبرد) مشهور شده است. و گروهی این قریه را بنام (غار عرفان) نامیده اند بسبب آنکه ظرفاً، علماً، هشیاران وزیر کان و عابدان وقت در این مکان گرد آمده بودند.



رواق ورودی زیارت پیر هرات (قبل از ترمیم)

این دهکده زمانی دارای آب فراوان و فاقد خانه‌های مسکونی بوده و بعد ها بخادر تربت پیر هرات مورد توجه و علاقه خاص و عام قرار گرفت. گویند پیر هرات قبل از وفات خود در دره مشهوری بنام دره نور (دره طشت) زندگی میکردند که بعد از وفات، آن حضرت چهار کت بدین منطقه آورده شده و دفن گردیدند.

سرقد مبارک پیر هرات به اسرو سعی شاهرخ میرزای تیموری اعمار و مدرسه بی نیز در کنار آن آباد گردید. و دوستان پیر هرات برای گزینش مسکن بدان منطقه مقبره کشف یافتند و دهکده مسکونی باشکوهی پر از اشجار، باغها و زمینهای زراعتی بمیان آمد که تقریباً تا مدت بیست سال پیش همان سرسبزی و طراوتش را دارا بود و آب آن از هر رود توسط جری سلطانیه نهیبه می شد. اما بعد آحقایه آن توسط فرقه (زلمی کوت) قطع شد بعدی که نه تنها گازرگاه بلکه تفریحگاه معروف (تخت صفر) نیز شادابی و سرسبزی خود را از دست داد و باغها و اشجار آن بخشکید. و ناچار ساکنان این دهکده بخاطر عدم آب کافی ترکه دیار کردند و راهی شهر شدند. فعلاً سرسبزی این منطقه توسط دو چشمه بی کم آب که از دامنه کوه زنجیرگاه سرچشمه دیگری تأمین میشود، و گذاره عدل کم باشندگان آن فقط از راه سنگ کتی در کوه و متوالی بودن در زیارت پیر هرات تأمین میگردد.

گذشته از آبدۀ محوطه زیارت که بشکل مدرسه بی بنا شده بود در عصر تیموریان آبدات نفیس دیگری نیز در حواشی آن پرتیب بنا شده است :

۱ : سرقد پیر هرات خواجه عبدالله انصاری هروی با مدرسه و ملحقات آن.

۲ : عمارت زیبای نمکدان.

۳ : خانه معروف زرنگار.

۴ : حوض مشهور زمزم.

در سمت غرب این دهکده مقبره پیر هرات و مدرسه بی با چهار ایوان رفیع موقعیت دارد که موی مبارک حضرت محمد در منزل بالای رواق ورودی قرار داشته و در دو جناح این رواق ورودی دو مسجد اعظم منقش کاری با محراب سنگی خیلی زیبایی وجود دارد که در داخل مدرسه و مساجد صد ها پارچه سنگ با نقوش متفاوت و زیبا وجود دارد. سنگ مشهور و زیبای هفت قلم در خانه بی در سمت شمال قرار دارد و ساختمان سمت شمال و جنوب ظاهراً یکمنزله بنظر میرسد اما اصلاً هر دو جناح دو منزله میباشد.

در گوشه جنوب غرب مقبره پیر هرات آبدۀ باشکوه دیگری بنام خانۀ زرنگار وجود دارد. سقف این آبدۀ با بهترین و زیباترین طرح های دورۀ تیموریان بارنگهای طلایی و لاجوردی ماهرانه نقاشی شده است و بعقیده بعضی از مؤرخین هنرنقاشی (ایتالیا) در آن مشاهده میگردد.

در گوشه شمال غرب این آبدۀ حوضیست بنام حوض زمزم که این بنائیز متعلق بهمان عصر بوده و در جناح شرق آن آبدۀ دیگریست بنام نمکدان. مزید بر آبدات متذکره آبدات جالب دیگری نیز در این دهکده وجود دارد که فعلاً وضع آنها اسفبار و رقت انگیز است مثل منازل مسکونی که مربوط به باشندگان آن دهکده بوده و اصلاً ساکنان آن به اثر نبودن آب ناچار ترک دیار کرده و منازل شان به انهدام و ویرانی مواجه شده است. مسجدی نیز بنام مسجد زیر زمینی که در عصر تیموریان ساخته شده در خارج از محوطه زیارت قرار دارد که در خورتوجه و محتاج ترمیم است.

آبدات دهکده مذکور در آغاز موقوفاتی فراوان از قبیل باغ و زمین داشته و حاصل این موقوفات برای حفظ و نگهداری و ترمیم آبدات بمصرف میرسیده است. تا حدود صد سال قبل این اصل سروج بود اما بعدها متأسفانه حاصل موقوفات بمصرف شخصی رسیده و موقوفات نیز شکل شخصی بخود گرفته است.

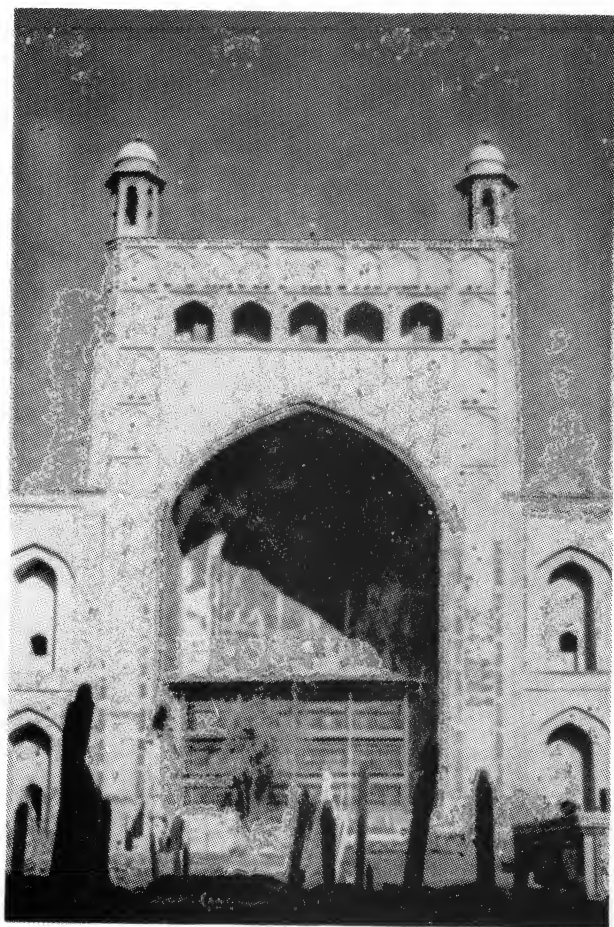
در سال ۱۳۳۹ شعبه یی بنام حفظ آبدات در بستان وزارت اطلاعات و کلتور بمظور ترمیم و حفظ آبدات تاریخی بوجود آمد. البته پیش از بوجود آمدن این شعبه، مردم خیرخواه از بول شخصی خود آبدات مذکور را تاحدی ترمیم نمودند.

اما در جریان این ترمیمات چون ماهیت اصلی آبدۀ حفظ نشده و ترمیمات خود سرانه و گاهی بدون رعایت اساسات فنی معماری صورت گرفته سبک ترمیم اکثر آبدات حالتی میان معماری نو و کهنه را بخود گرفته است که این خود صدمه یی است بر تکرر آبدات کهن هرات.

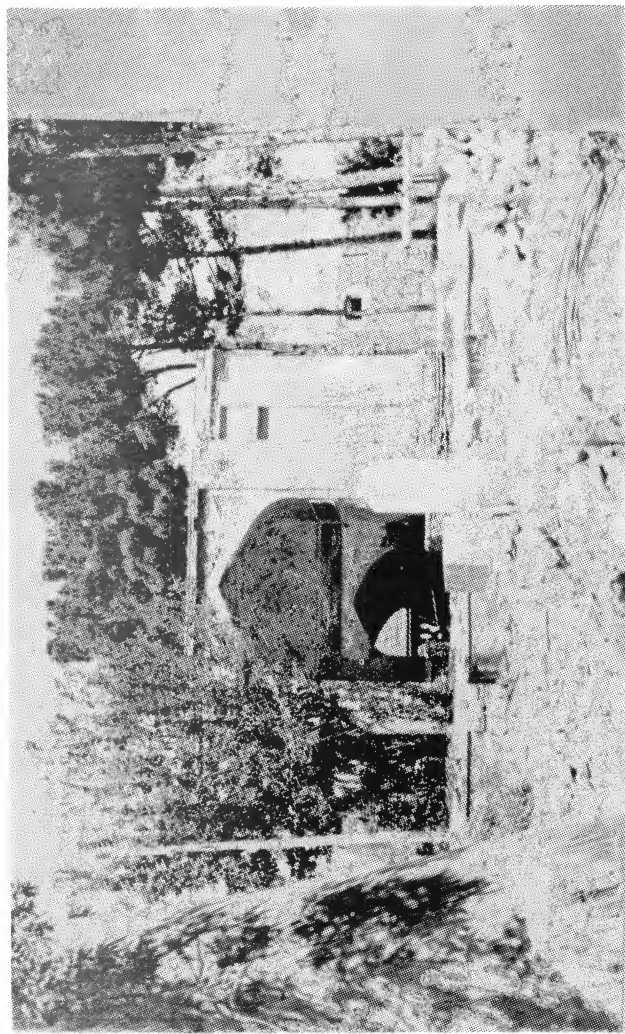
در سال ۱۳۴۷ که گروه مهندسين ترمیم آبدات با محققین خارجی بهرات رسیدند و واق گوشه شرق مسجد جامع که نمایا نگر صنعت معماری غوریان و تیموریان بود با حفظ اساسات معماری دوره اش ترمیم شد.

به تعقیب این ترمیمات رواق بزرگ سمت شرقی گازرگاه نیز که در حال افتیدن بود به شکل فنی آن ترمیم گشت.

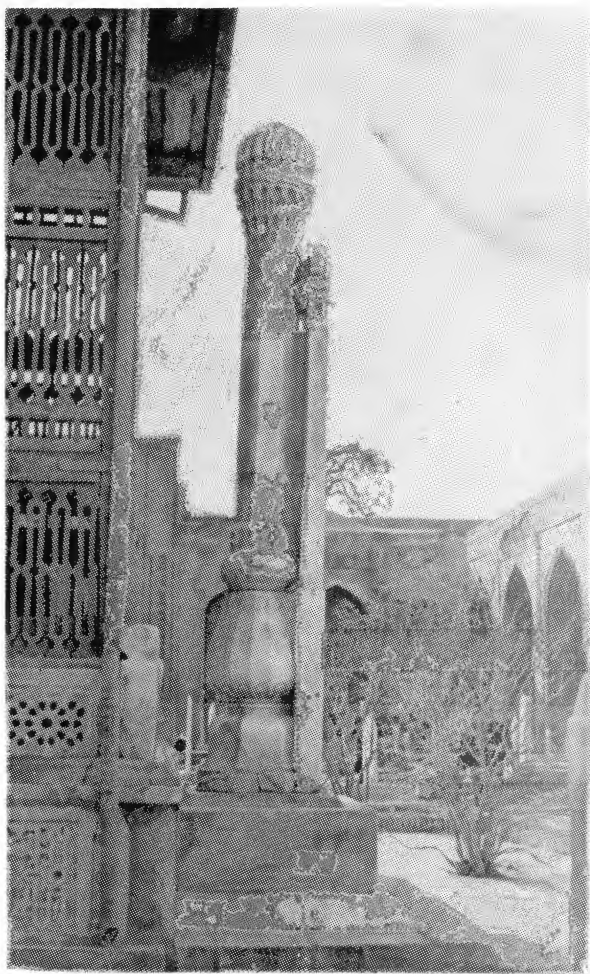
در سال ۱۳۵۳ اداره یی بنام حفظ آبدات تاریخی هرات در این شهر باستانی تاسیس گردید و زیر نظر محققین داخلی و مهندسینی که در رشته ترمیم و حفظ آبدات در خارج تحصیل کرده بودند بکار خود ادامه داد و در نتیجه کار ترمیم گازرگاه بصورت جدی و پیگیرانه یی آغاز گشت بطوریکه محوطه زیارت و ملحقات آن با نگهداشت حالت اصلی معماری آن ترمیم شد. اکنون کار ترمیم ساحه مربوطه آن در حدود ۵۰ فیصد تکمیل گردیده و ترمیم زیارت قسمت شرق آن کاملاً به پایه اكمال رسیده است. ترمیم سمت شمال آن در حدود هشتاد فیصد و سمت غرب در حدود ۲۰ فیصد تکمیل شده و ترمیم جنوب آن در پلان ترمیمات سال آینده شامل میباشد. البته بعد از آن که ساحه زیارت با ملحقات آن ترمیم گردد ترمیم مقبره پیر هرات شروع خواهد گشت. چون مقبره پیر هرات را هر کس نظر به علاقه فردی خود ترمیم نموده بطوریکه از نگاه اصول معماری و حفظ میراث های کلتوری نادرست می باشد، در نظر است تا قفسه آن برداشته شود و بشکل اولی اش بازسازی گردد چه مقبره در اول صندوق (قفسه) نداشته و بشکل فعلی نبوده بلکه ابتدا با کتاره های سنگی حکاکی شده مزین و احاطه شده بوده است که به مرور زمان سنگهای آن کنده شده و بجای یی دیگر نقل داده شده یا شکست خورده شده که از روی بقایای سنگهای موجوده، پلان بازسازی مقبره بحالت اولی اش در مراحل بعدی انجام خواهد گردید. یادگاری که بصورت اصلی و اولی باقیمانده فقط لوحه سنگی سر مرقد است که سنگی سفید و بلند بالا با کلاه درویشی زیبایی بوده و این سنگ از مرمر مرغوب تراشیده شده است. همچنان یک تعداد سنگ پارچه های نفیس و مرغوبی از کتاره اطراف مقبره خواهی صاحب موجود است که در کنار این مرقد متبرک چیده می باشد. مزید بر اینها یک تعداد سنگ نبشته های مرمرین و سفیدی به خط کوفی در قسمت کورسی مرقد خواهی صاحب نصب می باشد. اصلاً این سنگ نبشته ها مربوط به مرقد پیر هرات



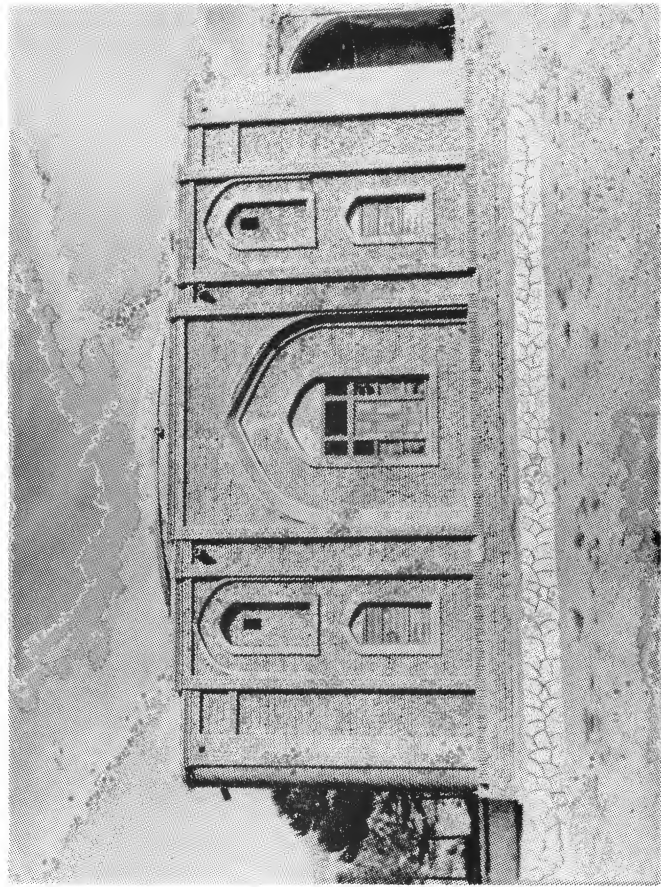
رواق شرقی گازرگاه شریف (بعد از ترمیم)



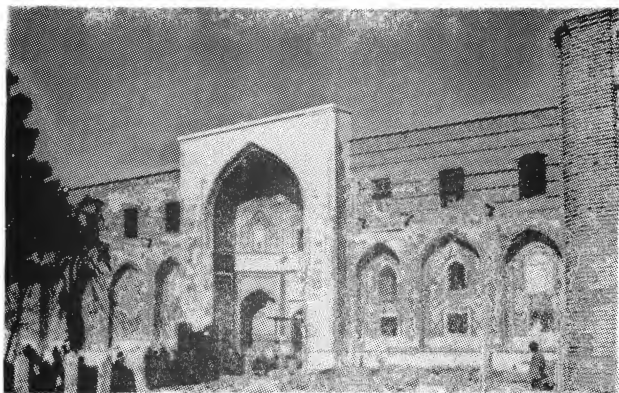
تصویری از حوض زمزم در کاظمیاه شریف



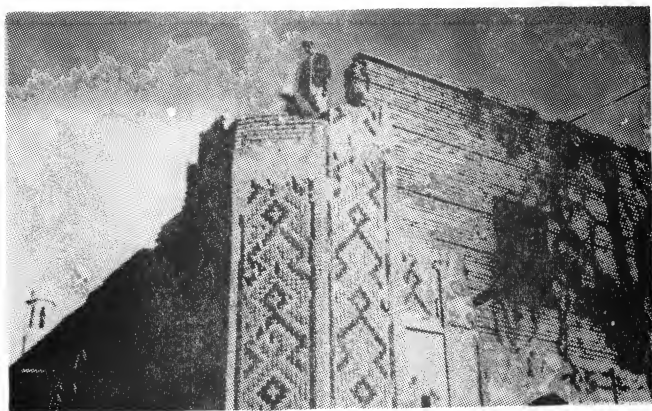
لوحة سنگ نقيس و مرمين مقبره متبرك پير هرات باكله درویشی آن



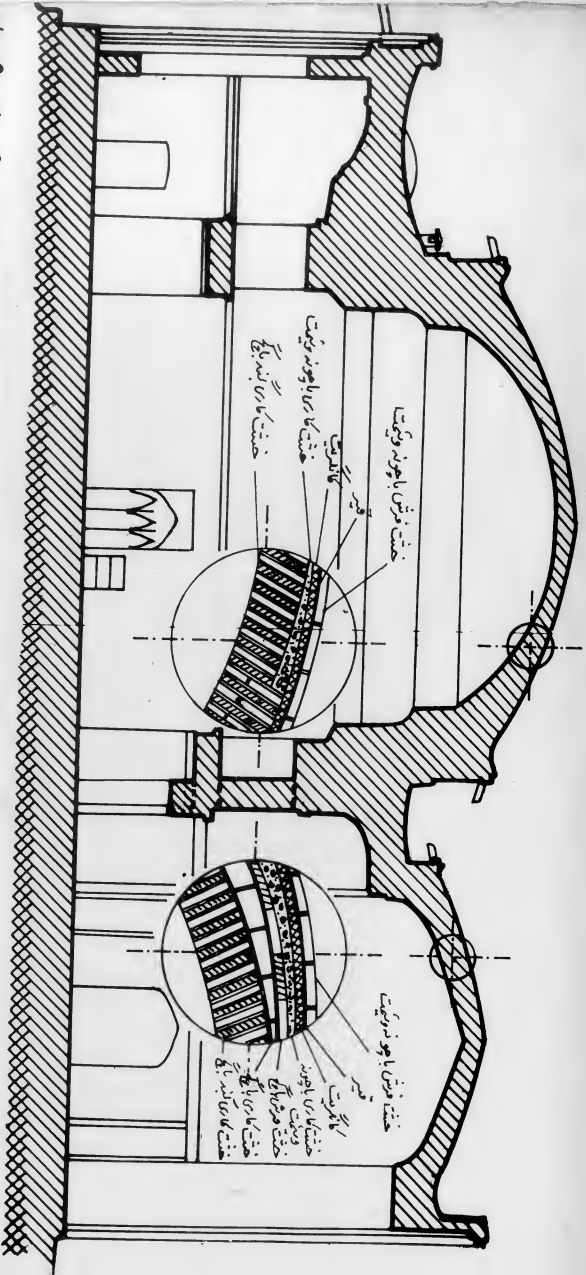
نمایی بیرونی سمت جنوب خانه‌زنگار (بعد از ترمیم‌های آن)



ایوان ورودی زیارت متبرک پیر هرات (بعد از ترمیم)

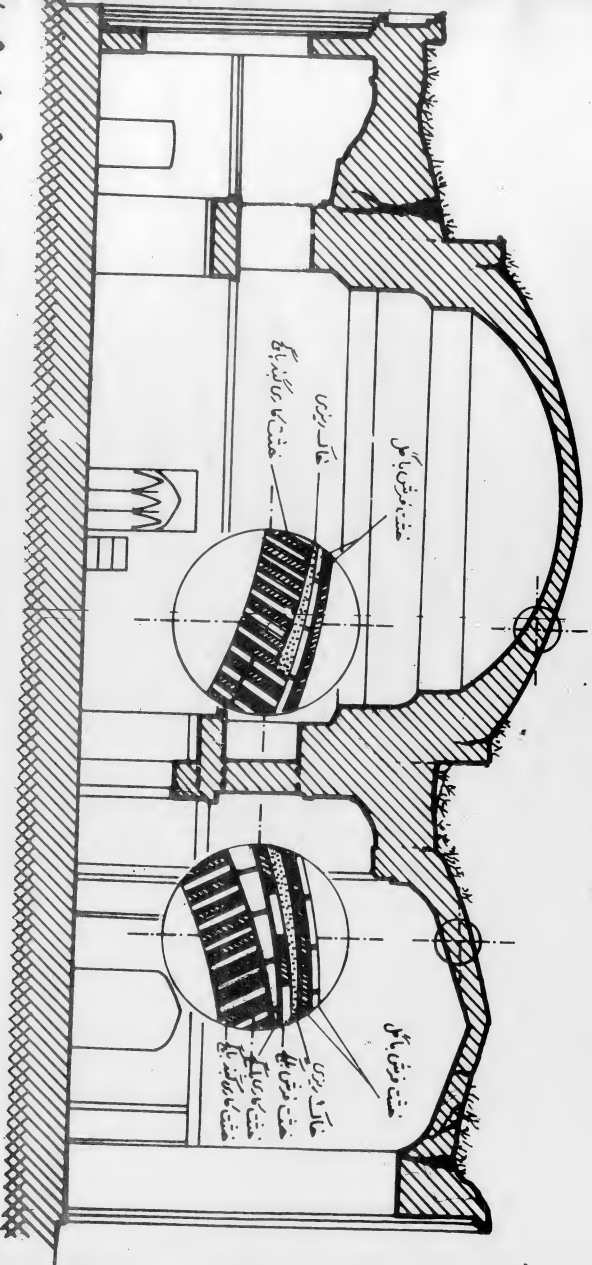


نمایی از گوشه شمالغرب احاطه عزار پیر هرات (قبل از ترمیم)



مهندسی ریاضی، م

خانه رنگارنگ - تراش A-B بعد از ترمیم

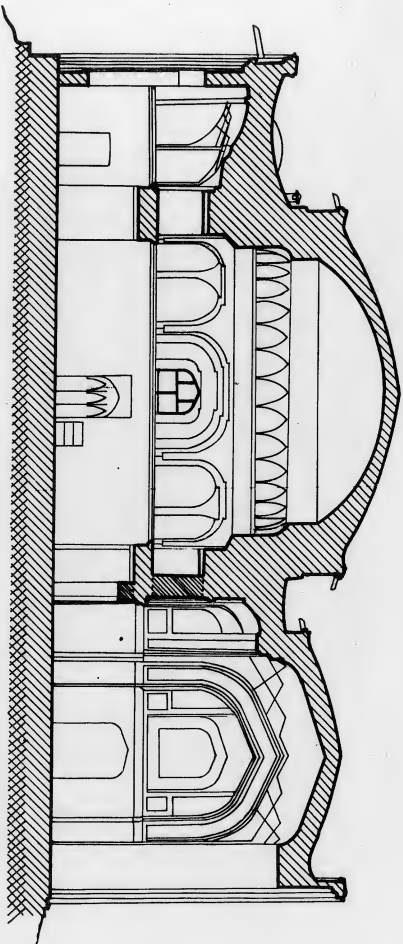


M=1:100

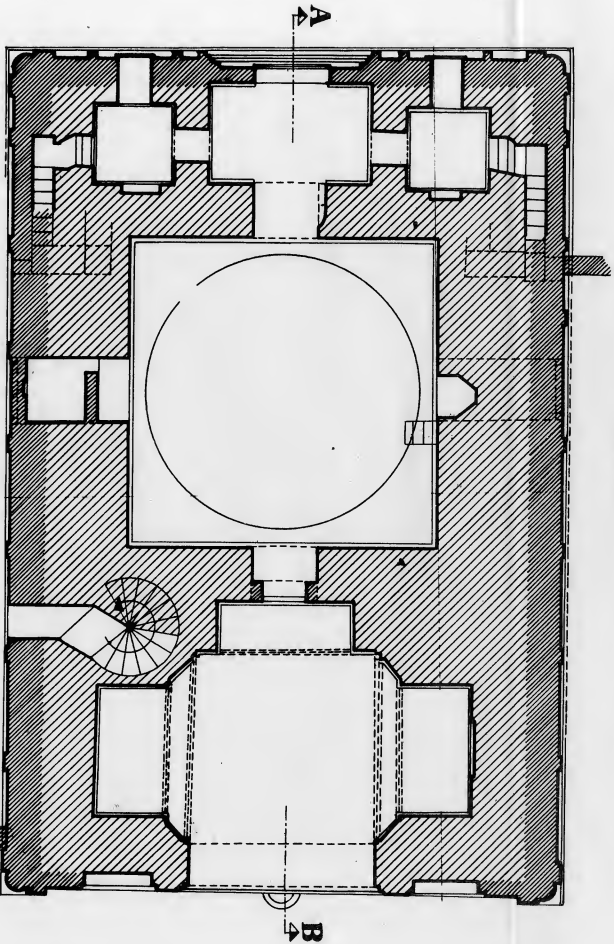
مهندسی ریاضی، م

خانه رنگارنگ - تراش A-B قبل از ترمیم

HERAT

GAZER GAH SHARIF
KANAH ZARMAHAR

A-B

M=1:100
ARCHITECT S.A. REHA

هرات

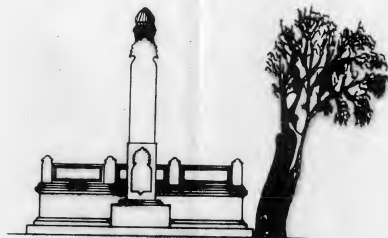
کارگاه شریف خان زرنکار

مهندس سید علی محمد

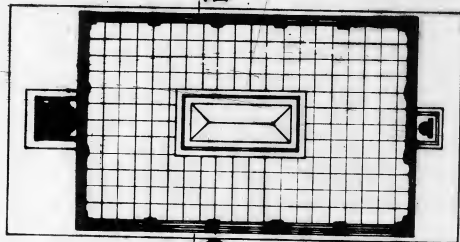
۱۳۵۴-۱۱-۱۱



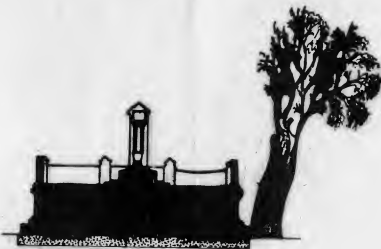
نقشه نمای



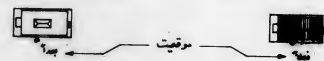
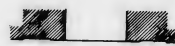
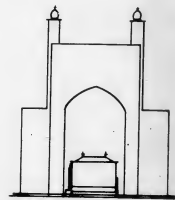
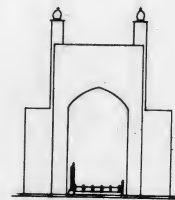
نقشه نمای



نقشه
A

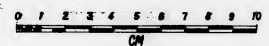
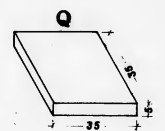
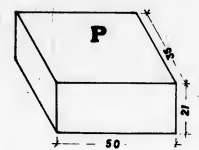
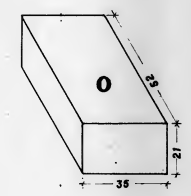
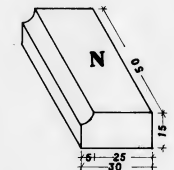
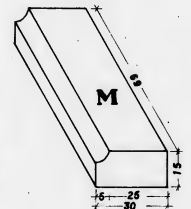
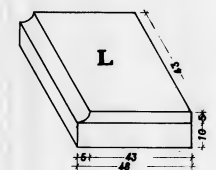
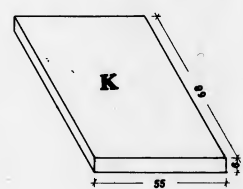
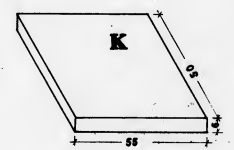
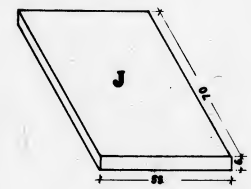
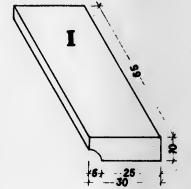
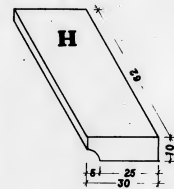
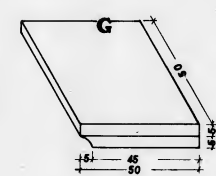
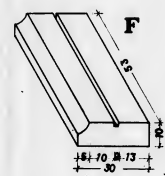
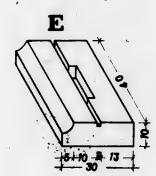
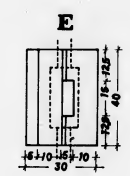
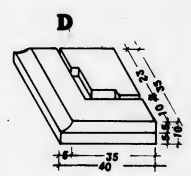
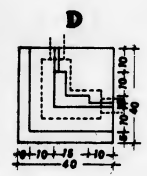
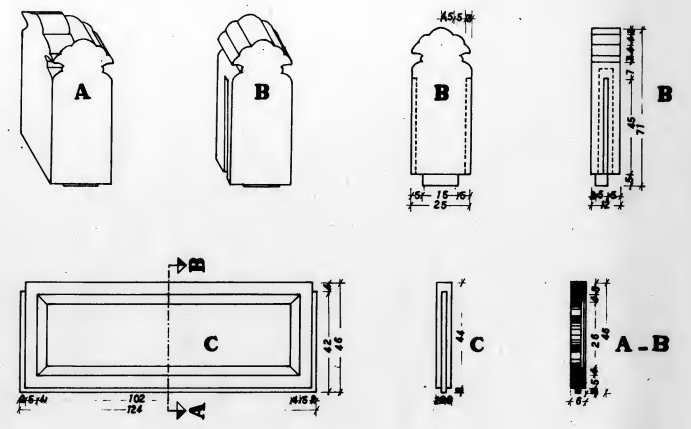
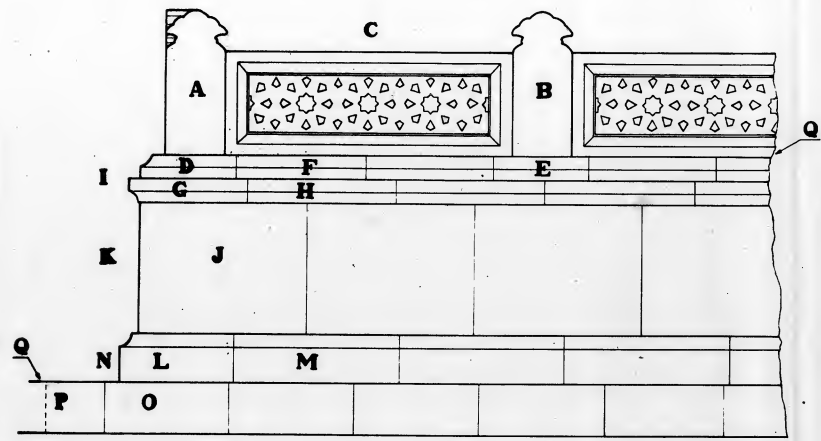


A-B
نقشه



SCALE
1:400
1:80

محل شرفه خواجه میرزا محمد تقی
محل شرفه خواجه میرزا محمد تقی
محل شرفه خواجه میرزا محمد تقی
محل شرفه خواجه میرزا محمد تقی
محل شرفه خواجه میرزا محمد تقی



SCALE
1:10

ARCHITECT, S. A. RENA

مجموعه مصالح ساختمانی														مجموعه مصالح ساختمانی		مجموعه مصالح ساختمانی																									
ردیف	شرح	مقدار	واحد	مجموعه مصالح ساختمانی	ردیف	شرح	مقدار	واحد	مجموعه مصالح ساختمانی	ردیف	شرح	مقدار	واحد																												
1	سنگ مرمره	16	15	30	50	H	22	10	30	62	H	4	25	25	71	A	25	0,7100	1	سنگ مرمره	16	15	30	50	H	22	10	30	62	H	4	25	25	71	A	25	0,7100				
2	سنگ مرمره	40	21	35	52	O	12	10	30	65	I	12	12	25	71	B	12	2,1300	2	سنگ مرمره	40	21	35	52	O	12	10	30	65	I	12	12	25	71	B	12	2,1300				
3	سنگ مرمره	22	21	35	50	P	22	6	55	70	J	15	6	48	124	C	6	2,1740	3	سنگ مرمره	22	21	35	50	P	22	6	55	70	J	15	6	48	124	C	6	2,1740				
4	سنگ مرمره	300	5	35	35	Q	16	6	50	55	K	4	10	40	40	D	10	16,8460	4	سنگ مرمره	300	5	35	35	Q	16	6	50	55	K	4	10	40	40	D	10	16,8460				
5	سنگ مرمره	2	6	55	60	K	2	6	55	60	K	72	10	30	40	E	15	7,4616	5	سنگ مرمره	2	6	55	60	K	2	6	55	60	K	72	10	30	40	E	15	7,4616				
6	سنگ مرمره	4	15	48	48	L	28	10	30	53	F	21	11,1300	6	سنگ مرمره	4	15	48	48	L	28	10	30	53	F	21	11,1300	6	سنگ مرمره	4	15	48	48	L	28	10	30	53	F	21	11,1300
7	سنگ مرمره	20	15	30	69	N	4	10	50	50	G	5	36,7500	7	سنگ مرمره	20	15	30	69	N	4	10	50	50	G	5	36,7500	7	سنگ مرمره	20	15	30	69	N	4	10	50	50	G	5	36,7500

نبوده بلکه از بقایای ستاره یی در سدرسه گوهر شاد بوده است که تقریباً در حدود ۳۰ سال قبل شمارندگوار فروغلطیده و بعداً برای اینکه این سنگ نبشته های زیبا از بین نرود آنها را از آنجا نقل داده و در قسمت پایینی (کورسی) در قدسترک خواجه صاحب نصب کرده اند. وضع خانه زرنگار که از بهترین آبادات و از نفسترین میراث های کلتوری ما میباشد با مرور زمان و بی توجهی مسوولان آن وضع المبار و اسفناکی خود گرفته بود و مافقط توانستیم به خاطر اینکه سقفش نیفتد با سهایش را ترمیم و واتر پروف نماییم ولی به ترمیمات درونی آن که دارای نقاشیهای زیبایی دور ترمیم میباشند تا حال دست زده نشده چه کار ترمیم آن پس دشوار بوده و ایجاب می کنند که ترمیمات داخلی خانه زرنگار زیر نظر محققین خارجی که در این رشته مهارت داشته باشند انجام گردد.

آبدۀ زیبایی نمکدان در اصل بصورت مهمانخانه نبوده این بنای قشنگ میراث دورۀ تیموریان بوده و با قدم و سعی علیشیر نوایی اساس گذاری شده بود که از بیرون دوازده ضلعی و از درون هشت ضلعی می نماید. ارتفاع آن از زمین به حدود ده متر بوده و مزید بر چهار رواق بزرگ و شاه نشین ها، در قسمت وسط آن حوض در مرینی با آب جاری وجود داشت که در حدود بیست سال قبل بیرحمانه حوض در مرین را ویران کردند و برویر آن حوض بی مثال، پایه یی گذاشتند و نمکدان را از وسط بدو قسمت تقسیم نمودند و شاه نشین ها و رواق ها را مسدود کردند که ایجاب می کند واپس به شکل اصلی برگردانده شود. گرچه برای حفظ و نگهداری آن ترمیماتی صورت گرفته و رواقها و شاه نشین ها واپس گشوده شده با آن هم لازم است ستون (پایه) برداشته شود و سقف کزایی آن از میان برود و حوضچه آن بشکل سابق بازسازی گردد اما سقف منزل بالا که سقوط کرده بود واپس بازسازی شده و برنگ های اصیل دورۀ تیموریان رنگ آمیزی گشته است.

ضرورت و باید حوض زمزم که یادگار دورۀ تیموریان است و فعلاً حال خرابی دارد احیاً گردد و هم منازل شخصی حراتی بمقبرۀ پیر هرات که هر کدام در نوع خود آبدۀ های بینظیر است ترمیم گردد. از نظر من که چندین سال است در کار ترمیم گارزگاه و آبادات آن مصروف

هستم گازرگاه نه تنها یک معبد اسلامی بوده بلکه در اصل بصورت هنرستان کاملی بوده است که در این هنرستان انواع هنرها مثل حجاری، معماری، کاشی کاری، خطاطی و نقاشی بصورت آزاد و نظریه سلیقه واستعداد کارکنان آنها عرض اندام نموده و هنر این هنرستان بدیگر آبدات نیز سرایت میکرده است که شاهد ادعای من وجود هنرهای گوناگون و اشکال مختلف پروژهنر در کارسنگتراشی و معماری و کاشی کاری و خطاطی این آبداهست چه اشکال و طرح های تأبدهای اسلامی عموماً متناظر ساخته می شد یعنی نوع هنری که در یکطرف آبداه بکار میرفت در جانب دیگر آن نیز تکرار می شد، اما در قسمت گازرگاه این ادعا صدق نمی کند چه هر رواقی نظریه سلیقه خاصی تزیین یافته که آن طرز هنر در رواق متناظر آن بکار نرفته است چه استاد شاگردانش را آزاد می گذاشته که در هر جناح و هر طاق و رواق برای استعداد و سلیقه خود آن طاق را مزین کنند و نیروی ابتکار فردی خود را در آن بکار برند بخاطر همینست که از نگاه زینت دهی و کاشی کاری هیچ رواقی متناظر با رواق دیگر نیست و تنها از نگاه معماری متناظر می باشد بطور مثال اگر دیوار بیرونی سمت غربی زیارت را در نظر بگیریم ایوان بزرگ در وسط قرار دارد و چهارطاق بدو جناح ایوان بزرگ بشکل متناظر ساخته شده و اما کاشی کاری چهار رواق سمت چپ ایوان بزرگ و رودی با چهار رواق سمت راست ایوان مذکور فرق کاملی دارد. در قسمت خطاطی نیز همین واقعیت شاهد ادعای من می باشد. تمام خطوطی که از آن دوران بجای مانده بقلم یک استاد خط نیست بلکه خطاطان بیشمار هر کدام نظر به سلیقه و هنر خود خطی یادگار گذاشته اند. در قسمت حجاری هم این ادعای من صدق می کند باین دلیل که در چند صد قطعه سنگی که در گازرگاه فعلاً موجود است به مشکل میتوان دو یاسه پاره سنگ را به حکاکی همسان و از یک استاد پیدا کرد. از نگاه معماری گرچه ساختمان از بیرون کاملاً یک شکل دارد اما از درون متفاوت است یعنی یک اتاق رسم بندی شده و اتاقی دیگر منقش گشته و دیگری منقش کاری و یکی ساده و بی پیرایه بر جای مانده که اگر کار یک استاد میبود و هنر آزاد نمی بود همه بیک سان تزیین میشد در حالیکه فرمها همه متفاوت است و گوناگون.

صنعت کاشی سازی در هرات

گذشته تار یخی:

صنعت کاشی سازی یکی از صنایع مشهور و تار یخی هرات است که از قرن‌ها پیش در هرات رواج داشته و پیشرفت و رواج زیاد آنرا میتوان در روزگار غوریان و به ویژه تیموریان هرات، سراغ نمود و آثاری ارزشمند از آن ادوار بدست آورد.

صنعت کاشی سازی هرات بعد از دوره تیموریها، در درازنای قرون سیرقه‌قرایی خود را پیموده و سرانجام در یکی دو قرن اخیر یکمیلی به سقوط مواجه شده است.

احیای مجدد این هنر در هرات در نیم قرن اخیر صورت گرفته است یعنی در سال ۱۳۲۲ هـ ش که در صدد ترمیم کاشی‌های مسجد جامع هرات برآمدند، دو کارخانه کاشی سازی در هرات تأسیس گردید و زیر نظر شاه دروان استاد فکری سلجوقی بکار آغاز کرد. در آن هنگام، سرپرستی یکی از این کارخانه‌ها را مرحوم حاجی غلام حیدر مهندس و از دیگری را مرحوم حاجی محمد اسماعیل بنابه عهده داشتند، و اما کار طرح، دیزاین و خطاطی کارخانه‌های مذکور را مزید بر این دو نفر مرحوم استاد فکری سلجوقی، استاد محمد علی عطار و مرحوم میر آقا حسینی اجرا می‌کردند.

این دو مؤسسه از همان ابتدای کار، برای ترمیم عمارات کاشی کاری شده ادوار گذشته چنان کاشی هایی میساختند که از نگاه ترکیب رنگها، فورم، خطاطی، و پخت کاشی به هنر زیبا و اصیل دوره تیموریان نزدیکی و همانندی داشت.

در سال ۱۳۲۵ یکی از این دو کارخانه با چند تن از کارگران مربوطه اش به مزارشریف انتقال داده شد ولی کارخانه دیگر تا امروز در هرات به فعالیت خود ادامه میدهد و کاشی هایی گوناگون مورد ضرورت را برای ترمیم کاری کاشی های مسجد جامع و دیگر آبادات تاریخی هرات عرضه میکند. این کارخانه اکنون در چوکات آمريت پروژه بین المللی آبادات تاریخی هرات فعالیت میکند و در ایوانهای شرقی و جنوب شرقی مسجد جامع هرات قرار دارد که دارای دو شعبه کاشی پزی و کاشی تراشی میباشد.

شعبه کاشی پزی:

شعبه کاشی پزی در یکی از شبستانهای جنوب شرقی مسجد جامع هرات قرار دارد و متصل بار و اق کاشی کاری شده نفیسی است که یادگار زمان غوریها شناخته شده است. درین شعبه مواد اولیه کاشی چون گل و رنگ تهیه میگردد و خشت کاشی که به سیستم قالب ریزی محلی و معمولی ساخته میشود بعد از صیقل، رنگ آمیزی و پخته شدن در کوره های آتش، بدسترس شعبه کاشی تراشی قرار داده میشود.

مراحل کار پخت کاشی بدینگونه است که نخست از گل کاشی (گل شیرین) «شیره گل» مخلوط با مقداری خاکستر بروش بوسی قالب ریزی، خشت های مربع شکلی ساخته میشود و هنگامیکه این خشت ها در جایی سایه و بی رطوبت اند کی خشک گردید توسط کار دخت تراشی اطراف آن تراشیده میشود و بعد صیقل داده میشود. این خشت های صیقل داده شده در کوره های آتش (داش) اند کی حرارت داده میشود تا نیم پخته گردد. بعد توسط محلول رنگ کاشی روی این خشت های نیم پخته، رنگ آمیزی میگردد و آنگاه برای بار دوم در کوره های آتش که چوب خشک بیدیا سفید دار (بخاطر نداشتن حرارت زیاد) در آنها به مصرف میرسد حرارت داده میشود تا خوب پخته گردد.

در شعبه کاشی پزی هرات دو دستگاه آسیاب دستی (دستاس) موجود است. توسط این دستگاه ها موادی را میله می کنند که از آنها رنگ های مختلف کاشی ساخته می شود، مانند سرب، سنگ دریا پی (چقماق) شیشه، خاکه تیزاب (باتری نو در).



چند تن از کاشی تراشان هرات در حال تراش و صیقل توتته های کاشی

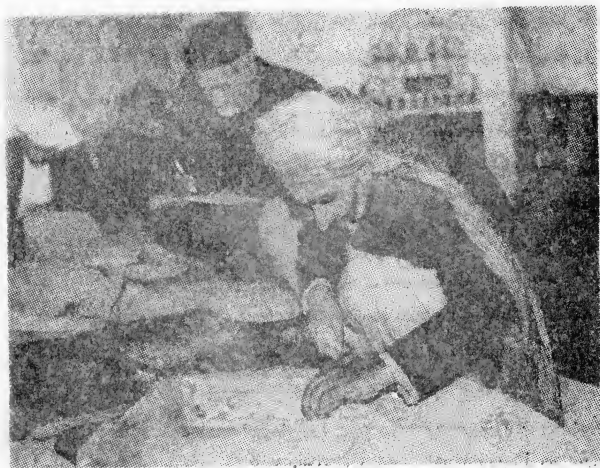
همچنان درین شعبه کوره های خرد و بزرگ آتش موجود است که مخصوص به تن خشت کاشی می باشد. کوره های بزرگ به شکل مستطیل دارای دو طبقه است که طبقه پایینی آنرا آتشخانه و طبقه بالایی آنرا کوره خشت گذاری می نامند. کوره خشت گذاری که توسط سوراخ بزرگ سطح پایینی به آتشخانه راه دارد آنرا استوانه پی (تندوری شکل) است و در قسمت سطح فوقانی اش دارای چار سوراخ به بخار کش می باشد. خشت های کاشی درین این کوره به دو شکل آیین نهی و کلا غیر گذاشته می شود. آیین نهی شکلی است که خشت ها به صورت عمودی بالای هم طوری چیده می شوند که روی خشت ها به دیوار های کوره متصل باشد. اما در شکل کلا غیر خشت های کاشی

بصورت عمودی قسمی بروی هم چیده میشوند که شکل قاقچه های کپوترخانه ها را یادآورند.

ارتفاع کوره های خشت پزی کوچک تقریباً به یک متر و از کوره های بزرگ به دو متر برسد. کلانترین این کوره ها دارای ۴ متر طول و یک و نیم متر عرض میباشد.

در شعبه کاشی پزی هرات فعالیتها نفر کارگر مصروف کار اند که از جهانه محدد خود از داتس و پنج سال بدینسو کار تهیه و ساختن رنگ، رنگ آمیزی و بختن خشت های کاشی را اجرا میکنند و استاد سرپرست این شعبه میباشد. دو نفر دیگر بنام های محمد جمعه و عبدالغفار همیشه شاگرد و وظیفه قالب ریزی، تراش، و صیقل خشت کاشی را بدوش دارند.

شعبه کاشی پزی هرات در مدت یکماه در حدود دوهزار خشت و قالب ریزی و صیقل میکنند و تقریباً هفتصد خشت کاشی را بعد از رنگ آمیزی و بختن بدسترس شعبه کاشی تراشی میگذازد.



یکی از استادان ماهر کاشی تراش با استاد مهندس شعبه کاشی تراشی هرات در حال اجرای کار

شعبه کاشی تراشی :

در شعبه کاشی تراشی که در ایوانهای سمت شرق مسجد جامع هرات قرار دارد کاشی های مرغوب و نفیسی بدست هنر آفرین کارگرانی ماهر ساخته میشود و از آن در ترمیم رواقها، ایوانها و گلدسته های مسجد جامع و دیگر آبادات تاریخی و کهن هرات استفاده میشود. درین شعبه دو نوع کاشی ساخته میشود : معرق و هفت رنگ. برای ساختن کاشی معرق، نخست طرح هایی گوناگون چون گلبرگها، ترنج ها، اسلیمی ها و دهن از درها که برای ترمیم ایوانهای مخروطی و فرو ریخته در نظر گرفته شده است بروی کاغذ ترسیم میگردد و بعد از تکمیل گره بندی و رنگ آمیزی بدسترس استادان ماهر کاشی تراش گذاشته میشود.

این استادان بعد از آنکه طرح های مذکور را بروی کاشی، خاکه و کابی کردند بوسیله چکش سوهان، قلم های فولادین و بادستهای هنر آفرین خود کاشی را مطابق این طرحها و نقشها تراش میدهند و به توته های گوناگون صیقل شده تبدیل میکنند و سپس این توته های منقوس و تراش شده کاشی را بروی سنگ فرش هایی که برای همین منظور ساخته شده مطابق طرح اولیه طوری بالابارش جابجایی نهند که روی رنگ آمیزی شده اصلی کاشی بر سطح سنگ فرش قرار گیرد. وقتی عملیه مذکور تکمیل گردید بروی چپ این توته های مختلف کاشی مقداری سمنت می ریزند و بعد از آن که سمنت جوش خورد آنرا برداشته و بعد از پاک کاری در جاهای مورد نظر، بوسیله سمنت نصب میکنند.

اما ساختن کاشی « هفت رنگ » که از کاشی معرق ساده تر و سهل تر میباشد بدین گونه است که بروی خشت کاشی پخته و رنگ آمیزی شده، توسط قلم ها و برس های مخصوصی، خطوط اشکال و طرح هایی مورد نظر را بر رنگ های گوناگون، خطاطی و نقاشی میکنند و بعد از آن خشت ها را در کوره ها حرارت میدهند تا رنگ خطوط و اشکال، پخته گردد.

شعبه کاشی تراشی هرات که فعلاً زیر نظر و سرپرستی استاد حاجی جمعه گل مهندس فعالیت میکند مجموعاً دارای یازده کارگراست. استادان این شعبه که هر کدام ۳۵ سال عمرشان را صرف این پیشه کرده اند قرار آتی اند:

۱- رجب علی

۲- غلام رضا

۳- سید محمد

۴- غلام رسول

۵- سلطان احمد

۶- حبیب الله

شاکردان شعبه مذکور عبارت اند از:

۱- غلام محمد

۲- حبیب الله

۳- عبداللطیف

۴- شیر آقا

رنگ کاشی و مواد سازنده اش:

کاشی های امروز هرات بصورت عموم برنگ سفید، زرد، نارنجی، سبز، فیروزه ای، لاجوردی، تغاری و سیاه دیده میشود.

این رنگ ها از ترکیب سوادى چون سرب، خاکه تیزاب «باتری موتر» قلابی، سنگ در یابی (چقماق) شیشه و تیفال یا زنگ مس و آهن ساخته میشود و مواد مذکور همان دلوور یکم گفتیم توسط دستگاه هایی بنام دستاس «آسیاب دستی» سیده میگردد.

درین جاپارز استحصال هر یک از رنگ های هفت گانه را مختصراً بیان میداریم. رنگ فیروزه ای و لاجوردی از مخلوط چار کیلو سرب، نیم کیلو قلابی، چار کیلو شیشه و یک کیلو سنگ در یابی استحصال میگردد.

سزیدبراین گاهی در ساختن رنگ فیروزه ای و لاجوردی ده گرام لاجورد و یکصد و پنجاه گرام تیفال «زنگ» مس نیز مخلوط میگردد.

رنگ زرد از چار کیلو سرب، ۲۵ گرام قلابی، چار کیلو شیشه و نیم کیلو سنگ در یابی ساخته میشود.

هرگاه در فیصدی سوادى که برای ساختن رنگ زر دیگر برده میشود تیغال رس علاوه کنند رنگ سبز بدست می آید.

رنگ سفید از ترکیب یک کیلو قلابی، چار کیلو شیشه و یک کیلو سنگ در یابی بدست می آید. رنگ سیاه وقتی حاصل میشود که مقداری سنگ سیاه «مقن» را با سواد ساز نده رنگ سفید یکجا سازند.

رنگ نارنجی از یکجا کردن چار کیلو خا ده تیزاب (باتری و تر) هشتصد گرام سنگ دریایی و یکصد و بیست گرام رنگ آهن ساخته می شود.

انواع کاشی های هرات:

بصورت کلی کاشی های هرات بدو نوع تقسیم می شود. کاشی معرق و کاشی

هفت رنگ. معرق که بنام کار تراش نیز یاد می شود از خود اقسامی مختلف دارد چون برجسته، هموار، گلبرگ، گلچین و غیره.

بهترین ترتیب کاشی هفت رنگ نیز چه از حیث ساخت و چه از نگاه طرح، دیزاین، شکل

و نقشی که برای زیبایی آن بکار برده می شود به اقسام گوناگونی مثل کنده کاری گلبرگ و غیره تقسیم می گردد.

فرق کاشی های امروز از کاشیهای روزگار غوریان و تیموریان:

کاشی های امروز نخست از نگاه گل خود با کاشی های دوره غوریان و تیموریان

فرق دارد چه گل کاشی های امروز از همان گل شیرین (شیرگل) و مقدار کمی

خاکستر تهیه می شود ولی در گذشته خشت های کاشی از گل رس (جسمی) و شیشه و

گل سرشویی ساخته می شد از اینرو کاشی های قدیم از حیث گل یابو اد اولیه، از کاشی

امروز مقاومتر و بادوام تر بوده است.

البته امروز در گل شیرین بخاطری مقدار کمی خاکستر مخلوط می شود که خشت ها

بعد از خشک شدن به آسانی تراش و صقل شوند.

خشت های کاشی امروز که تقریباً دو سانتی متر ضخامت دارد بیشتر ۱۶ در ۱۶ سانتی

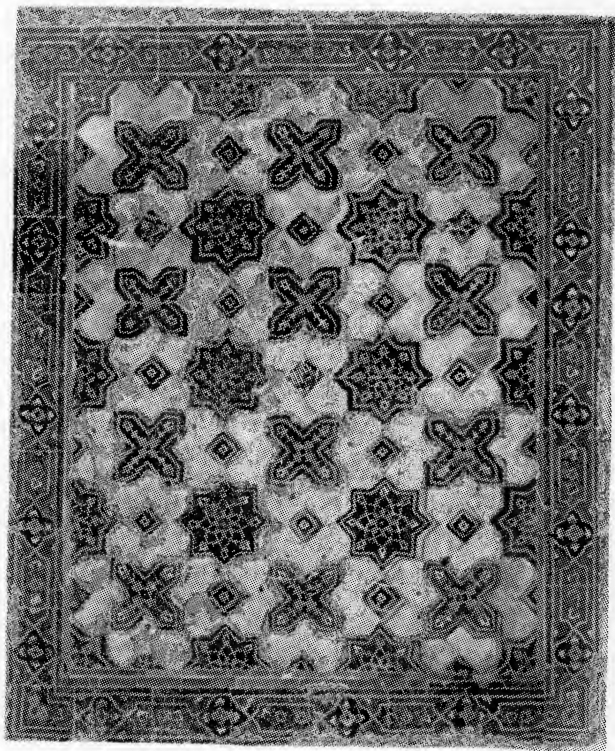
مشرق‌اللب ریزی می‌شود اما این خشت‌ها در قدیم زیاد تر ۲۰ در ۲۰ سانتی متر ساخته می‌شد. کاشی‌های امروز زرد، نارنجی، سبز، تغازی، سیاه، لاجوردی و فیروزه‌پی رنگ آمیزی می‌شود. لیکن کاشی‌های زمان تیموریان علاوه بر اینکه برنگهای کاشی‌های امروزی دیده می‌شود برنگهای سرخ و لایلی نیز یافت می‌شده است. از طرفی رنگ کاشی‌های دوران تیموری از چنان مواد طبیعی ساخته شده که در درازنای قرون در برابر حوادث - گرناگون و اوضاع نامساعد جوی و قحط و بخت نبود و سلامت بیادگار مانده است. در حالیکه در صنعت کاشی‌سازی امروز بیشتر از مواد طبیعی و بومی گذشته استفاده نمی‌شود و بجای آن از رنگهای مصنوعی کار گرفته می‌شود ازین سبب رنگ کاشی‌های گذشته از رنگ کاشی‌های امروز شفاف‌تر و با دوام‌تر بوده است.

در کاشی‌سازی امروز بداندانان که پیشتر یاد کردیم ساختن دو نوع کاشی بنام معرق و هفت رنگ رواج دارد لیکن در دوره غوریها تنها هفت رنگ مروج بوده است آن‌هم بگونه‌ای که کار می‌شد یعنی در آن عصر بر روی خشت خام مخصوص کاشی، طرح‌های مورد نظر کنده کاری می‌شد بعد از آنکه این طرح‌ها و دیزاین‌ها رنگ آمیزی می‌گردید در کوره‌ها حرارت داده می‌شد و اما در روزگار تیموریان بیشتر معرق و ندر تا هفت رنگ رواج داشته است. درین دوران عقب کاشی معرق را با گچ هموار می‌کردند و همچنان در نصب آن نیز از گچ استفاده می‌کردند و اکنون در کاشی‌سازی معرق، برای این کار از سمنت استفاده می‌شود. راه‌های انکشاف و رونق این صنعت :

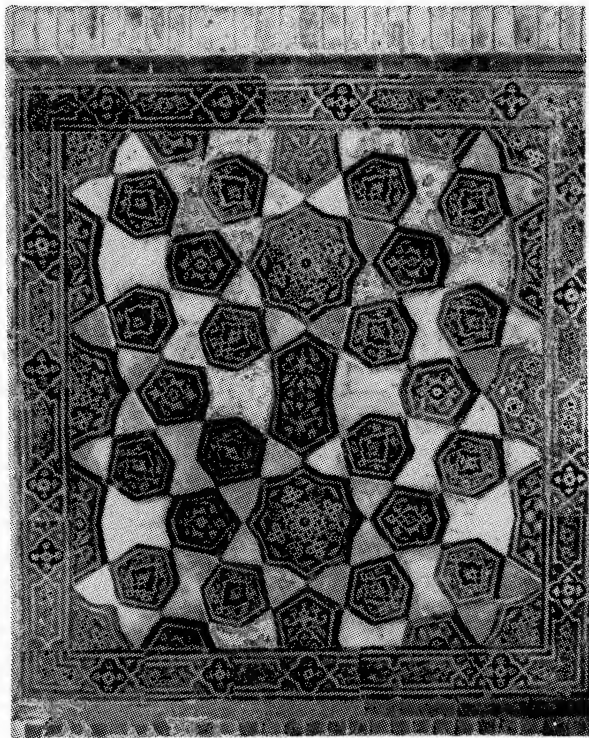
صنعت کاشی‌سازی در هرات نیز چون دیگر ولایات کشور فقط شکل هنری دارد و از آن در ترمیم آبادات و ابنیه تاریخی استفاده می‌شود از این رو کاشی‌های هرات بازار فروش نداشته و استفاده از آن در خانه‌های مردم و طو ریکه باید در تعمیرات و بناهای دولتی مرسوم و مرسوم نمی‌باشد که این خود عاملی است در عدم انکشاف و رونق اساسی آن. با در نظر داشت این نقص‌ها باید زمینه‌های فروش کاشی در بازار هرات فراهم شود بلکه بازارهای فروش آن بگونه‌ای آماده گردد که مردم در بخشی از تعمیرات شخصی‌شان



استاد شعبه کاشی پزی در حال میده کردن مواد او لیفرنگ کاشی
توسط دستقاس (آدمیاب دهمتی)



قسمتی از رویکار کاشی کاری شده مسجد جامع هرات.



یکی از گره بندی های کاشی درمسجد جامع هرات

که مطابق نقشه های سربته اعمار میکنند از کاشی های نفیس و مرغوب هرات استفاده کنند. درین صورت در پهلوی اینکه بنیه اقتصادی این صنعت تقویه و مستحکم میگردد و راه انکشاف بر وی آن باز میگردد تعمیرات شهر هانیز بر و ش معماری سابق سزین می شود، صنعتگرانی که در هرات از سال ها بدین سو این هنر را ادامه می دهند زمینه مساعد و گسترده تر بیه شاگرد بر ای آنها تا بحال فراهم نشده است در صورتیکه این صنعت به انداز پی ارزشمند است و جمیل که سزاوار است دارای دبستانی باشد تا شاگردانی چند این صنعت را از استادان آن بیاد و زند و در آینده بحیث استادان عالیقدر این هنر عرض اندام نمایند. از طرفی باید در بهبود وضع اقتصادی این صنعتگران نیز توجه بی خاص مبذول گردد.

و سایل و افزار کار این صنعت میراث گذشته های دور تاریخی است و در آن هیچ گونه انکشاف و تغییری دیده نمی شود، مثلاً امروز میتوان بجای دستاس (آسیاب دستی) که از آن در دیده ساختن موادی سخت چون سنگ و شیشه و سرب استفاده می شود آسیاب برقی بکار انداخت. رنگ سازی در کارخانه کاشی سازی هرات بهمان روشهای بومی صورت میگیرد. اما باید برای رنگ سازی در دبستان این صنعت کیمیا دان هائی گمارده شوند که با کارگیری از دانش کیمیا و مواد کیمیاوی رنگ های مرغوب، نفیس، شفاف و مقاومی بسازند از مواد کاشی می شود کوزه های مرغوب و نفیسی ساخت بس در پهلوی کارخانه کاشی سازی، تا سپس کارخانه کوزه گری با استفاده از مواد کاشی اقدامی نیک و ارزنده خواهد بود.

همچنان از مواد کاشی ظرفی چون قندانی سگرت دانی، گلدانی و کاسه نیز ساخته و بازار عرضه کرده میتوان که این امر نیز در انکشاف و رونق این صنعت تأثیری بسزا خواهد نمود.

لیکونکی : ر . ج .
ژباړونکی : لعل پوری

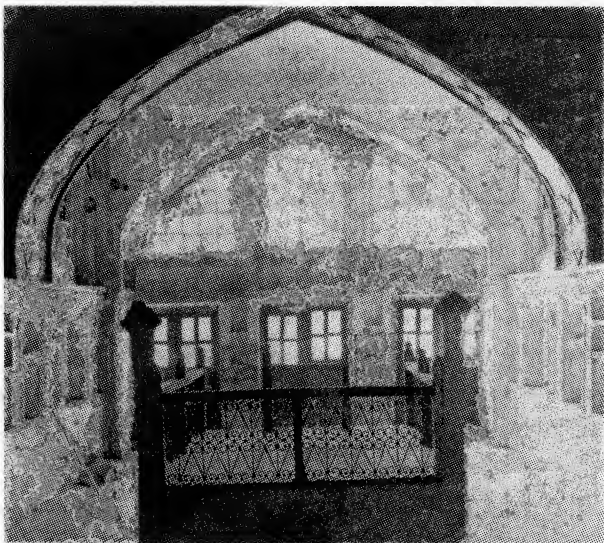
د ملا عاشور معبد (KANICA)

KANICA د یوځای نوم دی چې د یهود د پانو پر عبادتګانو او اطلاق یې کیږي. یهودی عبادتګاروی چې د کنبو الو په شکل ځان ته نظر جلبوي، د دې ادعا څرګندوي چې یو وخت په لرغوني هرات کې اهل یهود وژوند کاوه او څو کورنۍ یې همدا اوس موجودې دي. یهود د بان د حضرت موسی (ع) له پیر و انو څخه دی او دوی آسماني کتب، لری چې د تورات په نامه یادېږي.

د یهود د تاریخي سوابق په افغانستان کې - :

نژدې شپاړس پېړۍ پخوا د غزنوي سوادوز یا توالسی او د ژوندانه ښه شرایط یهودیان یې زموږ د هیواد خوا ته مستوجه کړل. د حاصله معلوماتو

په استاد ، هغه يهود يان چې زمونږ هيواد ته را ننوتل (۷۰۰۰) تنو ته رسيدل. دوی له هغه وروسته چې زمونږ د هيواد په سرحدونو را ننوتل د هيواد په مختلفو سيمو کې يې هستوگنه غوره کړه. يوه ډله يې په هرات کې مېشته شول او نور يې په شمالي ولاياتو کې؛ لکه بلخ، شبرغان او سيمې کې په ژوندانه پيل وکړ.



د ملا عاشور د معبد دننه

وروسته له هغه د زياتو فشارونو او بده بيه تعصباتو په اړه د سيمو په ترک کولو مجبور شول؛ ځکه په هغه وخت کې لير ديدنه پوره سخت وه کړاوونه يې درلودل څرنگه چې په هغو ځانونو کې ترانسپورت ته وسيلې موجودې نه وې، ځينې يې د ژمي د يخني او سپوږمۍ له لاسه له منځه ولاړل.

او ځینې یې هرات ته ورسیدل. په لومړیو وختونو کې چې نوی هرات ته راغلی وه، کلی به کلی به ګرځیدل او د لومړني جنسونو او موادو په پلورلو او پیرودلو؛ لکه د چرګې هګۍ او نورو یې ژوند کاوه. اوس هم یو شمیر محدود یهودیان په کابل او هرات کې او سیري.

عبادتګاوی (CANICAS)

په هرات کې د یهودیانو ځایر عبادتګاوی موجود دی چې د هغه کنیسې (KANICA) په نامه یادوي او د تړونو پخوانی (یوا) نویري او دا کنسه مشق شوې ده د انبیاووله یوه نوم څخه چې نژدې دوه سوه کاله تار یخې قدامت لري.

دملعاشور معبد د هرات دوهمه عبادتګاه ده او یو سل ونوی کاله قدامت لري. دوی نورې عبادتګاوی عبارت دي د «ګلها» چې د یهودو یوې طایفې نه منسوبه ده او یو سل واو یا کاله سابقه لري او د «شمایل» معبد چې پنځه څلوېښت کلن تاریخ لري.

دملعاشور معبد که څه هم د تار یخې قدامت له لحاظه دوهمه درجه ده، مګر د جوړښت د سبک له پلوه له نور و معبدونو څخه زیاتره شهرت لري. دا معبد اوس د هرات د تاریخي ابداتودین - المملی پروژې د آمریت په واک کې دی. د دې معبد او سني شکل د هغه ښکارندوی دی چې تر اوسه پورې اساسي ترمیم او مرمت کاري یې صورت مندلې نه دي او که د ترمیم په برخه کې یې پاملرنه ونشي، ګوندې په نژدې راتلونکي کې به دا آبد و لوړی او له منځه لاړه شي.

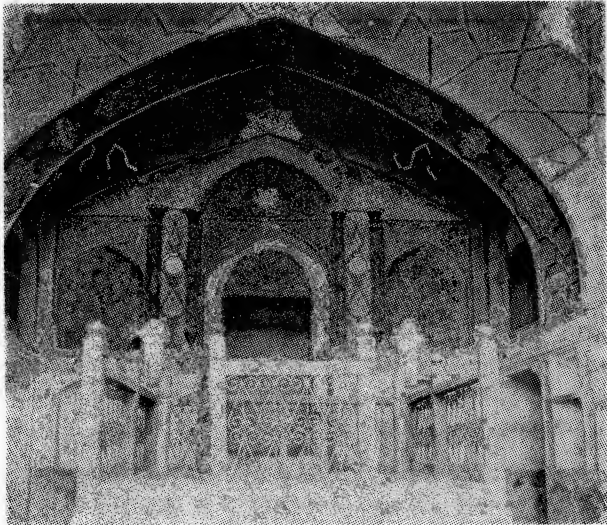
د یهودي عبادتګاواو اصلي مرکز دملعاشور معبد دیوې کوچنۍ څخه سر کېه دی چې په بهر کې کښې یې یو ساختمان د چو ترې په شکل لیدل کېږي او د یهودو خلک هغه (ARRON) یادوي او هغه وخت چې د جماعت لمونځ کوي، د یهودو ملا یعنی (KHAKHAM) چې د عقل او پوهاند معنی لري پر هغه باندې درېری او دلمانځه مراسم پر ځای کېږي. په دې ډول چې ملا تر راتلونکي او مقتدیان ورته غوړ نیسي. د دې کوچنۍ په دوو خواوو کې بیل بیل د هلیزونه په نظر راځي چې د دې کوچنۍ په پاسني برخه کې جوړ شوی دی.

یهودیان دا کوچنۍ د (AZARAT TASHIM) په نامه یادوي. دا (ازارت تاشیمونه)



دما عاشور دمبید دنه

مخصوص ديهو دو دېڅو دپاره وي او د لمانځه دادا کولو په وخت کې، ښځې په دې کوټو کې راټولېږي او لمونځ ادا کوي .



دملاعاشور دمعبد ددنی یو بل تصویر

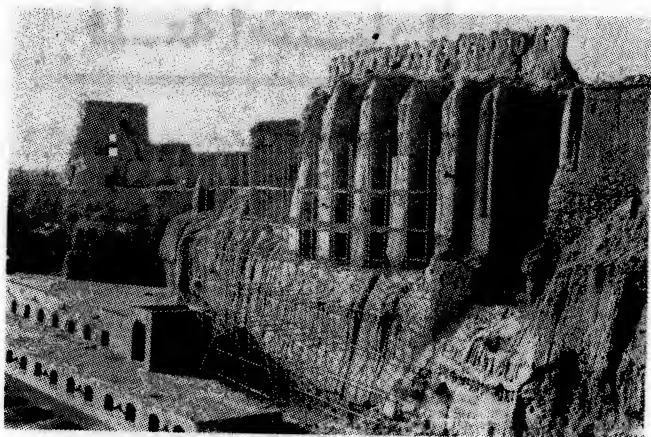
ددې معبد په انگرې کې یوه زیرزمینی څامو جوړه ده، چې په دېانو دځان دښځو لود پاره استفاده ورڅخه کوله . ديهو ديانو په منځ کې داسې دود دی چې دهر لمانځه تر ادا کولو څخه دمخه سچو ردي خپل ځان سم و مينځي او په معبد ننوړي .

گزارش کار ترمیم قلعه اختیارالدین

بادر نظر داشت اهمیت آبادات و ساختمان های تاریخی در افغانستان که نمو دار ظرفیت برتری و شکوه گذشته، اجداد ما و شاهد آبرو مندانه ترین مورث نمایان و فرهنگ انسانی می باشد سعی و تلاش در نگهداشت این ثروت های ملی، همزمان با پلانهای جدید ساختمانی، صنعتی و تحولات اقتصادی یکی از وظایف خطیر و مهم مادر سطح ملی و بین المللی بحساب می آید. هر پلان کلتوری باید دارای عیار و ترتیب شود که هویت اصلی فرهنگ ملی را حفظ گردد، بویژه میراث های تاریخی و کلتوری غیر منقول که تفاوتی چشمگیر با پدیده های فرهنگ امروزی دارد.

هرات بعین یکی از شهر های باستانی کشور و مادر ای آبادات و محلات مهم تاریخی و باستانی است که ارزش فراوانی را حایز است. از جمله شهر کهنه هرات هنوز به شکل قدیمی خود با کمی تغییرات باقیمانده است و در خور آنست که در جهت ترمیم و حفظ اصالت و صیغه کلتوری و تاریخی آن توجه خاصی مبذول گردد. ازینرواحیاً و بازسازی مجدد شهر کهنه هرات به شکل کلاسیک آن یکی از اهداف کلتوری دولت به شمار میرود.

شهر کهنه هرات که از مجلات تاریخی و باستانی به شمار میآید در زمانهای قدیم توسط دیوارهای ضخیم احاطه گردیده بود، ولی متأسفانه با گذشت زمان و بی توجهی مقامات مسئول سابق دیوارهای آن تخریب گردیده و فعلاً آثاری کم از آنها بچشم میخورد این شهر باستانی در قدیم توسط قلعه مستحکمی اداره میشد که بطرف شمال غربی شهر بالای تپه کوچکی واقع است. ولی این قلعه زیبا نیز که به قلعه اختیارالدین شهرت دارد از دست دشمنان تاریخی ثروت‌های فرهنگی و ملی کشور مصون نماند و توسط جنرال حیات‌الله خاين در سال ۱۹۰۶ عیسوی به ویرانه‌یی مبدل گردید.



دیوارهای داخلی سمت شمال قلعه اختیارالدین (در حال ترمیم)

در سال ۱۹۷۶ عیسوی به اساس فیصله کنفرانس ناپرویی شهر هرات بصفت شهر بین‌المللی شناخته شد. درین کنفرانس فیصله گردید که مصرف یک حصه کار ترمیم قلعه و *وضیة الری* (مسار) های مصلی هرات از طریق کمپاین بین‌المللی برداشت شود. متعاقباً

در اول اگست ۱۹۷۶ کار ترمیم قلعه اختیارالدین تحت پروگرام های انکشافی ملل متحد و مسؤولیت متخصصین یونسکو با همکاری متخصصین داخلی آغاز گردید که تا هنوز به سرعت جریان دارد.

قلعه اختیارالدین که یکی از بزرگترین قلعه های مهم و تاریخی آسیا به شمار میرود دارای طول تقریباً هزار متر و عرض پنجاه متر میباشد و دو دروازه و رودی به سمت شمال و جنوب دارد. این قلعه بدو حصه تقسیم شده که بنام های قلعه پایان و قلعه بالا یاد میشود. البته قلعه پایان نسبت به قلعه بالا در سطح پایانتتری قرار دارد.

برج های متعدد قلعه که زیبایی آنرا دو بالا ساخته است توأم بادیار های آن از عهد تیموریان باقیمانده است. هنگام ترمیم این برجهای و دیوارها تلاش شده تا سبک دورو اسلامی به ویژه روزگار تیموری احیا گردد. در وقت حفاریات که تحت نظر باستان شناس بلجیمی صورت گرفته سفال ها و تیکر هایی بدست آمده که از آثار دوران تیموری و صفوی شناخته شده است.

از آغاز کار ترمیم قلعه تا کنون در حدود مبلغ بیست میلیون افغانی در ترمیم و اعمار آن به مصرف رسیده که به شرح زیر میباشد.

الف — ترمیمات ساحه قلعه بالا :

- ۱- برج جنوب شرقی آن که دارای سه منزل بوده و ارتفاع آن از قاعده به ۱۴ متر و قطر آن به ۴ اعشاریه ۷ متر میرسد. این برج بادر نظر داشت سابقه معماری و تاریخی آن که از کیفیت عالی و ارزشمندی برخوردار است به شکلی فنی و مرغوب ترمیم شده است.
- ۲- دیوار اصلی شرقی که برج جنوب شرقی را با برج وسطی شرقی وصل میکنند دارای تیر کش های متعدد بوده و در حدود ۲۰ متر طول و ۱۲ متر ارتفاع دارد.
- ۳- برج وسطی شرقی که دارای سه منزل بوده و ارتفاع آن به ۱۱ اعشاریه ۵ متر و قطر آن به ۳ اعشاریه ۹ متر میرسد و ترمیم آن به اتمام رسیده است.
- ۴- دیوار اصلی شرقی و اتاق هایی که برج وسطی شرقی را به برج شمال شرقی وصل

- می‌توانید و طول آن به ۱ متر و ارتفاع آن از قاعده اش به ۱۳ متر می‌رسد.
- ۵- برج شمال شرقی که دارای سه منزل بوده و ترمیم آن به شکلی فنی صورت گرفته که توسط رنگ‌های کانکریتی در مقابل زلزله و دیگر حوادث مقاوم باشد. ارتفاع این برج از قاعده اش به ۱۲ اعشاریه ۲۰ متر و قطر آن به ۶ متر می‌رسد.
- ۶- دو اتاق قاعده غربی به طول ۱۰ متر و عرض ۷ متر و ارتفاع ۳ متر با بادروهای ساده شمال شرقی ترمیم گردیده است.
- ۷- دیوار اصلی سمت شمال، متصل قسمت غرب برج شمال شرقی که دارای طول ۳۷ متر و ارتفاع ۱۲ متر می‌باشد.
- ۸- برج نمبر دوم شمالی که دارای ارتفاع ۱۳ متر قطر ۸ متر می‌باشد و در حدود ارتفاع ۱۱ اعشاریه ۵ متر کاملاً توسط خشت و سنگ پر گردیده است.
- ۹- دیوار اصلی شمالی متصل سمت غرب برج نمبر دوم شمال قلعه بالا که دارای طول ۲۰ اعشاریه ۶ متر و ارتفاع ۱۲ متر می‌باشد.
- ۱۰- برج نمبر سوم شمال قلعه بالا که دارای سه منزل بوده و ارتفاع آن به ۱۳ متر و قطر آن به ۵ اعشاریه ۲۵ متر می‌رسد.
- ۱۱- دیوار اصلی شمالی متصل سمت غرب برج نمبر سوم شمالی که دارای طول ۳۰ متر و ارتفاع ۱۳ متر می‌باشد.
- ۱۲- برج نزدیک دروازه ورودی شمالی که چهار منزل داشته و دارای ارتفاع ۱۱ اعشاریه ۵ متر و قطر ۳ متر می‌باشد.
- ۱۳- دیوار اصلی مرکز که برج نزدیک دروازه ورودی شمالی را به برج طرف چپ دهلیز ورودی قلعه بالا متصل می‌سازد ۱۱ متر طول و ۱۳ متر ارتفاع دارد.
- ۱۴- برج طرف چپ دهلیز ورودی قلعه بالا که ۱۱ متر ارتفاع و ۳ متر قطر دارد است و دو منزل دارد.
- ۱۵- دیوار اصلی مرکز بالای دروازه و بین دو برج دروازه قلعه بالا که دارای

طول ۵ اعشاریه ۵ متر و ارتفاع ۱۳ متر میباشد.

۱۶- برج طرف راست دهلیز ورودی قلعه بالا که دارای ارتفاع ۱۱ متر و قطر ۳ متر می باشد و دو منزل دارد.

۱۷- دیوار اصلی که برج طرف راست دهلیز ورودی قلعه بالا را به برج نزدیک دروازه ورودی جنوبی وصل میسازد و ۹ اعشاریه ۳ متر طول و ۱۳ متر ارتفاع دارد.

۱۸- برج نزدیک دروازه ورودی جنوبی که از بزرگترین برج های قلعه بشمار می آید دارای ارتفاع ۱۹ اعشاریه ۲۰ متر و قطر ۹ اعشاریه ۵ متر بوده و دو منزل دارد.

۱۹- دیوار اصلی جنوبی متصل شرق برج نزدیک دروازه ورودی جنوبی که که دارای طول ۳۰ و ارتفاع ده متر می باشد.

۲۰- برج نمبر دوم جنوبی که دارای سه منزل بوده و تمام منازل آن توسط رینگ های کانکریتی علیه زلزله استحکام گردیده و دارای ارتفاع ۱۵ متر و قطر ۳ اعشاریه ۹ متر می باشد.

۲۱- ترمیم برج نمبر سوم جنوبی و دیوار های متصل شرقی و غربی این برج بسبب سرعت جریان دارد و امید است در آینده نزدیک به پایان رسد.

۲۲- چون قلعه بالا کاملاً توسط خاک، پارچه و سنگ پوشیده شده بود، وقت زیادی صرف پاک کاری آن با وسایل دست داشته ابتدائی شده و در حدود ده هزار و ۳۰۰ متر مکعب خاک و پارچه از داخل قلعه بالا به مدت دو سال به بیرون نقل داده شده است.

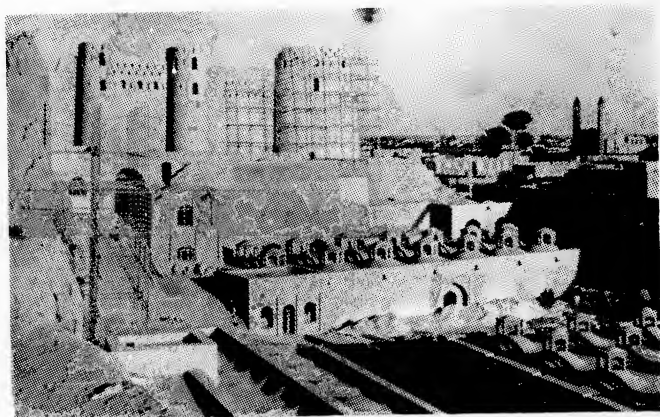
ب- ترمیمات ساحه قلعه پایین:

ترمیماتی که در ساحه قلعه پایین صورت گرفته به شرح ذیل است:

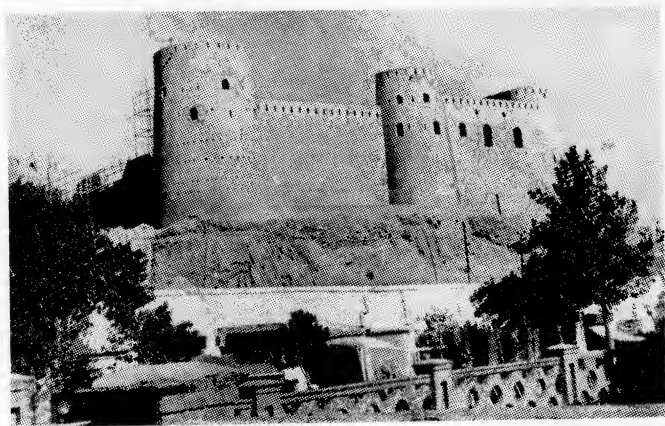
۱- ترمیم چهار اتاق دفتر به طول ۱۵ متر و عرض ده متر.

۲- ترمیم چهار اتاق بالای دفتر.

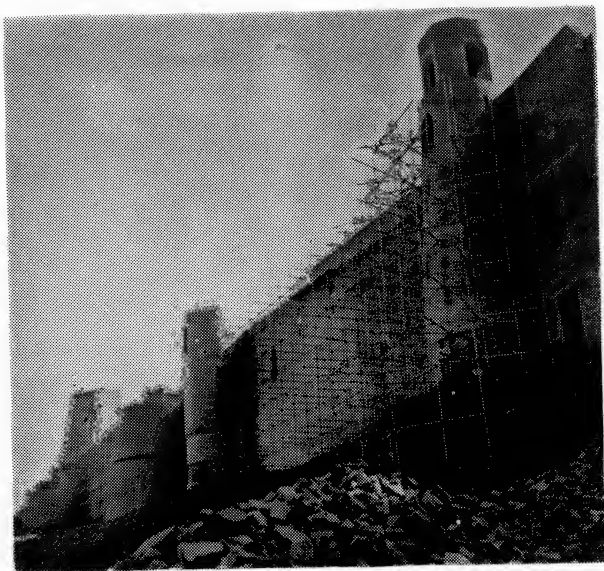
۳- ترمیم دیوار اصلی سمت شمال که متصل به قسمت غرب برج نزدیک دروازه ورودی شمالی می باشد و ۳۰ متر طول و ۱۲ متر ارتفاع دارد.



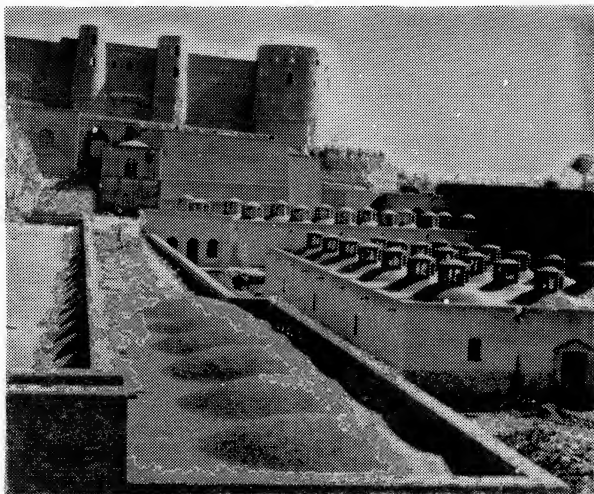
تصویری از بر جهای هر کسزی قلعه اختیار الدین با قسمتی از گالری های قلعه پایین



رویگار سمت شرق قلعه اختیارالدین (بعد از ترمیم)



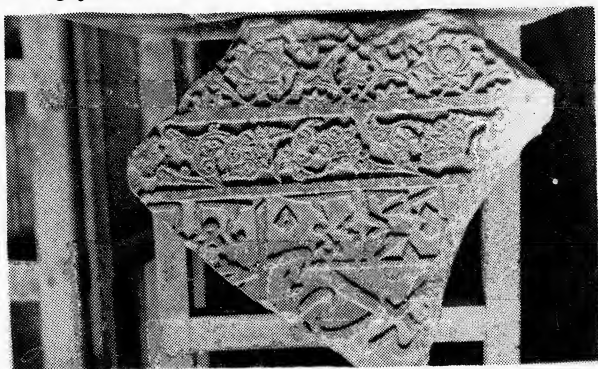
نمای بیرونی دیوار های سمت شمال قلعه اختیار الدین



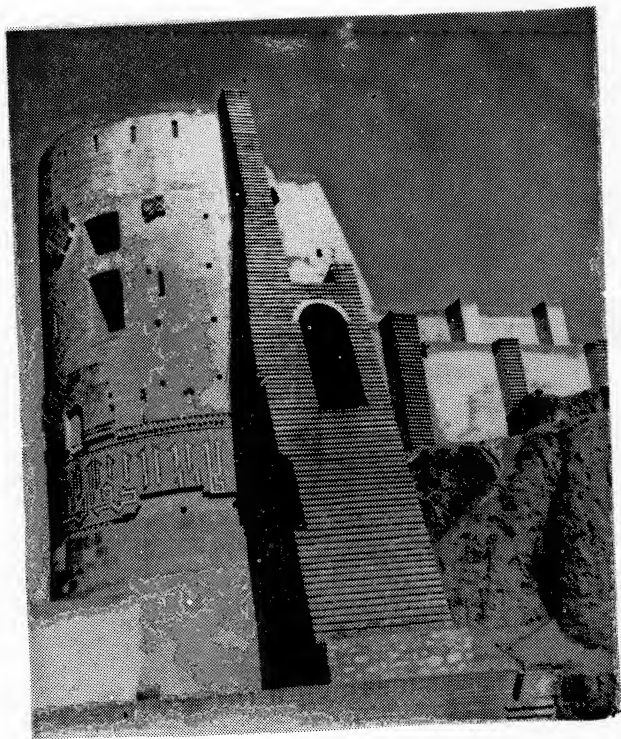
نمای سمت غرب بر چ های مرکزی قلعه اختیار الدین (بعد از ترمیم)



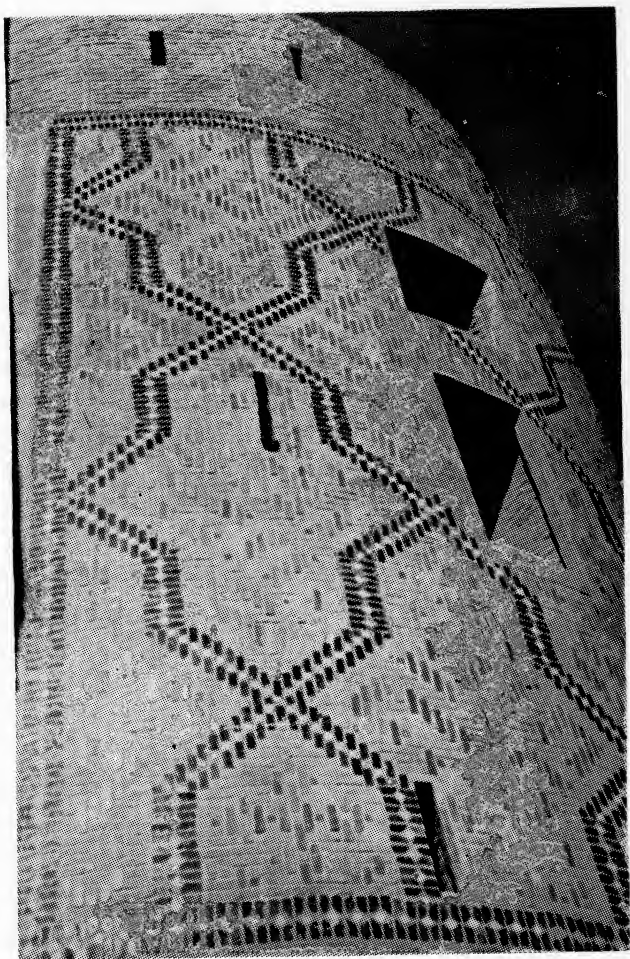
لوحه سنگ سفید ومنقوش یافت شده از قلعه اختیارالدین که از دوره تیموری ها است



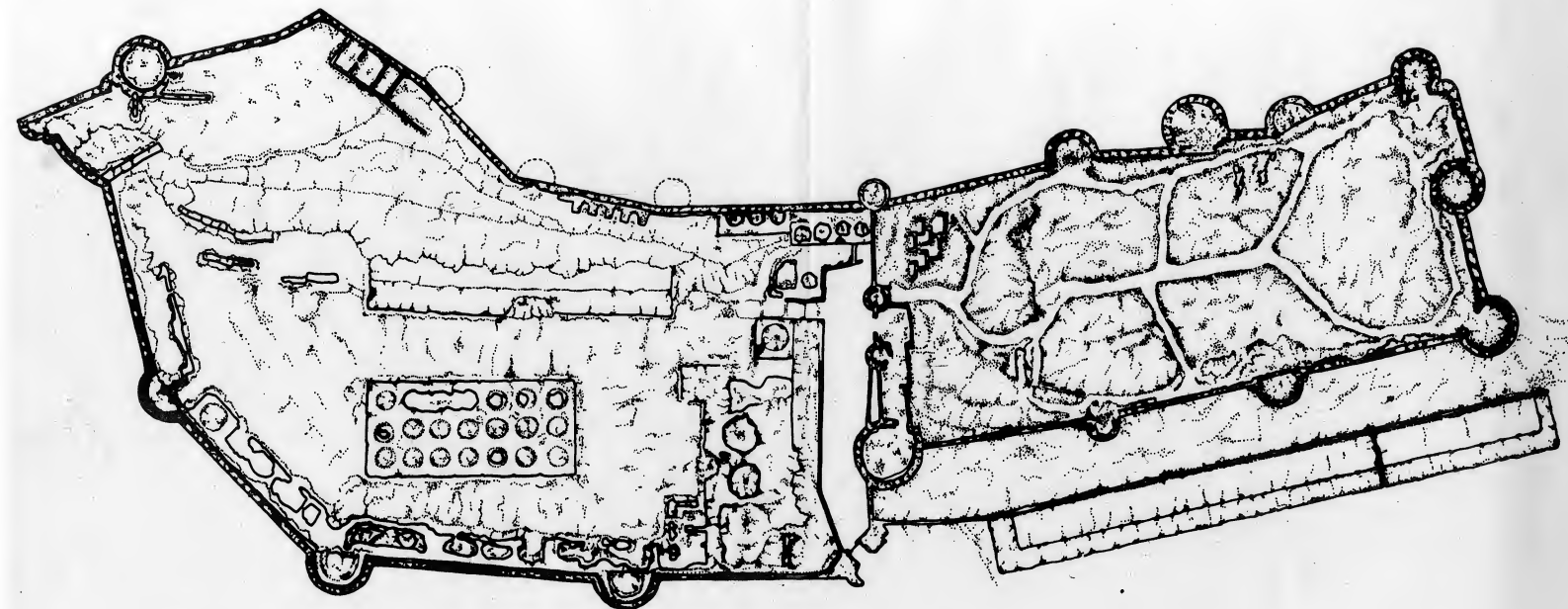
سنگ نبشته سیاهی که در اثر حفاریات از قلعه اختیارالدین یافت شده و یادگار دوره تیموریها شناخته شده است



برج زیبای تیموری (بعد از ترمیم)



رویکار تزئینی برج تیمودی در گوشه شمالغرب قلعه پایین (بعد از ترمیم)



شمال



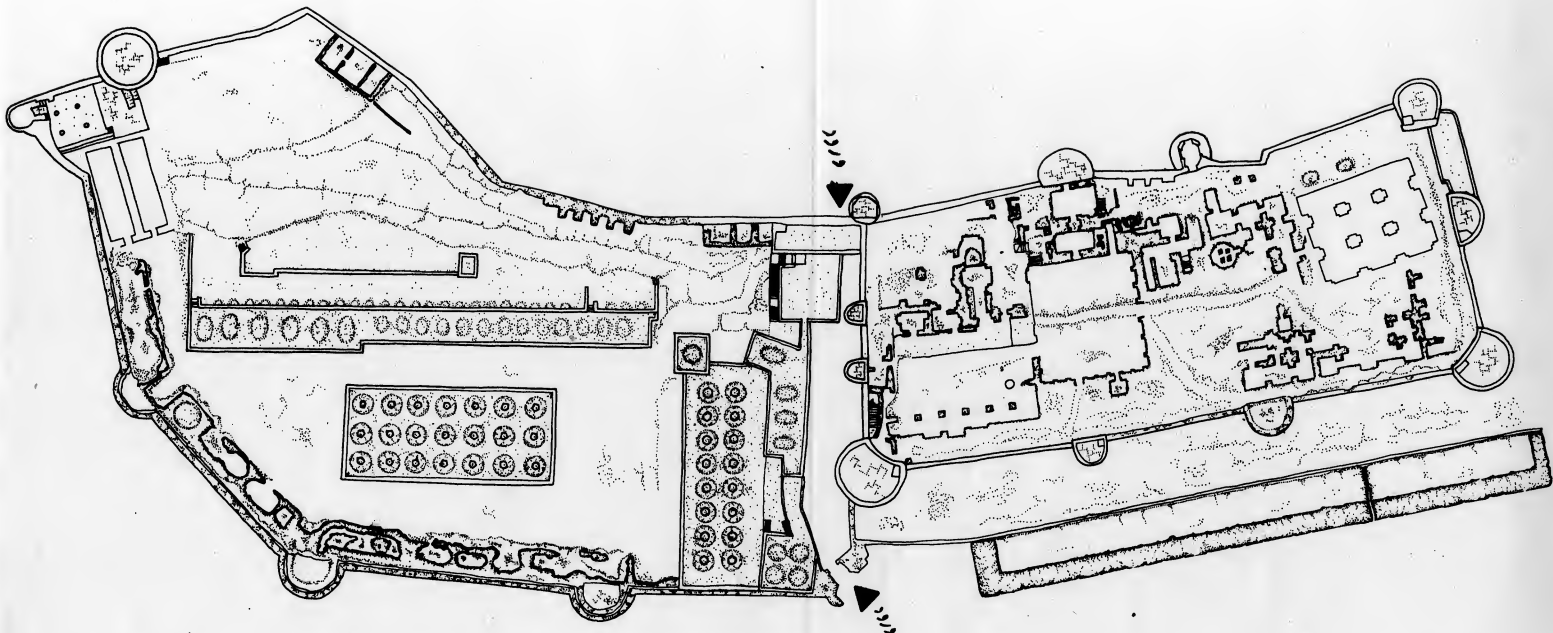
۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

مقیاس ۱:۵۰۰

قلعه اختیارالدین

ملان ساحه (قبل از ترمیم ۱۲۷۹)

نقشه از اندر یو یو نو



شمال



۲۵ متر

مقیاس ۱:۵۰۰

قلعه اختیارالدین
پلان ساحه (وضع فعلی)
ترتیب و ترسیم فریدواله

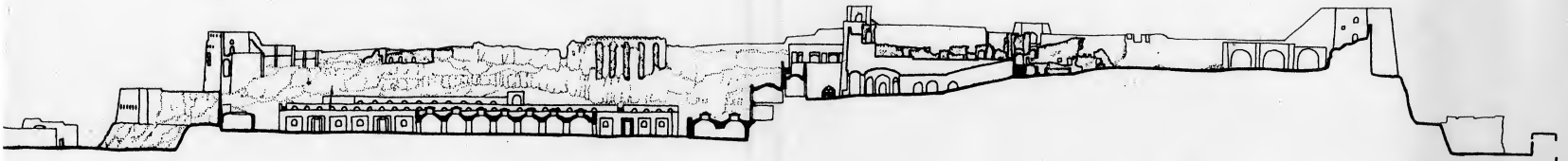


قلعه اختیارالدین

نمایش (قبل از ترمیم ۱۹۷۰)

ترتیب از اندریو بروک

۷۵ متر
۱ ۵ ۱۰
مقیاس ۱:۵۰۰



قلعہ اختیار الدین
 نرہش (وضع فعلی)
 ترقیب و ترسیم فریدوال

۲۵
 ۱ ۵ ۱۰
 مفاصل ۱۵۰۰

۳- ترمیم چهارگالری که دوگالری آن ۶۲ متر طول و گالری دیگر ۵۰ متر طول داشته و هر کدام دارای ۳ متر عرض می باشد.

۵- موزیم نظامی به طول ۳۵ متر و عرض ۱۶ متر و ارتفاع ۳ متر .

۶- موزیم ملی به طول ۲۵ متر و اتاق فوقانی آن.

۷- برج تیموری به ارتفاع ۲۰ متر از قاعده و قطر ۸ متر که سه منزل دارد.

۸- دیوار متصل شرقی برج تیموری به طول ۲۰ متر و ارتفاع ده متر.

۹- دیواری که برج تیموری را با برج شمال غربی وصل مینماید و دارای ۱۵ متر طول

و ۸ متر ارتفاع می باشد.

۱۰- برج شمال غربی که دو منزل داشته و ارتفاع آن به ۶ متر و قطر آن به ۱۵ متر می

می رسد .

۱۱- دیوار متصل سمت جنوب برج شمال غربی به طول ۸ متر و ارتفاع ۷ متر .

۱۲- کار ترمیم ۳ اتاق قاعده برج تیموری نیز تکمیل شده است.

۱۳- پاک کاری و نقل خاک و پارچه اضافی نیز از داخل قلعه به بیرون صورت گرفته

بدینگونه که در حدود ۸ هزار متر مکعب خاک و پارچه اضافی به بیرون نقل داده شده است.

فرید واه

دیگ

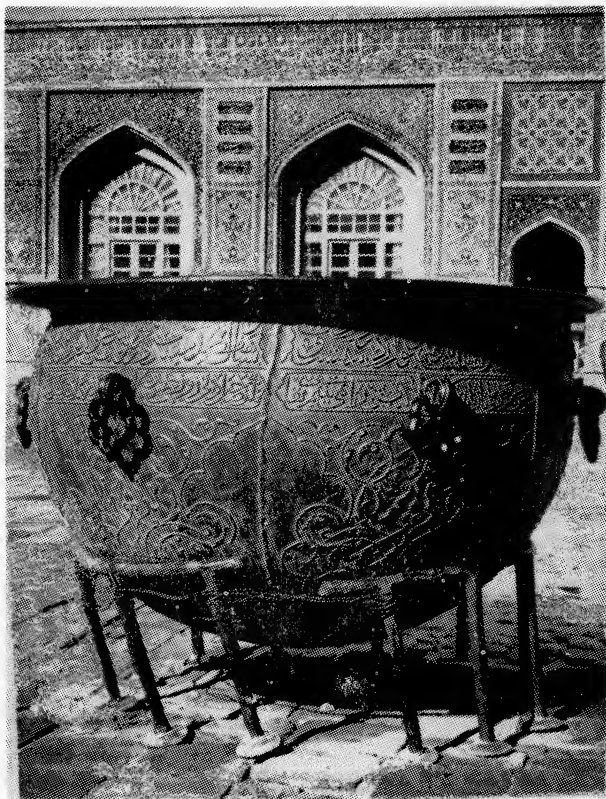
بزرگ

مسجد جامع

در گوشه پی از صحن مسجد جامع هرات ، دیگ بزرگی جلب توجه میکند که از نگاه ساخت و تزییناتش یکی از شاهکارهای شگفت تاریخ بشمار میرود .

سابق در روزهای سترگ ، در بین این دیگ شربت میساختند و برای مسلمانان توزیع میکردند . زمانی که تمیو رلنگ شهر هرات را فتح کرد چنان شگفتی های این دیگ بر آن تأثیر گذاشت که اسیر نمودن آنرا در یکی از مساجد ترکستان نیز بسازند . سفرای چینی در دربار شاه رخ نیز که به اهمیت این دیگ بزرگ پی برده بودند اوصاف آنرا برای امپراتورشان به چین گزارش داده اند .

محیط پیرونی این دیگ ۴/۳ متر بوده و عمق آن به ۱/۲ متر میرسد . در دو رادور آن بشکل یک حاشیه بی زیبا ، لبه آن قرار دارد که از نظر زیبایی های اهمیت است .



دیگ بزرگ مسجد جامع هرات

این دیگک زیبا در قرن هشتم هجری در هرات از برنج ساخته شده است بدینگونه که ابتدا از برنج به شش قسمت ریخت شده و بعد حصه های جداگانه آن به هم پیوند زده شده است .

در اطراف دیگک، دسته های آن به شکل حلقه ها قرار دارد و چیزی که آنرا بیشتر شگفت می نماید اینست که این دسته ها به همراه آن یکجا ریخته شده و سپس با کمال استادی چنان سوهان گردیده که شکل حلقه های متحرک را بخود گرفته و آزادانه بالا و پایین میشوند ، بطوریکه گمان نمیشود دسته های دیگک یکجا با آن ریخته گردیده باشند .

نوشته ها و گنبرگ های تزئینی روی دیگک نیز همه بعد از قالب گیری ریخته شده که نمایانگر پیشرفت صنعت ریخته گری هرات در آن زمان می تواند باشد . در قسمت بالا ، روی حاشیه بی در بین مرغوله ها به خط ثلث کلماتی چون توکل علی الله و کلماتی نظیر آن نوشته شده که متأسفانه به مرور زمان پاک گردیده و اکنون خزانده نمیشود .

بر بدنه بیرونی دیگک در زیر حاشیه یالیه آن به خط کوفی قرن هشتم، به سبکی بسیار عالی آیات قرآنی به همراه تاریخ، نام شاه، نام اهدا کننده و نام ریخته گر آن ثبت شده و چنین شروع میشود :

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم لطاق علیهم ...

در خط مذکور آمده که ابن دیگک در زمان محمد بن محمد بن محمد بن محمد ابو بکر کورت در سنه ۷۷۴ هـ ق ساخته شد . اما از آنجای که در تاریخ از خاندان کورت کسی به این نام به سلطنت نرسیده و از تاریخی مذکور مطابق بدور سلطنت ملک غیاث الدین پیرعلی آخرین پادشاه کورت است ، چنین گمان میرود که باید دیگک مذکور در زمان وی ساخته شده باشد .

همچنان ذکر شده که این دیگک از مال خالص محمد بن علی بن محمد بن محمود الطوسی و بدست حسن بن علی بن حسن بن علی اصفهانی ساخته شده، به مسجد اهدا گردیده.
در سطر دوم که آنهم به دورادو و دیگک اداسه دارد و به خط تو قیع سر غولها نوشته شده باز هم اسم پادشاه تذکار رفته و نیز دوییت از شعر زیبای سعدی نوشته شده که چنین است:

غرض نقشیست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایی
وگر صاحب دلی روزی بر حمت کند در کار درویشان دعایی

در قسمت پایتتر دیگک، گلبرگهای بسیار نفیسی به صورت برجسته نقش بسته است که بار بار بر زیبا یی آن می افزاید.

دیگک بز رگ مسجد جامع هرات از مفاخر هنری و فرهنگی این دیار باستانی محسوب میشود اما متأسفانه عده یی با نوشتن یادگاری بروی آن، ناخودآگاه بر آن صدمه رسانده اند. از این دیگک شگفت و ارز شمندان کنون استفاده نمیشود و در صحن مسجد جامع هرات بر بالای پایله فلزی محقری گذاشته است که نظر سیاحان خارجی را بیشتر بخود جلب میکند.



پوزشخواهی

شماره اول مجله هرات بامستان که در فرصتی کوتاه وباشتاب از چاپ برآمد
بانا درستی های فراوان طباعتی همراه بود؛ بدین وسیله از تمام خوانندگان
آگاه ودانشورپوزش میخواهیم.

QUANTITY OF PRODUCTION:

The annual quantity of raw cocoon produced is approximately 60 tons. This quantity is produced in the city and its surroundings. The product is exported to foreign countries. For example, in 1977, almost 40 tons were exported to Japan.

KINDS OF COCOON:

Two kinds and four types of cocoon are found in Herat which are known as: CA1, CA2, CA3, CA4.

Although silkworm eggs are produced in Herat, they are brought from Kabul and sold by state agencies. Approximately 15000 cases of silkworm eggs are delivered to Herat annually. The cases are sold at a price of Afs. 150 per case. The offer however, does not meet the demand which reaches upto 30000 cases per year.

Normally, from a 12 gram case of silkworm, 20 to 30 kg. of raw cocoon is obtained, or from one case, an average of 3 to 3.5 kg. of pure silk is produced.

Silk threads produced in Afghanistan, are stronger than the internationally accepted standard. From 15 cocoons, one thread is obtained the length of which is 800 to 1000 meters.

DISEASES:

The most important disease which is known world-wide by the name of Peprin or Protozoa attacks the silkworms in Herat too, causing serious damages. Another common disease in Herat is called Bacteria. Fitchery is another kind which causes damage to the silkworms.

FAVOURED PLACES OF SILKWORM BREEDING:

The best place for silkworm breeding in Herat is the Enjeel sub-province, while Zindajan stands second. The mild climate and abundance of food, has given Herat a leading role among the provinces of Afghanistan in silkworm breeding.

By establishing and expanding a silkworm breeding cooperative, it is hoped that silkworm breeding may expand to a state that the production of silkworm eggs reaches the demand. The cooperative shall put more than 25000 cases at the disposal of the people which is equal to 75 % of the total silkworm eggs produced in Afghanistan.



Silkworms during their process of nourishing.

Report by R. J.
Translated by Farid Waleh

Silkworm Breeding in Herat

HISTORICAL BACKGROUND:

Silkworm was known for the first time in 1700 B.C. by a Chinese queen named Cillingti. It's breeding started in China and gradually spread to other parts of the world.

In Herat, silkworm breeding was common around 2500 years ago. When Marco Polo travelled through Afghanistan, he noted agriculture and silkworm breeding in this country.

PRESENT CONDITION:

Today, in Herat, approximately ten thousand families are busy breeding silkworm. Thirty five years ago, there was a company which was busy buying the cocoons from the people and processed them into silk fibers. The Company was closed due to lack of management soon after operation. The company however, was re-established six years ago with a capital of Afs. 2.5 million with eighty share-holders. In the near future, it is planned to develop the company with its minimum capital into a cooperative of silkworm breeding under the guidance of the local directorate of agriculture.

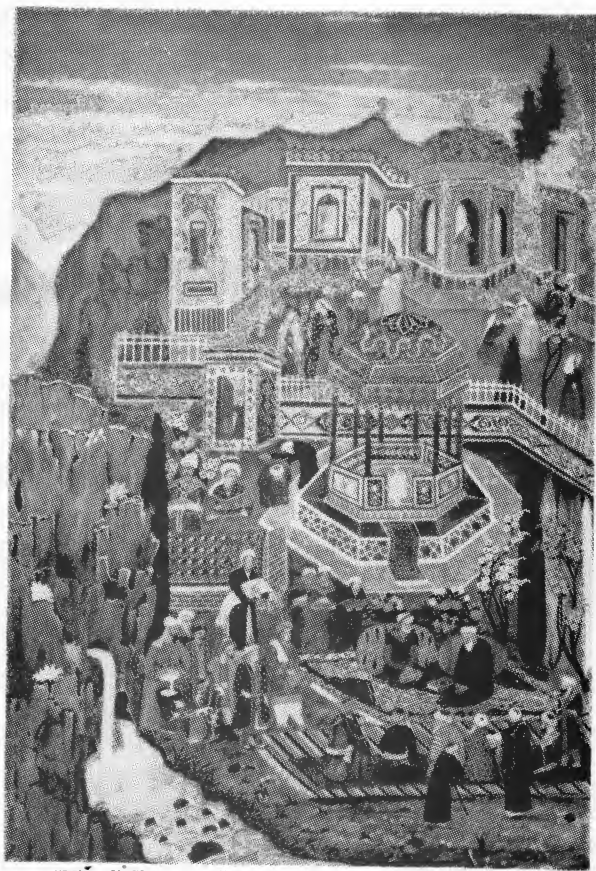
belonging to the mosque can be seen there. It is unfortunate that the pre-revolutionary governments took no action for preserving this precious structure. The Palace of the King of Ghor is situated on a nearby natural mound.

In addition to the historical remains just mentioned, there are a number of historical remains in the Ghor villages of Gulbaid, Galabaid, Shahiwelayat, Shahisamangan and Tashlieque. Also, there are many historical cites there waiting for archeological excavations. The villages of Paihesar, Sur (the birth-place of the Suri kings), Bitai, Unai, Yakhaniulya, Yakhaniusfla of Ghor are also worth mentioning for their historical worth. It could be said of the historical significance of these villages that every foot of their soil and every brick of them tell stories of their past greatness.

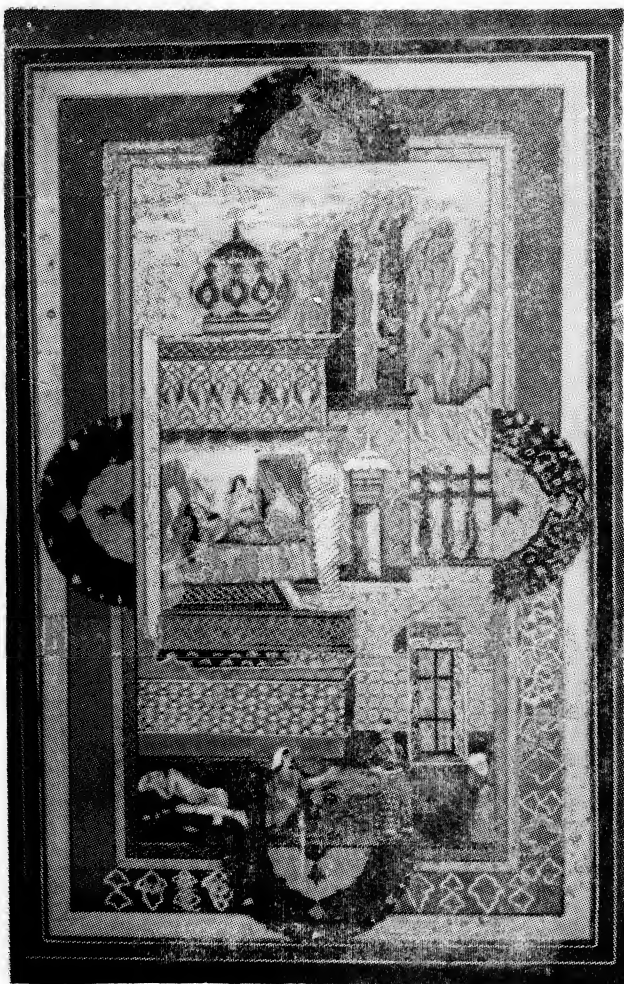
The province of Badghes is also rich in valuable historical structures. There are the historical Fort Nariman in southwest of Qalainaw, Ghari-Jalali (Jalali Cave) also called Gharikhazana (Khazana Cave) and several others in Qadesikhordak and other places of this province which are not yet, studied or known and were abandoned like the other cultural wealths of that part of our country.

Master Mashal is hoping that the responsible cultural authorities take necessary steps toward revival of the art school of Master Kamaluddin Behzad. As one having always labored towards this end, he wishes that these authorities take special care of the miniature painting which is almost facing extinction and that the great historical structures of Ghor, Herat and Badghes—those rich legacies of ours—and all the other historical properties of our country which were victims of the imperialist looters and treasure hunters throughout long times be repaired, recovered, restored and reconstructed.

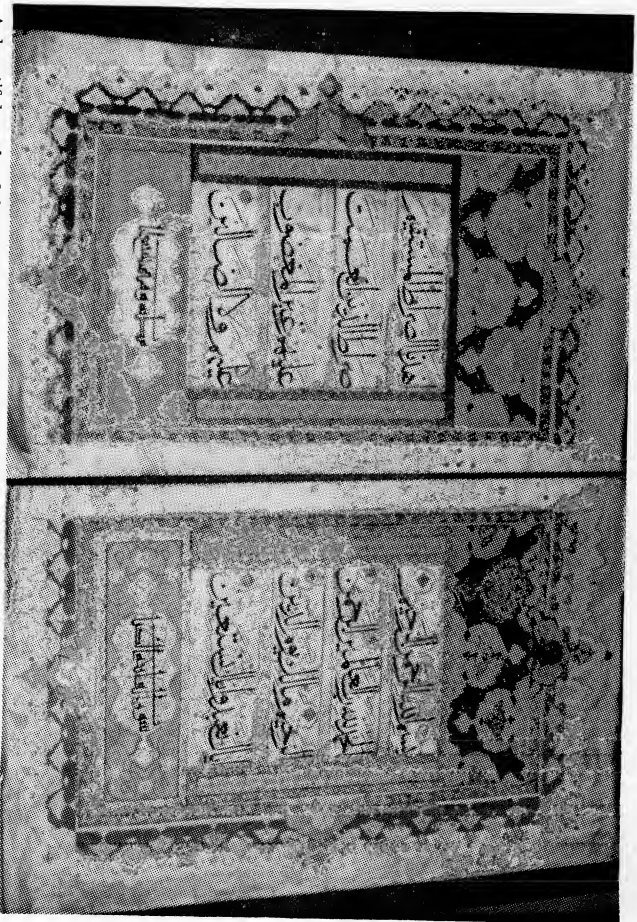




"Mir Ali Sher Nawai's Reception of Jami and Sultan Husein Baiqara", a beautiful work by Mashal



An incomplete miniature painting of Mashal.



A beautiful work of handwriting by Mohammad Ali Attar and miniature painting by Master Mashal.



Mashal, in his artistic compartment.

on wood and leather, are considered among Master Mashal's best works.

On inspiration from the nature and the society, Master Mashal has endeavoured to relate roles, and conditions by his pictures. His first acquaintance with the mysterious world of Behzad was through the pictures in his father's library's books and the miniature paintings left by his uncle, Sultan Mohammad Ghorī. He would copy those pictures in his boyish manner when he was a little boy.

In 1299 Hijri, when his father was governor of Daizangi, he had the opportunity of being guided by Shah Ibrahim, secretary to his father, who was a distinguished artist himself. It was through this man's guidance that Master Mashal got acquainted with the particulars and details of the School of Behzad and was encouraged to go ahead along the path he chose to tread.

Master Mashal who speaks with a sweet Herati accent, is a man of pleasant social relations in whose company one often hears his humorous remarks. As an experienced artist, he is also well-informed on the country's history and its historical remains. His informations on the country's past ancient civilizations of Herat, Ghor and Badghis is admirable. He has investigated these civilizations and has studied the relics and monuments left. He is assured there were in Ghor, both in the pre-Islamic and the Islamic eras magnificent civilizations of which the existing relics and ruins in different parts of Ghor, are undeniable witnesses.

Careless excavations in Ghor by irresponsible archeological missions and others during the reign of King Mohammad Zahir Shah, discovered some articles of the pre-Islamic era which were transferred to the Museum of Kabul. Relics of the Islamic era with great historical significance are to be encountered too. The Minaret of Jam, the Minaret of Sagher, Masjid-i-Ghaibi (in Tayraro) and the Tomb of Khwaja Wajduddin (in Pasaband) are among these relics. Likewise, there are some ancient towers of considerable height, here and there in the valleys, the hillsides and the rural areas of Ghor, gracefully projecting toward the blue sky. These structures which are very interesting in their style and form are awaiting thorough studies and scientific research work.

Masjidi Malikan in the village of Larwand in Tayora, built in Sari Mashad Grounds in the Valley of Malikan, is considered by many as a wonderful masterpiece. The stone work of the mosque is very remarkable and worth seeing. Lead is worked skillfully in the spaces between the adjoining stone blocks. The grand ceiling of this beautiful mosque has fallen under the effects of time and events. The fallen ceiling is being kept inside the mosque. A beautiful manuscript with pretty floral and fine artistic designs

place. Here he was taught Fiqe (The Islamic Law), Tafsir (the explanation of the Holy Koran), Hadith (The words of the Prophet Mohammad), theology and some other branches of knowledge, deemed important in those times, by Mawlawi Sher Mohammad Ghorl and Mawlawi Mohammad Yonus, both of whom were famous scholars of Ghor. He was also taught, by his father, agriculture, architecture target, shooting, horse riding, as well as the art of painting. Miniature painting was his field of choice, to which he was drawn more and more as he grew in age.

Master Mashal has not only mastered the art of miniature painting. He is proficient in the modern art of calligraphy, including Nastalique handwriting, embroidery, book binding, engraving, carpentry, shoe making, architecture and tailoring as well.

Also a poet, Master Mashal could be considered as one of the contemporary poets of Herat. He writes articles for newspapers and periodicals too. His poems have appeared in the regular publications of Herat City.

Master Mashal has held various government posts and taught in a number of high schools and the Teachers College of Herat. Several hundreds of his students in these educational centers have learned painting and miniature painting from him. His students' paintings are available in many of the country's bazaars.

Master Mashal's greater part of life is spent in Herat. Presently he lives in his home in Herat City, located next to the tomb of Imam Fakhruddin Razi, the famous Islamic scholar of the Middle Ages.

Master Mashal's home is, in itself, an arts exhibition of beautiful works of art, of which his paintings and miniature paintings are very conspicuous. A visit to his home takes one to the enchanting domain of pictures, colours, designs and men and women with their smiles and cheers, their sorrows and anxieties, and their tears and griefs, where one thinks he is feeling the presence of Great Behzad and is with him in his famous Negaristan. Over a thousand pieces of fine paintings, representing various aspects of our people's life, are displayed here.

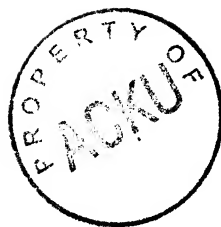
Master Mashal's works were placed for show in several exhibitions in Herat, Kabul, Lashkargah, the American Embassy in Kabul, the Mir Ali Sher Nawai Museum of Tashkent and Bulgaria. He has won a number of prizes for his works displayed in these exhibitions.

The paintings of "Shikargah" (the hunting place), Mir Ali Sher Nawai's Invitation of Jami and Sultan Husain Baiqara and "The reception", together with some of his other works, skilfully worked

Master Mashal is the son of Haji Mohammad Ghorî. Born in 1992 Hijri, in Logar, at a time when his father was assigned in a government job there, he is originally a resident of the village of Neely, of the sub-province of Tayora of the province of Gher in north-western Afghanistan. He received his primary education in the Andarabi primary school of Kabul city called Reza primary school then. On completing his primary education in 1303 Hijri, he accompanied his family on its way to Tayora, his father's birth-



A view of a corner of Master Mashal's artistic compartment



Written by M. Shah Rafat
Translated by M. Akbar Shaigon

Master Mohammad Saied Mashal, Torch of the Art School of Behzad

Master Mohammad Saied Mashal is one of the experienced and eminent artists of our ancient country, Afghanistan. This able and energetic artist may be regarded as the second Behzad and the torch bearer of the miniature painting art of the historical and art nourishing land of Herat.

Having strived for over thirty-five years of his life in keeping alive the art of miniature painting of Herat, Master Mashal has trained a number of students, offered by him to the community. One may say that he is burning like a torch for his love—the miniature painting art of Herat.

At an age of his life when his hairs are turning grey and his eyes are no more retaining its former vision, he still is endeavouring in this direction with a heart full of love and full of hopes and with a cheerful face. He stays for long hours in his private compartment, where he is often seen with his painting brush in his hand, running it hastily over his sketches and designs to make the lines, the faces and the forms of his pictures, he is inspired for by the nature or the real life.



ACKU

File
NA
1492.2
240



e. Bastan

No. 2, Vol. 1, 1980

A Quarterly Journal of
the Research Section of
the International Project
of Herat Monuments.

The Dept. of Culture and
Cultural Projects,
Ministry of Information
and Culture.

Editor : Habib Rahiq
Annual Subscription :

Inside the Country :
Afs. 50

Outside the Country:
\$ 6

Price of one issue: Afs. 15

Address:

International Project
of Herat Monuments,
Ikhtiyaruddin fort. Herat

Tel. 2403

